رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله‌شناسی، راهبردها و سیاست‌ها

(مجموعه گفت‌وگو)

به کوشش ابراهیم شفیعی‌سروستانی



بسم الله الرحمن الرحیم

رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله شناسی، راهبردها و سیاست ها (مجموعه گفت وگو)

نویسنده:

ابراهیم شفیعی سروستانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله شناسی، راهبردها و سیاست ها (مجموعه گفت وگو)

مشخصات کتاب

سرشناسه: شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۴۳ -، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله شناسی، راهبردها و سیاست ها (مجموعه گفت وگو)/ به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی .

مشخصات نشر: قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۹۷ ص.

شابک: ۰-۲۷۴-۵۱۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: سیاست جمعیت -- ایران

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۷ ش ۳آ /HB۳۶۳۶/۴

رده بندی دیویی: ۳۰۴/۶۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۰۳۰۲۷

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

دیباچه

دیباچه

بـا مطرح شـدن موضوع ضـرورت تغییر سـیاست جمعیتی نظـام جمهوری اسـلامی ایران و اعلاـم خطر برخی از کارشـناسان در زمینه کـاهش شدیـد جمعیت کشور، از اوایـل سال ۱۳۹۱ موضـوع تـدوین «راهبردهـا و اقـدامات ملی مربوط به جلوگیری از کـاهش نرخ بـاروری و ارتقای آن متناسب با آموزه های اسـلامی و اقتضائات راهبردی کشور» در دسـتور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و در نهایت در تاریخ ۲/۳/۱۳۹۱ این راهبردها به تصویب شورای یادشده رسید.

در این مصوبه به «فرهنگ سازی برای دست یابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پی آمدهای منفی کاهش باروری به ویژه زیرحـد جانشـینی» توجه ویژه ای شـده و بر همین اساس در بند ۱ ماده ۳ آن، «تهیه طرح جامع تولیـد و اجرای انواع برنامه های آموزشـی، پژوهشی، اطلاع رسانی، نمایشی، تبلیغی و غیره در رسانه های جمعی به ویژه صدا و سیما و شبکه هـای اسـتانی آن بـا هـدف گفتمـان سـازی و ترویـج فوایـد فرزنـدآوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری، با رعایت شـرایط و مقتضیات راهبردی» یکی از اقدام های ملی متناسب با راهبردهای جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن، برشمرده شد.

ص: ۸

با توجه به این مصوبه، رسانه ملی باید راهبردها، سیاست ها و برنامه های خود برای تغییر گفتمان موجود در زمینه فرزندآوری را به روشنی تدوین و بر اساس برنامه ای دقیق و حساب شده گفتمانی جدید را در جامعه حاکم کند. گفتمانی که در نهایت به عبور از مرحله بحرانی کاهش جمعیت و افزایش آن تا رسیدن به حد مطلوب بینجامد.

بر این اساس، اداره کل خدمات رسانه ای مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما از اوایل زمستان سال ۱۳۹۱ طرح تدوین راهبردها، سیاست ها و برنامه های رسانه در زمینه افزایش جمعیت را با بهره گیری از روش تحلیل کیفی و مصاحبه با کارشناسان حوزه های گوناگون دین پژوهی، زن و خانواده، جامعه شناسی، رسانه و ارتباطات، در دستور کار خود قرار داد و بحمدالله موفق شد که در کمترین زمان ممکن نتایج پژوهش خود را در اختیار مدیران و برنامه سازان رسانه ملی قرار دهد.

کتاب حاضر، دست آورد این طرح پژوهشی, است که امیدواریم رسانه ملی را در اتخاذ بهترین راهبردها و سیاست ها در حوزه یادشده یاری دهد.

در پایان از همه کسانی که در به ثمر نشستن این طرح پژوهشی نقش داشتند؛ به ویژه مجری طرح جناب آقای دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی و همه کارشناسانی که در چارچوب این طرح با آنها گفت وگو شده است, سپاس گزاری و برای همه آنها آرزوی موفقیت می کنیم.

اداره کل خدمات رسانه ای

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۹

پیش گفتار

پیش گفتار

تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی و حرکت از سیاست تحدید موالید به سمت سیاست افزایش موالید، نیازمند تغییر گفتمان و فرهنگسازی گسترده است.

یکی از مهمترین سازمانهایی که در این تغییر گفتمان و فرهنگ سازی نقش دارد، سازمان صدا و سیماست.

سازمان صدا و سیما باید با در پیش گرفتن راهبردهای مشخص و سیاست های روشن و همچنین تولید برنامههای اثرگذار، در طولانی مدت گفتمان موجود را تغییر دهد و زمینه را برای ایجاد گفتمان جدید فراهم آورد.

یکی از مهمترین نکاتی که رسانه ملی در این زمینه باید به آن توجه کند، بهرهگیری از روش غیرمستقیم القای پیام و پرهیز از اقدامهای صرفاً شعاری است.

رسانه ملی باید با برنامههای جذاب و اثرگذار به تدریج بینش، گرایش و رفتار مردم را در زمینه بچهدار شدن تغییر دهد و شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» را عملاً از ذهن و زبان و زندگی مردم حذف کند.

برای روشنتر شدن وجوه گوناگون این موضوع و تبیین راهبردها، سیاستها و برنامههایی که رسانه ملی برای تغییر گفتمان موجود درباره فرزنددار شدن و تحقق سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی باید در پیش گیرد، در این کتاب موضوع «رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی» بررسی شده است.

ص: ۱۰

این پژوهش بر اساس روش تحلیل کیفی انجام شده و برای گردآوری اطلاعات، از دو شیوه مصاحبه و بررسی اسنادی (منابع کتابخانهای، پایگاههای اطلاعرسانی و نرمافزارهای مرتبط) استفاده شده است.

در نخستین گام این پژوهش، با تعدادی از کارشناسان حوزوی و دانشگاهی در حوزه های دینپژوهی، زن و خانواده، جامعهشناسی، مطالعات فرهنگی و رسانه و ارتباطات، بر اساس پرسشهای مشخص و از پیش طراحی شده مصاحبه، و حاصل نکات مطرح شده در مصاحبهها به صورت نظاممند و منطقی استخراج شده است.

در گام دوم، بر اساس نکات مطرح شده در مصاحبهها، مطالعات تکمیلی برای مستندسازی این نکات و تکمیل و تتمیم آن ها انجام شده است.

در گام سوم، بر اساس یافتههای مصاحبهها و مطالعات کتابخانهای صورت گرفته، بخش اول کتاب نگارش و تدوین شده است.

بر این اساس، کتاب حاضر در دو بخش سامان یافته است:

در بخش نخست، بر اساس مباحث مطرح شده در مصاحبهها و همچنین پژوهشها مطالعات انجام شده مهمترین راهبردها و سیاست های رسانه ملی برای فرهنگسازی در زمینه تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، از کاهش جمعیت، به افزایش جمعیت بررسی شده است.

در بخش دوم، متن کامل مصاحبه با کارشناسان، پس از ویرایش و بازنگری ارائه شده است.

در پایان، از همه کارشناسان ارجمندی که ما را در تهیه و تدوین این کتاب یاری دادند، سپاسگزاری، و برای همه آن ها آرزوی موفقیت روزافزون میکنم.

امیدوارم کتاب حاضر، مدیران و برنامهسازان رسانه را در تحقق رسالتها و مسئولیتهایی که درباره موضوع یادشده بر عهده دارند، یاری دهد.

ابراهیم شفیعی سروستانی

زمستان ۱۳۹۱

ص: ۱۱

بخش اول: هست ها و بایدهای سیاست جمعیتی (پژوهش)

اشاره

بخش اول: هست ها و بایدهای سیاست جمعیتی (پژوهش)

زیر فصل ها

مقدمه

ص: ۱۲

ص: ۱۳

مقدمه

اشاره

مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران با گذشت بیش از بیست سال از اجرای سیاست تحدید جمعیت، با توجه به ملاحظات گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی، سیاست افزایش جمعیت را در پیش گرفته است.

بیتردید، برای تحقق این سیاست جدید جمعیتی، باید اقدامهای متعددی در حوزههای گوناگون انجام شود؛ ولی یکی از مهمترینِ این اقدامها، «فرهنگسازی» و تغییر گفتمان جامعه، از کاهش جمعیت به افزایش جمعیت است.

بر این اساس، رسانه ملی در جایگاه یکی از مهمترین دستگاههای فرهنگساز کشور، که به تعبیر مقام معظم رهبری مسئولیت «مدیریت و هدایت فرهنگ و افکار عمومی جامعه»(۱) را بر عهده دارد، باید بر مبنای طرح و برنامهای دقیق، مشخص و زمانبندی شده، برای تحقق سیاست جدید جمعیتی کشور وارد میدان شود و از همه ظرفیتهای خود در موضوع یادشده استفاده کند؛ ولی پیش از هر اقدام باید راهبردها و سیاستهای رسانه در این زمینه مشخص شود تا فعالیت های اجرایی و برنامههای تولیدی، اهداف را به خوبی برآورده سازند.

با توجه به مطالب یادشده، در این بخش به بررسی هست ها و بایدهای سیاست جمعیتی میپردازیم تا روشن شود که رسانه ملی برای تحقق وظایف و مسئولیت های خود در زمینه اصلاح سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی چه اقدام هایی باید انجام دهد..

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس و مدیران صدا و سیما، ۱۱/۹/۱۳۸۳؛ در: پایگاه اطلاعرسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنهای: http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۶۲

ص: ۱۴

۱. مفاهیم و اصطلاحات

اشاره

۱. مفاهیم و اصطلاحات

زیر فصل ها

الف) تعریف سیاست جمعیتی

ب) زمینه و خاستگاه سیاست جمعیتی

ج) انواع سیاست های جمعیتی

الف) تعریف سیاست جمعیتی

الف) تعریف سیاست جمعیتی

«سیاست جمعیتی»(۱) مجموعه اصول، تدابیر و تصمیمهای مدون جمعیتی است که یک دولت در کشور خود در پیش میگیرد و حدود فعالیتهایش را درباره مسائل جمعیتی، یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین میکند. هدف سیاست جمعیتی، منطقی کردن و هماهنگ ساختن دگرگونیهای جمعیتی با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه برای رسیدن به رفاه و بهروزی بیشترِ جمعیت است.

منظور از سیاست جمعیتی، صرفاً «تحدید موالید»(۲) نیست، بلکه مفهوم آن گسترده تر است و به همه ابعاد جمعیت از جمله ساخت، اندازه، حرکات، اجزا، آمار حیاتی، مهاجرت، باروری، مرگ، تنظیم موالید، فعالیت و اشتغال مربوط می شود.(۳)

ب) زمینه و خاستگاه سیاست جمعیتی

ب) زمینه و خاستگاه سیاست جمعیتی

بیشترِ کارشناسان بر این باورند که سیاست جمعیتی وقتی در پیشگرفته میشود که دگرگونیهای جمعیتی ناهماهنگ باشد و میان آن و سایر اجزا و عناصر

۱- Population policy.

۲- Birth control.

۳- نعمت الله تقوی، مبانی جمعیتشناسی، تهران، نشر جامعه پژوه و دانیال، ۱۳۷۸، چاپ چهارم، ص ۱۴۳؛ همچنین ر.ک: علیاکبر

نیکخلق، مبانی جمعیتشناسی، تهران، بهینه، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۱۳۹؛ و حبیب الله زنجانی و دیگران، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران، نشر و تبلیغ بشری، ۱۳۸۲، چاپ ششم، صص ۱۱۳ و ۱۱۴.

ص: ۱۵

تشکیل دهنده ساختار اجتماعی، تعادل و توازن از بین برود و در نتیجه گونهای «پس افتادگی فرهنگی»(۱) پدید آید و رفاه و سلامت جامعه به خطر افتد. در این نگرش، اعتقاد بر این است که اساسیترین هدف سیاستهای جمعیتی، بهروزی جمعیت و حل «مسائل جمعیتی»(۲) است.

مسائل جمعیتی، به آن دسته از امور جمعیتی اطلاق میشود که از حالت تعادل و هماهنگی با امور دیگر مجموعه خود خارج شدهاند. به بیان دیگر، وقتی پدیده ای جمعیتی که واقعیتی بهنجار است، به صورت معضل و مشکل درآید، به مسئله جمعیتی تبدیل میشود. ازاین رو مسائل جمعیتی، مجموعهای از امور جمعیتیِ پیچیده و ناهمساز هستند که برای حل آن ها باید تدابیری اندیشیده شود. این تدابیر، همان سیاستهای جمعیتی هستند.(۳)

ج) انواع سیاست های جمعیتی

ج) انواع سیاست های جمعیتی

سیاستهای جمعیتی، به چند اعتبار قابل تقسیمبندی هستند:

یک از نظر اجرا: دولتها میتوانند به دو روش بر تحولات جمعیتی یک کشور اثر بگذارند: نخست، از راه اجرای یک «سیاست مستقیم»(۴) و آشکار؛ دوم، از راه در پیش گرفتن «سیاست غیرمستقیم»(۵) و باواسطه. سیاستهای مستقیم به صورت بی واسطه، به منظور تغییر ساختار جمعیت انجام میگیرد؛ مانند تشویق موالید، مبارزه با مرگ، پیشگیری از بارداری، پذیرش کارگران خارجی و تسهیل مهاجرت به خارج از کشور. سیاستهای غیرمستقیم همان سیاستهای عمومی اجتماعی اقتصادی و سوق دادن کشور در جهت ایجاد تحولاتی در ساخت و حرکات جمعیت است که در سطح کشور در پیش گرفته و اجرا میشود.

۱- Cultural lag.

۲- Population problem.

۳- نعمت الله تقوی، مبانی جمعیت شناسی، ص ۱۴۵.

۴- Direct policy.

۵- Indirect policy.

ص: ۱۶

دو از نظر ماهیت: سیاستهای جمعیتی دو جنبه دارد: کمّی و کیفی. «سیاست کمّی»(۱) به ازدیاد یا کاهش جمعیت، گسترش یا محدودیت ابعاد شهرها و مهاجرت روستاییان به شهرها مربوط میشود؛ درحالی که «سیاست کیفی»(۲) با تندرستی جمعیتها، نظارت بر ازدواج، بهداشت و تأمین اجتماعی، و آموزش مهارتها و تخصصها در ارتباط است.

سه از نظر دامنه: سیاستهای جمعیتی در دو سطح اندیشیده و اجرا میشوند: سطح کلان و سطح خرد. «سیاستهای جمعیتی کلان»(۳) در بسیاری از آثار و نوشتهها با عنوان «نظریههای جمعیتشناسی»(۴) بحث و بررسی میشوند و منظور از آن، سیاستهایی است که اولاً در سطح بسیار گسترده آغاز میشود و کل جامعه را دربر میگیرد؛ ثانیاً حالت انتزاعی و نظری دارد، درحالی که «سیاستهای جمعیتی خرد»(۵) سیاستهایی است که در سطح محدودتر اجرا میشود؛ یعنی به جای کل جامعه، بخشی از آن را هدف قرار میدهد و حالت عینی، ملموس و اجرایی دارد.(۶)

۱- Quantitative policy.

۲- Qualitative policy.۴.

۳- Macro - population policies.

۴- Population theories.

۵- Micro - population policies.

۶- نعمت الله تقوی، مبانی جمعیتشناسی، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

ص: ۱۷

۲. بایسته های تدوین سیاست جمعیتی

اشاره

۲. بایسته های تدوین سیاست جمعیتی

به طورکلی، سیاست جمعیتی هنگـامی تـدوین و تصویب میشود که پدیـده و موضوع جمعیت در جامعهای به «مسئله» تبـدیل شود، درباره آن در اذهان عمومی به ویژه اذهان اندیشمندان جامعه «شناخت»(۱) عینی پدید آید، و «برنامه کار»(۲) برای آن تدوین شود. هر سیاست مستلزم وجود «اهداف عینی و اساسی»(۳) و «اهـداف عملی»(۴) است. به اقـدامهایی که در جـامعه به منظور رسیدن به اهداف عملی صورت میگیرد، «برنامه اجرایی»(۵) میگویند.(۶)

نمودار روبه رو، فرایند تـدوین سیاست جمعیتی و برنـامه اجرایی آن را نشان می دهـد.(۷) بـا تـوجه به این نمودار، به خوبی میتوان دریافت که برای تدوین و تحقق سیاست جمعیتی، چه اقدامهای گوناگونی باید انجام شود.

۱- Knowledge.

۲- Agenda.

۳- Objectives.

۴- Goals.

۵- Program.

۶- مبانی جمعیتشناسی، ص ۱۴۵.

۷- مبانی جمعیتشناسی، ص ۱۴۶.

ص: ۱۸

با توجه به نکات یادشده مهم ترین بایسته های تدوین سیاست جمعیتی کارآمد را به شرح ذیل می توان برشمرد:

الف) شناسایی دقیق عوامل بحران جمعیتی

الف) شناسایی دقیق عوامل بحران جمعیتی

چنانکه گفته شد، سیاست جمعیتی زمانی در یک کشور تدوین و تصویب می شود که پدیده جمعیت در آن کشور به صورت معضل و مشکل درآید و به مسئله جمعیتی تبدیل شود. بنابراین، پیش از تدوین و تصویب هر گونه سیاست جمعیتی باید عوامل و ریشه های شکل گیری بحران یا مسئله جمعیتی را به طور دقیق شناسایی کرد تا سیاست گذاران و برنامه ریزان جامعه به هنگام ارائه راه حل برای برون رفت از بحران جمعیتی دچار اشتباه نشوند.

ب) ایجاد وفاق اجتماعی درباره سیاست جمعیتی

ب) ایجاد وفاق اجتماعی درباره سیاست جمعیتی

بی تردید، شرط موفقیت هر سیاست جمعیتی همراهی و همدلی اقشار گوناگون به ویژه اندیشه ورزان جامعه و گروه های مرجع و اثرگذار اجتماعی با آن سیاست است. از این رو، باید پیش از ورود به مراحل اجرایی سیاست جمعیتی با به کارگیری ابزار گوناگون رسانه ای و ارتباطی و همچنین برگزاری نشست ها، هم اندیشی ها و همایش های علمی با روحانیان، دانشگاهیان، پژوهشگران، مسئولان سازمان های مردم نهاد، اصحاب رسانه و مطبوعات و ... آن ها را با وجوه گوناگون بحران و مسئله جمعیتی پیش رو، دلایل و ضرورت های در پیش گرفتن سیاست جمعیتی آشنا و نقش و مسئولیت آن ها را در این زمینه روشن ساخت.

ج) تعیین دقیق اهداف عینی و عملی

ج) تعیین دقیق اهداف عینی و عملی

سیاست گذاران و برنامه ریزان جامعه، به هنگام تدوین سیاست جمعیتی، باید اهداف عینی و عملی را که در پی تحقق آن هستند، به طور دقیق و مشخص تعیین کنند و معلوم سازند که در بازه زمانی مورد نظر چگونه می خواهند دگرگونی های جمعیتی را با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، هماهنگ سازند و در مجموع در ابعاد

ص: ۱۹

گوناگون جمعیت از جمله ساخت، اندازه، حرکات، اجزاء، آمار حیاتی، مهاجرت، باروری و تنظیم موالید، چه تغییراتی را می خواهند ایجاد کنند.

د) به کارگیری همه ظرفیت ها و توانمندی های جامعه

د) به کارگیری همه ظرفیت ها و توانمندی های جامعه

تحقق سیاست جمعیتی مستلزم اقدام های گسترده آموزشی، تبلیغی، ترویجی، پزشکی، بهداشتی، اقتصادی و ... است. بنابراین، برای محقق شدن اهداف پیش بینی شده در سیاست جمعیتی باید از همه ظرفیت ها و توانمندی های سازمان ها و نهادهای دولتی و غیردولتی به صورت هدفمند و سازمان یافته استفاده کرد.

ه) ارزیابی دقیق عملکرد سازمان ها و نهادهای مسئول

ه) ارزیابی دقیق عملکرد سازمان ها و نهادهای مسئول

برای تحقق اهداف عینی و عملی سیاست جمعیتی در بازه زمانی تعیین شده باید به طور مستمر عملکرد سازمان ها و نهادهایی که در برنامه اجرایی سیاست جمعیتی به آن ها نقش ها و مسئولیت هایی سپرده شده است، در شورایی که به ریاست بالاترین مقام اجرایی کشور تشکیل می شود، ارزیابی و سازمان ها و نهادهایی که به خوبی عمل کرده اند، تشویق و سازمان و نهادهایی که به خوبی عمل نکرده اند، تنبیه شوند.

و) پایش مستمر تغییرات جمعیتی

و) پایش مستمر تغییرات جمعیتی

تجربه سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی در دهه هفتاد و هشتاد نشان داد که پایش نکردن نتایج حاصل از اعمال سیاست های جمعیتی می تواند کشور را با بحران جمعیتی تازه ای مواجه کند.(۱) بنابراین، پس از تعیین دقیق اهداف عینی و عملی سیاست جمعیتی باید به طور دقیق و مستمر تغییرات ابعاد جمعیت پایش شود تا سیاست گذاران و برنامه ریزان جامعه بتوانند سیاست جمعیتی را با آخرین تغییرات ابعاد جمعیت هماهنگ سازند.

۱- در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸ برای مقابله با افزایش شدید جمعیت پیش بینی شده بود که با اعمال سایست های جمعیتی، در سال ۱۳۹۰، باروری عمومی زنان به حد ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی جمعیت، به ۳/۲ درصد برسد، ولی به دلیل پایش نکردن دقیق تغییرات جمعیتی، در سال ۱۳۹۰، باروری عمومی زنان به حد ۶/۱ نوزاد و نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۲۹/ ۱ درصد رسید و کشور را با بحران کاهش جمعیت مواجه ساخت.

ص: ۲۰

۳. پیشینه سیاست های جمعیتی در ایران

اشاره

۳. پیشینه سیاست های جمعیتی در ایران

زیر فصل ها

الف) پیش از انقلاب اسلامی

ب) پس از انقلاب اسلامی

الف) پیش از انقلاب اسلامی

الف) پیش از انقلاب اسلامی

چند سال پیش از ده ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ دادههای پراکندهای از میزان رشد شتابان جمعیت و باروری عمومی در ایران کسب شده بود و در دو برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی اول (۱۳۲۷ ۱۳۳۵) و دوم (۱۳۳۵ ۱۳۴۰) توجه و توصیه های مقدماتی به امر جمعیت و لزوم کنترل رشد آن انجام شده بود، به ویژه که نتایج نخستین سرشماری، عوامل لازم برای گرفتن تصمیم لازم در این زمینه را در مقیاس محدود فراهم آورد؛ ولی در میانه سالهای ۱۳۴۰ به این موضوع توجه جدی شد و لزوم داشتن سیاست کنترل جمعیتی مطرح شد. سرانجام در برنامه سوم توسعه (۱۳۴۱ ۱۳۴۷) به عامل جمعیت اهمیت فراوان داده شد و اجرای برنامه تنظیم خانواده، در دستور کار دولت قرار گرفت. گفتنی است پیش از شروع این برنامه در سال ۱۳۴۶، اقدامهای متعددی برای فراهم آوردن زمینه اجرای برنامه یادشده صورت گرفت که مهمترین آن ها عبارت اند از:

تأسیس اداره «بهداشت مادر و کودک» در وزارت بهداری در سال ۱۳۳۴: این اداره، به طور محدود خدمات مشورتی لازم و وسایل پیشگیری از حاملگی را در اختیار مادران قرار میداد.

تشکیل «انجمن راهنمای خانواده» با همکاری «انجمن بینالمللی راهنمای خانواده (I.P.P.F. لندن)»: این انجمن به زوجهای متقاضی، خدمات مشورتی و وسایل کنترل حاملگی (مثل قرصهای کف کننده و خنثی کننده اسپرم، پرزرواتیو) میداد.

ص: ۲۱

ایجـاد «انجمن حمایت مادران و کودکان» در تهران در سال ۱۳۳۳: این انجمن به بهـداشت مادر و کودک، و کنترل باروری مادران بسیار کمک کرد.

اعلام موافقت برخی روحانیـان با برنامه تنظیم خانواده در سال ۱۳۴۳: آن هـا به شـرطی که این برنـامه راهحلی موقت و برای زمانی محدود باشد، با آن موافقت کردند.

تأییـد مسـئولان دولتی و دسـتاندرکاران برنـامهریزی اجتماعی و اقتصادی کشور بر فوریت اجرای برنامه تنظیم خانواده در پایان سال ۱۳۴۵: همراه و همزمان با اسـتخراج و انتشار نتایـج اولیه سرشـماری دوم کشور و اطلاع از رشـد ۱/۳ درصـدی جمعیت کشور (حتی بالاـتر از رشـد جمعیتی مناطقِ در حالِ توسعه، یعنی ۴/۲ درصـد) همه مسـئولان و کارشـناسان کشور بر ضـرورت اجرای این برنامه واقف شدند.

ایجاد کمیته تـدارک برنامه کنترل جمعیت، متشـکل از نمایندگان وزارتخانه های بهداری، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، اقتصاد، سازمان برنامه، دانشـگاه تهران (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی) و چند نهاد غیردولتی در سازمان برنامه در پایان سال ۱۳۴۵: این کمیته، خطوط اصلی سیاست جمعیتی را برای دولت تعیین و پیشنهاد کرد.

آمـدن یک هیئت (میسـیون) از شورای جمعیت امریکا به دعوت دولت ایران به تهران در همین سال: این هیئت بر اهمیت سـیاست و برنامه تنظیم خانواده و همچنین سلامت مادر و رفاه خانواده و ترقی سطح زندگی آن بسیار تأکید کرد.

پس از فراهم آمـدن زمینههای لازم، سـرانجام در سال ۱۳۴۶ یک پست و واحـد معاونت در وزارت بهـداری برای تصـدی و اجرای برنامههـای تنظیم خانواده کشور با نام «بهـداشت و تنظیم خانواده» ایجاد شـد که مسئول و مـدیر آن در رده معاون وزیر قرار داشت. برای راهاندازی و اجرای برنامه در هریک از مراکز اسـتان ها، دفاتر تنظیم خانواده مجهز به کلینیک، پزشک، پرسـتار، ماما، مددکار اجتماعی، مسئول روابط عمومی و مدیر امور اداری تأسـیس شد و وسایل پیشـگیری از بارداریهای ناخواسـته نیز در اختیار آنان قرار گرفت.

ص: ۲۲

در سال ۱۳۵۱ تعداد ۱۵۰۰ مرکز و کلینیک تنظیم خانواده در ایران به فعالیت مشغول بودند. فعالیت این نهاد جدید و مسئول اجرای برنامه تنظیم خانواده، از لحاظ زمانی، در طول و همزمان با برنامههای توسعه چهارم (۱۳۴۷ ۱۳۵۱) و پنجم (۱۳۵۲ ۱۳۵۶) کشور تحقق یافت، که دوره ده ساله است.(۱)

ب) پس از انقلاب اسلامی

اشاره

ب) پس از انقلاب اسلامی

زیر فصل ها

یک از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷

دو از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۰

سه از سال ۱۳۹۱ به بعد

یک از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷

یک از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه تنظیم خانواده به حال تعطیل درآمد و در نتیجه، سطح موالید کشور، سیر فزاینده سریعی را آغاز کرد. در پنج سال پیش از انقلاب، تعداد متوسط موالید سالانه به حدود ۱ میلیون و ۳۵۵ هزار میرسید که یکباره در سال اول انقلاب (۱۳۵۸) به حدود ۱ میلیون و ۶۷۰ هزار افزایش یافت؛ ولی در سالهای بعد، از این هم فراتر رفت و در سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ (۷ سال) به متوسط سالانه ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تولد رسید. در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ احتمالاًـ به دلیل مشکلات و دشواری های ناشی از جنگ تحمیلی، شتاب موالید قدری آرام گرفت و به حدود ۱ میلیون و ۹۰۰ هزار کاهش یافت. در سال های جنگ تحمیلی، عامل جمعیت به مثابه نیروی اجتماعی سیاسی از طرف دولت و جامعه تلقی شد و برای تقویت این نیرو، به کثرت جمعیت و در نتیجه افزایش موالید توجه شد و احتمالاً خانوادههایی که پسران جوان خود را بر اثر تلفات جنگی از دست داده بودند، فرزند یا فرزندان دیگری جایگزین آن ها کردند. میزان باروری سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ حاکی از این است که در گروههای سنی زنانِ بیشتر از سی ساله در سال ۱۳۵۵ جمع تراکمی میزان باروری به طور میانگین ۵/۲ و در سال ۱۳۶۵، ۳ تولد بوده است که این بدان معناست که ظاهراً

۱- سیدمهدی امانی، جمعیتشناسی عمومی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۸، چاپ چهارم، صص ۸۵ و ۸۶.

ص: ۲۳

مادران بالاتر از سی سال که پسران جوان خود را در جنگ از دست داده بودند، در سنین نسبتاً بالای دوره باروری، به تجدید باروری روی آورده‌اند.(۱)

دو از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۰

دو از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۰

پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ و با توجه به مشکلات و مسائل فراوان ناشی از افزایش جمعیت، دولت و جامعه به سرعت پذیرای سیاست جمعیتی در جهت یافتن میزان منطقی و عقلایی رشد جمعیت شدند و به این نتیجه رسیدند که حتی در غیاب درون کوچیها و مهاجرتهای خارجی که جمعیت کل کشور را به سطح و رقم بیسابقه‌ای رسانده بودند، باز هم رشد طبیعی و خالص جمعیت بسیار بالا و بیشتر از ۳ درصد در سال است. (۲)

سرانجام، نظام اسلامی در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد، با توجه به رشد بالای جمعیت کشور و بر اساس دیدگاههای کارشناسی موجود، سیاست تحدید موالید را در پیش گرفت.(۳) گفتنی است همان زمان نیز برخی کارشناسان حوزوی و دانشگاهی، با سیاست تحدید موالید مخالفت کردند و از دیدگاههای گوناگون فقهی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و پزشکی، به نقد و بررسی آن پرداختند.(۴)

در سال ۱۳۶۸ بر اساس بند ج قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸ که به «تصویر کلان برنامه» میپردازد، «خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور» به این شرح به تصویب رسید:

۱- سیدمهدی امانی، جمعیتشناسی عمومی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۸، چاپ چهارم، صص ۹۶ ۹۸.

۲- سیدمهدی امانی، جمعیتشناسی عمومی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۸، چاپ چهارم، ص ۹۸.

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: «من مخالف سیاست فرزند کمتر، زندگی بهتر بودم»، گفتوگو با دکتر علیرضا مرندی، در پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان (مهرخانه): http://mehrkhane.com/fa/print/۳۵۳۴

۴- برای آشنایی بیشتر با دیدگاههای این کارشناسان، ر.ک: سیدمحمدحسین حسینی طهرانی، رساله نکاحیه: کاهش جمعیت ضربهای سهمگین بر پیکر مسلمین، تهران، حکمت، ۱۴۱۵ [ه. ق]، چاپ اول؛ یدالله فرهادی، «سیاستگذاری جمعیت و وضعیت کمیسیون سیاستهای جمعیتی، فصلنامه جمعیت، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۲؛ ارژنگ امیرخسروی، «پیرامون رشد جمعیت»، فصلنامه جمعیت، شماره۲، پاییز ۱۳۷۱.

ص: ۲۴

بر مبنای بررسیهای به عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید از ۴/۶ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۲/۳ به ۳/۲ درصد در همین مدت، با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگیهای زیستی و فرهنگی جامعه امکان پذیر خواهد بود. ازاین رو کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۳/۲ درصد در سال ۱۳۹۰ مهم ترین هدفهای درازمدت سیاست تحدید موالید کشور خواهد بود و متناسب با این هدفها، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۹/۲ درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه ریزی شده بر متغیر باروری، به مثابه عمده ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شده است.

به منظور نیل به این هدف، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مقام مجری این سیاست موظف است با همه توان و امکانات، به طور متوسط ۲۴ درصد از زنان و مادران واقع در مقاطع سنی بالقوه باروری را طی سالهای ۶۸-۱۳۷۲ تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد، تا از تولید یک میلیون مولود ناخواسته در طول این برنامه جلوگیری شود. از این دیدگاه، اولویت با آن قسم از نواحی، مناطق جغرافیایی و قشرهای اجتماعی کشور خواهد بود که از باروریِ ناخواسته و غالباً در حد بیولوژیک، زیان های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری دیده اند.(۱)

در برنامه یادشده، برای کاهش باروری عمومی و نرخ رشد طبیعی جمعیت، راهکارهای ذیل پیشنهاد شده بود:

تحقق این هدفها، علاوه بر فعالیتهای واحد اجرایی تنظیم خانواده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مستلزم کوششهایی از این قرار است:

- بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و به خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم التعلیم؛

۱- برگرفته از: لوح جامع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.

ص: ۲۵

– اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه های مشارکت زنان در امور اقتصادی – اجتماعی جامعه و خانواده؛

– ارتقاء سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ ومیر مادران و کودکان؛

– لغو کلیه مقررات مشوّق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید موالید کشور.

در ۲۶/۲/۱۳۷۲ بر اساس مصوبه قانون برنامه اول توسعه کشور، «قانون تنظیم خانواده و جمعیت» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که در مواد ۱ تا ۳ آن موارد ذیل مقرر شده بود:

ماده ۱. کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عائله پیش بینی و وضع شده اند، در مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می شوند، قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود و فرزندانی که تا تاریخ مزبور متولد می شوند، کماکان از امتیازات مقررشده برخوردار می باشند.

ماده ۲. وزارتخانه های آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف به اجرای برنامه های ذیل می باشند:

الف) وزارت آموزش و پرورش موظف خواهد بود که مطالب آموزشی مربوط به جمعیت و تأمین سلامتی مادران و کودکان را در متون درسی خود به نحوی مؤثر بگنجاند.

ب) وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف به ایجاد یک واحد درسی به نام «جمعیت و تنظیم خانواده» در کلیه رشته های آموزشی می باشند.

ج) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است زمینه های جلب مشارکت فعال و مؤثر روزنامه نگاران، فیلم سازان و سایر هنرمندانی را که به نحوی با آن وزارتخانه ارتباط دارند، به منظور ارتقای سطح آگاهیهای عمومی از برنامه های جمعیت و تنظیم خانواده فراهم نماید.

ص: ۲۶

ماده ۳. سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف است جهت ارتقاء سطح آگاهیهای عمومی در تأمین سلامت کودکان و مادران و جمعیت، برنامه های آموزشی رادیویی و تلویزیونی به طور مستقیم و غیرمستقیم تهیه و پخش نماید.(۱)

بر این اساس و برای تحقق شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، در طول بیست سال اقدامهای فرهنگی، آموزشی، رسانهای، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی گستردهای با بهرهگیری از ظرفیت همه مراکز سازمانهای دولتی و برخی نهادهای غیردولتی برای کاهش نرخ رشد جمعیت انجام شد، تا آنجا که میزان باروری کل از ۳/۶ در سال ۱۳۶۵ به ۶/۱ در سال ۱۳۹۰ رسید و میانگین رشد سالانه جمعیت از ۹/۳ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۲۹/۱ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافت؛ یعنی کمتر از نصف میزان پیش بینی شده در برنامه اول توسعه این موضوع موجب نگرانی جمعی از کارشناسان کشور و زمنیه ساز تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی شد.

سه از سال ۱۳۹۱ به بعد

سه از سال ۱۳۹۱ به بعد

از آغاز سال ۱۳۹۱ موضوع کاهش روزافزون جمعیت کشور به دغدغهای برای مدیران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد و آنان را به تکاپو برای اصلاح سیاست جمعیتی کشور واداشت.(۲)

نخستین اقدام در این زمینه، تدوین «راهبردها و اقدامات ملیِ مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزههای اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور»، مصوب ۲/۳/۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی بود.

در ماده ۲ این مصوبه با عنوان «راهبردهای ملی»، شش راهبرد به شرح ذیل پیش بینی شده بود:(۳)

۱- برگرفته از: همان.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: «ضرورت بازنگری در سیاست های جمعیتی کشور» میزدگرد تخصصی با حضور دکتر سید رضا حسینی و طه نورالهی، کتاب ماه علوم اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۵۸، دی ۱۳۹۱.

۳- مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در: پایگاه اطلاعرسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی: http://www.iranculture.org/fa/simoleview.aspx?provId=۱۸۸۲۲.

ص: ۲۷

۱. فرهنگ سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری به ویژه زیر حد جانشینی؛

۲. تدوین سیاست ها، برنامه ها و قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی برای دستیابی به نرخ باروری مناسب، جمعیت مطلوب و لغو سیاست ها، برنامه ها و قوانین و مقررات مشوق کاهش باروری؛

۳. تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به ویژه فعالیت های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هر چه کامل تر نقش مادری و همسری؛

۴. ایجاد و استقرار نظام مدیریت فرابخشی و جامع جمعیت کشور؛

۵. آمایش مستمر جمعیتی کشور و تدوین سیاست های مهاجرتی به منظور جهت دهی به جابه جایی های جمعیتی در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی؛

۶. اهتمام به ارتقای کیفی جمعیت کشور از طریق متناسب ساختن نرخ باروری خانواده ها با شرایط و اقتضائات سلامت، معیشت و فرهنگ آن ها.

ماده ۳ مصوبه یادشده، به بیان «اقدامات ملی متناسب با هریک از راهبردهای ملی موضوع ماده ۲» اختصاص یافته و در بند ۱ آن چنین آمده است:

تهیه طرح جامع تولید و اجرای انواع برنامه های آموزشی، پژوهشی، اطلاع رسانی، نمایشی، تبلیغی و غیره در رسانه های جمعی به ویژه صدا و سیما و شبکه های استانی آن با هدف گفتمان سازی و ترویج فواید فرزند آوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری، با رعایت شرایط و مقتضیات راهبردی.

با بازتاب نگرانیهای کارشناسان و مسئولان کشور در زمینه کاهش جمعیت به مقام معظم رهبری، ایشان نیز در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام بر ضرورت تجدید نظر در سیاست تحدید نسل تأکید کردند و فرمودند:

جمعیت جوان و بانشاط و تحصیلکرده و باسواد کشور، امروز یکی از عامل های مهم پیشرفت کشور است. در همین آمارهایی که داده میشود، نقش جوانهای تحصیلکرده و آگاه و پرنشاط و پرنیرو را می بینید. ما باید

ص: ۲۸

در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. سیاست تحدید نسل در یک برهه ای از زمان درست بود؛ یک اهدافی هم برایش معین کردند. آنطوری که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می دادیم؛ خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود؛ و از بین خواهد رفت اگر به همین ترتیب پیش برویم؛ آنطوری که کارشناسها بررسی علمی و دقیق کردند. این ها خطابیات نیست؛ این ها کارهای علمی و دقیقِ کارشناسی شده است.(۱)

ایشان در ادامه سخنان خود، همه مسئولان کشور را به «فرهنگسازی» درباره افزایش جمعیت فرا خواندند و فرمودند:

این مسئله افزایش نسل و این ها، جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه مسئولین کشور نه فقط مسئولین اداری روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره آن فرهنگ سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد یک بچه، دو بچه باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند و درست هم هست ما باید به آن رقمها برسیم.(۲)

۱- سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۳/۵/۱۳۹۱ در: پایگاه اطلاعرسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنهای: http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۰۵۳۴

۲- سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۳/۵/۱۳۹۱ .برای مطالعه بیشتر دیدگاه رهبر معظم انقلاب در این زمینه، ر.ک: سخنرانی ایشان در اجتماع مردم بجنورد، ۱۹/۷/۱۳۹۱ در: همان: http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۱۲۶

ص: ۲۹

۴. دلایل کاهش شدید جمعیت کشور در دو دهه اخیر

۴. دلایل کاهش شدید جمعیت کشور در دو دهه اخیر

چنان که گفته شد، یکی از بایسته های مهم تدوین سیاست جمعیتی، شناسایی دقیق علل و عوامل شکل گیری بحران یا مسئله جمعیتی است. از این رو، پیش از تدوین و تصویب سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، باید دلایل کاهش شدید جمعیت کشور را در دو دهه اخیر به طور دقیق شناسایی کرد.

این موضوع از آن رو اهمیت دارد که شناخت میزان اثرگذاری هریک از عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این روند، می تواند سمت و سوی فعالیت های نظام اسلامی را برای اصلاح و تغییر روند موجود تعیین و اولویت های فعالیت آن را مشخص کند.

چنان که در مقدمه یادآور شدیم، در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۶۸ تصویب شد، پیش بینی شده بود در سال ۱۳۹۰ میزان باروری عمومی زنان از ۴/۶ نوزاد به ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی جمیعت از ۲/۳ درصد به ۳/۲ درصد برسد، ولی در عمل رویدادی بسیار فراتر از این پیش بینی رخ داد و در سال ۱۳۹۰ میزان باروری عمومی (کل) زنان به ۶/۱ یا ۵/۱ نوزاد و نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۲۹/۱ درصد رسید.

حال این پرسش مطرح می شود که: چه علل و عواملی موجب شد نظام جمهوری اسلامی در زمینه سیاست جمعیتی، به نتایجی بسیار فراتر از پیش بینی های خود دست یابد؟ آیا این نتایج، ناشی از اجرای سیاست ها و برنامه های مستقیمی همچون

ص: ۳۰

گسترش «فعالیت های واحد اجرایی تنظیم خانواده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی»(۱) و «لغو کلیه مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید متناسب با سیاست تحدید موالید کشور»(۲) بود، یا از اعمال سیاست های غیرمستقیمی مانند «بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و به خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی لازم التعلیم»(۳) و «اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه های مشارکت زنان در امور اقتصادی اجتماعی جامعه و خانواده»،(۴) یا فعالیت سازمان صدا و سیما در «جهت ارتقای سطح آگاهی های عمومی در تأمین سلامت کودکان و مادران و جمعیت»(۵) سرچشمه می گرفت. بی گمان، نمی توان نقش هریک از عوامل یادشده، به ویژه اجرای سیاست های غیرمستقیم جمعیتی را در کاهش نسبی رشد جمعیت انکار کرد، ولی به نظر می رسد این عوامل به تنهایی نمی توانند موجب کاهش شدید و بسیار فراتر از پیش بینی روند رشد جمعیت کشور شوند و باید این پدیده را ناشی از علل و عواملی فراتر از علل و عوامل یادشده دانست.

برخی صاحب نظران بر این باورند که مهم ترین عامل کاهش نرخ زاد و ولد در دهه هفتاد و هشتاد و به تبع آن، کاهش ناگهانی رشد جمعیت، بیش و پیش از آنکه ناشی از اعمال سیاست های تحدید جمعیت نظام اسلامی باشد، از تحولات ساختاری، تغییر سبک زندگی و تسلط گفتمان فردگرایانه

۱- بند ج قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸.

۲- بند ج قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸.

۳- بند ج قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸.

۴- بند ج قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸.

۵- قانون تنظیم خانواده و جمعیت، مصوب ۲۶/۲/۱۳۷۲.

ص: ۳۱

و مصرف گرایانه سرچشمه می گرفت که در پی اجرای الگوهای توسعه غربی از اواخر دهه شصت به بعد در کشور رخ داد.(۱)

بنابراین، در تدوین و تصویب سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، باید به علل و عوامل یادشده در کاهش میزان باروری و کاهش جمعیت توجه کرد و راه کاری متناسب با آن برای افزایش میزان باروری و افزایش جمعیت در نظر گرفت.(۲)

۱- برای مطالعه بیشتر در زمینه سیر تحول جامعه ایران در دهه ۶۰ و ۷۰ و چگونگی حاکمیت گفتمان فردگرایانه و مصرف گرایانه، ر.ک: فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، صص ۱۴۷ ۴۷۵.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۹۷، ۱۱۰، ۱۱۶ و ۱۱۷، ۱۲۶ ۱۲۸، ۱۴۰ و ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۶۷ .۱۷۱

ص: ۳۲

۵. راهبردهای رسانه ملی

اشاره

۵. راهبردهای رسانه ملی

بر اساس مباحث مطرح شده در مصاحبهها و همچنین مطالعات انجام شده، مهمترین راهبردهای رسانه ملی برای فرهنگ سازی در زمینه تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، از کاهش جمعیت به افزایش جمعیت را به شرح ذیل میتوان برشمرد:

الف) گفتمان سازی در زمینه ضرورت افزایش زادوولد

الف) گفتمان سازی در زمینه ضرورت افزایش زادوولد

اقدامهای گوناگون فرهنگی، آموزشی، رسانهای، اجتماعی، اقتصادی و... که در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد در زمینه مهار رشد جمعیت در کشور صورت گرفت، موجب ایجاد گفتمان(۱) ویژه در زمینه زاد و ولد در جامعه ما شد؛ گفتمانی که به تدریج در سراسر کشور و در میان همه قشرهای؛ شهری و روستایی، مرفه و مستمند، تحصیلکرده و بیسواد، مذهبی و غیرمذهبی نهادینه شد و این ذهنیت را در همه ایجاد کرد که داشتن بیش از دو یا سه فرزند، ناهنجار و خلاف چارچوبهای پذیرفته شده اجتماعی است.

این گفتمان همچنان در جامعه ما حاکم است و به همین دلیل حتی افرادی که از تمکن مالی خوبی برخوردارند، حاضر نیستند بیش از دو یا سه فرزند داشته باشند. ازاین رو میتوان گفت نخستین گام در اصلاح سیاستهای جمعیتی کشور، تغییر گفتمان حاکم و ایجاد گفتمانی جدید بر مبنای ضرورت افزایش زادوولد است.

۱- واژه گفتمان برابر نهاده واژه فرنگی «discourse» است. در کشور ما و در جامعه عمومی نخبگانی، این واژه به معنای «نظام معنایی»، «ادبیات مفهومی» یا «شبکه مفاهیم» به کار میرود و در این اصطلاح، «گفتمان سازی» به معنای زمینهسازی برای شکلگیری نظام معنایی و فراگیر شدن آن است.

ص: ۳۳

بیتردیـد این گفتمانسازی، سازوکارهای خاص خود را دارد و بایـد در بازه زمانی قابل توجهی رخ دهـد و به همین دلیل نباید انتظار داشت که در کوتاهمدت و با چند راهکار مقطعی، اتفاق خاصی در بینش، نگرش و رفتار مردم در زمینه زادوولد رخ دهد.(۱)

ب) ایجاد زمینه های لازم برای تحکیم خانواده ها

ب) ایجاد زمینه های لازم برای تحکیم خانواده ها

بر اسـاس آمارهایی که سازمان ثبت احوال کشور درباره میزان ازدواجها و طلاق های ثبت شـده در کشور ارائه کرده است، در سال ۱۳۸۳ تعـداد ۷۲۳۹۷۶ رویـداد ازدواج و تعـداد ۷۳۸۸۲ رویـداد طلاـق به ثبت رسـیده، ولی در سـال ۱۳۹۰ تعـداد ۸۷۴۷۹۲ رویداد ازدواج و تعداد ۱۴۲۸۴۱ رویداد طلاق به ثبت رسیده است.(۲) بر اساس این آمار، در طول این مـدت، تعداد ازدواجها حدود ۸/۲۰ درصد و تعداد طلاقها حدود ۳/۹۳ درصد رشد داشته است.

آمارهـای یادشـده، همچنین حکـایت از این دارد که نسبت ازدواج به طلاـق (تعـداد ازدواج ثبت شـده در برابر هر یـک طلاق ثبت شده) در سال ۱۳۸۳، ۸/۹ بوده است، ولی این نسبت در سال ۱۳۹۰ به ۱/۶ رسیده، یعنی حدود ۶۰ درصد کاهش داشته است.

کـاهش چشـمگیر نسـبت ازدواج بـه طلاـق، و افزایش قابـل تـوجه میزان طلاـق، در سالهـای اخیر زمینهسـاز مشـکلات و آسـیبهای گوناگون فرهنگی، تربیتی، اخلاقی و اجتماعی در جامعه ما شده(۳) که یکی از آن ها کاهش نرخ باروری است.

بیتردیـد، آنگاه میتوان به ظرفیت خانوادههایی که در حال حاضـر در جامعه شـکل گرفتهاند، برای افزایش جمعیت تکیه کرد که این خانوادهها از ثبات و

۱- برای مطـالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صـص ۷۲، ۷۶ و ۷۷، ۸۸، ۱۰۰ و ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۳۰ و ۱۳۱، ۱۳۹ و ۱۴۰، ۱۴۳ و ۱۴۴، ۱۷۳ ۱۸۲.

۲- پایگاه اطلاعرسانی ثبت احوال کشور: http://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=۴۸۲۱.

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: «نگاهی دوباره به طلاق»، حوراء، شماره ۴۰، مهر و آبان ۱۳۹۰.

ص: ۳۴

آرامش لازم برخوردار باشند. در شرایطی که عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موجب فروپاشی خانوادهها و بیثباتی آن ها میشوند، هرگز نمیتوان به ایجاد نسلی جدید از دل خانوادهها امیدی داشت. از این رو رسانه ملی باید با در پیش گرفتن سیاستهای ذیل، از همه ظرفیتهای خود برای تحکیم نهاد خانواده استفاده کند:

یک آموزش حقوق و مسئولیتهای خانوادگیِ زن و مرد به جوانان در آستانه ازدواج؛

دو توانمندسازی جوانان برای مقابله با مسائل و مشکلاتی که در کانون خانواده با آن ها روبه رو میشوند؛

سه به تصویر کشیدن روابط مطلوب اعضای خانواده (زن، شوهر و فرزندان) در برنامههای نمایشی؛

چهار بررسی و تبیین ویژگیهای خانواده تراز اسلامی در برنامههای کارشناسی؛

پنج پرهیز از به تصویر کشیدن مداوم خانوادههای نابسامان و روابط ناهنجار اعضای خانواده با یکدیگر در برنامههای نمایشی؛

شش پرهیز از نگرش های فمینیستی در به تصویر کشیدن روابط اعضای خانواده با یکدیگر.(۱)

ج) زمینه سازی برای تسهیل شرایط ازدواج

ج) زمینه سازی برای تسهیل شرایط ازدواج

بر اساس گزارش رئیس سازمان ثبت احوال کشور، «سن ازدواج برای مردان و زنان نسبت به سالهای گذشته افزایش یافته و به میانگین ۲/۲۷ سال برای مردان

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۸۰، ۸۲، ۹۰، ۱۳۳، ۱۵۴ و ۱۵۵؛ ابراهیم شفیعی سروستانی، رسانه ملی؛ زن و خانواده با نگاهی به رهنمودهای مقام معظم رهبری، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۹۰.

ص: ۳۵

و حدود ۲۳ سال برای زنان رسیده که این آمارها زنگ خطری برای افزایش تجرد قطعی در جامعه است».(۱)

بیتردید، افزایش سن ازدواج، موجب تغییر الگوی باروری مادران و کاهش رشد جمعیت خواهد شد. مدیرکل آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال، در این زمینه میگوید: «پیک الگوی سنی باروری مادران در سال ۱۳۸۵، ۲۰ تا ۲۴ سال بوده که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۲۵ تا ۲۹ سال افزایش یافته است. بنابراین، الگوی باروری مادران در سالهای اخیر تحت تأثیر مستقیم افزایش سن ازدواج بوده است... . افزایش سن الگوی باروری مادران میتواند در میانمدت موجب کاهش نرخ موالید شده و به مرور میزان رشد جمعیت را به صفر و حتی منفی برساند». (۲)

بنابراین، یکی از مهمترین گامها در راه افزایش جمعیت کشور، زمینه سازی برای کاهش سن ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده برای جوانان است.

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، در حال حاضر بیش از هفده میلیون نفر جوان ۲۰ تا ۲۹ سال در کشور وجود دارند(۳) که اگر زمینه برای ازدواج آن ها فراهم شود، میتوان امیدوار بود که در سالهای آینده جمعیت کشور به میزان قابل توجهی افزایش یابد. بنابراین، رسانه ملی برای تحقق رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه افزایش جمعیت باید یکی از راهبردهای اساسی خود را زمینه سازی برای تسهیل شرایط ازدواج خیل گسترده جوانان در آستانه ازدواج قرار دهد و با اقدامهای گوناگون برای تسهیل شرایط ازدواج جوانان زمینهسازی کند: برخی اقدامهایی که رسانه ملی در این زمینه میتواند انجام دهد به این شرح است:

۱- «خطر افزایش تجرد قطعی در جامعه» در: پایگاه اطلاعرسانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا): http://isna.ir/fa/news/۹۱۰۸۲۰۱۲۳۱۶.

۲- «افزایش خطر تجرد قطعی در زنان» در: همان: http://isna.ir/fa/news/۹۱۰۷۰۳۰۱۶۹۱.

۳- مرکز آمار ایران، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری بینالملل، چاپ اول، ۱۳۹۱.

ص: ۳۶

یک فرهنگسازی برای کاستن سطح توقع جوانان و خانوادههای آنان؛

دو پرهیز از نشان دادن بیدلیلِ خانهها و زندگیهای اشرافی و پرتجمل در برنامههای نمایشی؛

سه پرهیز از به تصویر کشیدن زندگی زوجهای جوانی که برخلاف بسیاری از همسران جوان، نخستین روزهای ازدواج خود را در کمال رفاه و آسایش و بی هیچ نگرانی مالی تجربه میکنند؛

چهار ترویج قناعت و سادهزیستی و دوری از زیاده خواهی و تجملگرایی، با بهرهگیری از قالبهای اثرگذاری همچون فیلمها و سریالهای تلویزیونی؛

پنج برگزاری نشستهای کارشناسی درباره دلایل و زمینههای بالا رفتن سن ازدواج؛

شش برگزاری نشستهای کارشناسی درباره پیامدهای بالا رفتن سن ازدواج.(۱)

د) اصلاح بینش، نگرش و رفتار خانواده ها در زمینه فرزندآوری

د) اصلاح بینش، نگرش و رفتار خانواده ها در زمینه فرزندآوری

اجرای بیش از دو دهه سیاست تحدید موالید در کشور و اقدامهای گوناگون فرهنگی اجتماعی که در این زمینه انجام شد، موجب تغییر اساسی بینش، نگرش و رفتار خانوادهها در زمینه فرزندآوری شده است. امروز بیشتر زوجهای جوان، دستکم در چند سال نخست زندگی، ضرورتی برای فرزنددار شدن احساس نمی کنند و فرزندداری را مزاحم تحصیل، اشتغال، رفاه و رشد و پیشرفت خود می دانند. به همین دلیل آن ها حتی اگر مشکل مالی هم نداشته باشند، حاضر به فرزنددار شدن نمیشوند. به همین دلیل، رسانه ملی برای تحقق سیاست افزایش جمعیت، در درجه نخست باید به اصلاح و تغییر بینش، نگرش و رفتار خانوادهها در زمینه فرزندآوری بپردازد و با برنامهریزی دقیق و حساب شده و در

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۱۲۰ و ۱۲۱، ۱۵۳، ۱۷۷ و ۱۷۸، ۱۸۱.

ص: ۳۷

بازه زمانی مشخص، بر هر سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری مخاطبان با ارائه پیامهای مناسب اثر بگذارد.(۱)

ه) ترویج فرهنگ اعتماد و خوش بینی به خداوند

ه) ترویج فرهنگ اعتماد و خوش بینی به خداوند

آموزههـای اسـلامی، همواره مردم را به خوشبینی به خداونـد متعـال و اعتمـاد و توکـل بر او فرا میخواننـد؛ تـا آنجا که امام باقر علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

والَّذی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِی مُؤْمِنٌ قَطُّ خَیرَ الـدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَ رَجَائِهِ لَهُ ... وَ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا یحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا کَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ اللَّهَ کَرِیمٌ بِیدِهِ الْخَیرَاتُ یسْتَحْیی أَنْ یکُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنَّ ثُمَّ یخْلِفَ ظَنَّهُ وَ رَجَاءَهُ فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظَّنَّ وَ ارْغَبُوا إِلَیهِ.(۲)

سوگنـد به آنکه جز او خدایی نیست، خیر دنیا و آخرت به مؤمنی ارزانی نمیشود، مگر به دلیل خوشـگمانی و امیدواری او به خدا... سوگنـد به آنکه جز او خدایی نیست، هیچ بنده مؤمنی به خدا خوشـگمان نمی شود، مگر اینکه خداوند در کنار گمان بنده مؤمنش حاضـر میشود؛ زیرا خداوند کریم است و همه خیرها به دست اوست. او شـرم میکند که بنده مؤمنش به وی خوشگمان شود، ولی او خلاف گمان بنده اش، عمل و امیدش را ناامید کند؛ پس به خداوند خوشگمان و به او امیدوار باشید.

بر این خوشبینی، اعتماد و توکل، در موضوع تشـکیل خانواده و فرزنـددار شـدن بیشتر تأکیـد شـده است. قرآن کریم دراین باره می فرماید:

وَ أَنْکِحُوا اْلایامی مِنْکُمْ وَ الصّالِحینَ مِنْ عِبادِکُمْ وَ إِمائِکُمْ إِنْ یکُونُوا فُقَراءَ یغْنِهِمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللّهُ واسِعٌ عَلیمٌ. (نور: ۳۲)

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۷۲، ۷۶ و ۷۷، ۹۱، ۱۰۱، ۱۱۸ و ۱۱۹، ۱۲۷ و ۱۲۸، ۱۸۰.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۷۲، ح ۲.

ص: ۳۸

بیهمسران خود و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید؛ اگر تنگدست اند، خداوند آنان را از فضل خویش بینیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر و داناست.

... وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِياهُمْ. (انعام: ۱۵۱)

... و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید؛ ما شما و آنان را روزی می رسانیم.

در همین زمینه از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است:

مَنْ تَرَكَ النِّكَاحَ مَخَافَةَ الْعَيلَهِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِرَبِّهِ لِقَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى «إِنْ يكُونُوا فُقَراءَ يغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِيم».(۱)

هرکس از بیم تنگدستی ازدواج را ترک کند، به پروردگار خود بدگمان شده است؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی میفرماید: «اگر تنگدست اند، خداوند آنان را از فضل خویش بینیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر و داناست.»

بر این اساس، رسانه ملی برای از بین بردن یکی از موانع عینی و ذهنی تشکیل خانواده و فرزنددار شدن؛ یعنی بیم از تنگدستی یا ناتوانی در تأمین رزق و روزی فرزند، باید این سیاستها را در پیش گیرد:

یک جلوگیری از ترویج فرهنگ مادیگرایانه و رفاهطلبانه در فیلمها، سریالها، آگهیهای بازرگانی و...؛

دو ترویج فرهنگ اعتماد، توکل و خوش بینی به خداوند با نمایش برنامه های کارشناسی، نمایشی، مستند، نماهنگ و... .(۲)

و) اصلاح برداشت های نادرست درباره نقش «مادری» و «همسری» زنان

و) اصلاح برداشت های نادرست درباره نقش «مادری» و «همسری» زنان

یکی از آثار و پیامدهای ناگوار رواج اندیشههای فمینیستی، پدید آمدن برداشت های جدید درباره هویت زنانه بود. یکی از نویسندگان غربی در این باره مینویسد:

۱- نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، قم، مؤسسه ال البیت:، ج ۲، ص ۱۹۱، ح ۶۹۱.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۸۰، ۱۱۲، ۱۱۴.

ص: ۳۹

نیم قرن پیش، تعداد معدودی از زنان، زمینه ایجاد انقلابی فرهنگی و فلسفی را ایجاد کردند. آن ها اعتقاد داشتند که زنان باید خود را از یوغ ستم مردان رها سازند و برای رسیدن به این هدف، کتاب ها نوشتند، مقالاتی منتشر کردند، در کالج ها تدریس کردند، در خیابان ها تظاهرات کردند، کنگره تشکیل دادند و بدین ترتیب، موفق شدند قلب و روح میلیون ها زن را تسخیر کنند.

آن ها برای آنچه مفهوم زن را دربر داشت، تعریفی جدید ارائه دادند و موجب تغییر دیدگاه های موجود درباره اولویت ها و مسئولیت های زنان در زندگی شدند. مفاهیمی چون زهد، پاکدامنی، اطاعت، خویشتن داری و نجابت از واژه نامه ما حذف شد و واژه هایی چون انتخاب، طلاق، خیانت و امتیازات یکسان برای هر دو جنس، جای آن ها را گرفت. دختران و نوه های حاصل از آن نسل، هرگز شیوه تفکر دیگری را نشناخته اند.

یکی از مخرب ترین اهداف و تأثیرات این دیدگاه «جدید» نسبت به زنان، سبک شمردن ازدواج و مادری، و بیرون آوردن جسمی و روحی زنان از خانه ها به سوی بازار کار بود.(۱)

نویسنده یادشده، در ادامه میگوید:

دکتر یی پاترسون(۲) بر این باور است که زنان از آزادی اصیلی که قرن ها از آن لذت می بردند؛ یعنی رسیدگی به امور خانه، پرورش کودکان و پی گیری خلاقیت های فردی، دور افتادند و مغزشان شست وشو داده شد تا باور کنند انجام کاری که دستمزد و حقوق مادی ندارد، زن را گرفتار ناکامی، سرزنش و حبس در محدوده خانه می کند.(۳)

با کمال تأسف، در دورانی که اندیشه‌های فمینیستی در خاستگاه و مهد پیدایش خود با تردیدهایی جدی روبه رو شده است و نویسندگان متعددی در نقد

۱- نانسی لی دموس، دروغ هایی که زنان باور می کنند و حقایقی که آنها را آزاد می سازد، ترجمه و تلخیص: پریسا پورعلمداری، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷، چاپ اول، ص ۷۱.

۲- Dorothy Patterson.

۳- دروغ هایی که زنان باور می کنند و حقایقی که آنها را آزاد می سازد، ص ۷۲.

و رد آن به تألیف کتاب و مقاله پرداخته اند،(۱) این انـدیشه ها بر ذهن و زبان گروهی از دختران جوان ایرانی جاری شده و موجب کم رنگ شدن نقش مادری و جایگاه ارزشمند مادری و همسری در چشم آن ها شده است.

با توجه به این موضوع، رسانه ملی بایـد با پرداختن به موضوعهای ذیل، برداشت های نادرستی را که امروزه در اذهان برخی دختران جوان درباره نقش مادری و همسری زنان شکل گرفته است، اصلاح کند:

یک معرفی زیبای دیدگاه اسلام درباره هویت زنانه و نقش و جایگاه مادری و همسری؛

دو بیان روایات وارد شده در شأن زنان باردار، از لحظه بسته شدن نطفه تا زایمان؛

سه تبیین نقش فرزندان صالح در سعادت اخروی پدران و مادران؛

چهار تبیین و توضیح مفاهیم رفاه، آسایش و سعادت در دو نگاه مادی و دینی؛

پنج نقد و بررسی دیدگاههای فمینیستی در زمینه نقش مادری و همسری؛

شش بررسی آثار و پیامدهای رواج این دیدگاهها در مغرب زمین.(۲)

ز) الگوسازی از خانواده های موفق پرجمعیت

ز) الگوسازی از خانواده های موفق پرجمعیت

یکی از اقـدامهای رسـانه ملی در سالهای حاکمیت سیاست تحدیـد موالیـد، نشان دادن تصویری نامطلوب از خانوادههای پرجمعیت بود. در برخی سـریالهایی که در آن، رفتار زنان در قالب طنز به نمایش درمیآمـد، نشان داده میشد که تعدد فرزندان چه گرفتاریها و مشکلاتی برای پدر و مادرشان پدید می آورد.

در حال حاضـر رسانه ملی باید با اصـلاح این رویکرد، به شناسایی و معرفی خانوادههایی بپردازد که با وجود داشتن فرزندان متعدد، به خوبی از عهده تعلیم و تربیت آن ها برآمده و نسل شایستهای را تحویل جامعه دادهاند.

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، زن؛ نظام سلطه و رسانه ها، صص ۳۳ ۷۴.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۱۲۷ و ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۶۷ ۱۷۰، ۱۷۳ ۱۷۷، ۱۸۰.

ص: ۴۱

البته باید توجه داشت که در این شناسایی و معرفی، نباید فقط به خانواده های مرفه شهرنشین بسنده کرد، بلکه باید از همه خانواده های شهری و روستایی و با سطح درآمد متفاوت، الگوهایی را شناسایی و به جامعه معرفی کرد.

این الگوسازی صرفاً در قالب برنامه های مستند قابل ارائه نیست، بلکه از قالب برنامههای نمایشی نیز می توان استفاده کرد.(۱)

ح) اصلاح نگرش زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود

ح) اصلاح نگرش زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود

در چند دهه اخیر با گسترش فعالیت جریانهای فمینیستی در مغرب زمین و به موازات آن، تولید انبوه فیلم ها و سریال ها، انتشار گسترده مجلات مد و زیبایی، و گسترش تبلیغات بازرگانی رسانه ها، الگوی تازه ای از زیبایی و جذابیت، ابتدا در کشورهای غربی و به تدریج در سراسر جهان مطرح شده است که نماد بارز آن عروسک «باربی» است.

هوارد لاوین،(۲) استاد دانشگاه ایالتی نیویورک، و استفان اچ. واگنر،(۳) استاد دانشگاه ایلینویس امریکا، در پژوهشی که در زمینه تأثیر تبلیغات تلویزیونی بر گرایشها و رفتارهای زنان غربی انجام دادهاند، در این زمینه مینویسند:

ویژگیهای قراردادی زیبایی زنان در فرهنگ غربی، در طول تاریخ با تغییرات زیادی مواجه بوده است؛ مثلاً اگرچه جذابیتهای زنانه در دورهای با داشتن اندامهایی چاق سنجیده میشد، اما ایدهآلهای کنونی فرهنگ ما، هم اینک زنانی با اندامی باریک و ترکهای را میپسندد. محققان برای این فرضیه خود، به تصاویر نشریات عامهپسند امریکایی دو قرن اخیر، مسابقات سالانه انتخاب ملکه زیبایی و مدلهای به کار گرفته شده در تبلیغات تجاری اشاره میکنند که در این دوره روزبه روز لاغرتر شدهاند. در عین حال، در

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ك: بخش دوم همین کتاب، صص ۹۳، ۱۰۱ و ۱۸۰.

۲- Howard Lavine.

۳- Stephen H.wagner.

ص: ۴۲

این سالها، با محبوبتر شدن ایده ترکه ای و لاغر بودن، نارضایتی زنان از اندامهایشان و بینظمی آنان در برنامه صرف غذا، با روندی افزایشی روبه رو شده است. پژوهشهای صورت گرفته نشان میدهد که اکثر زنان خود را دارای مشکل اضافه وزن میدانند و از آرزوی خود برای لاغرتر شدن صحبت به میان میآورند.(۱)

تبلیغات گسترده برای معرفی زنان ترکهای و لاغراندام به عنوان الگوهای زیبایی و جذابیت، در شرایطی صورت میگیرد که بسیاری از کارشناسان، دست یافتن به این الگوها را برای بسیاری زنان غیرممکن میدانند. روبین برگر(۲) نویسنده امریکایی، در این باره می نویسد:

شاید آزاردهندهترین حقیقت این باشد که تصاویر زنان زیبا در رسانه، برای همه زنان به جز شمار بسیار اندکی از ایشان دست نایافتنی است. پژوهشگرانی که مدل کامپیوتری یک زن را با تناسب عروسک باربی تولید کردهاند، متوجه شدهاند باسن آن برای نگه داشتن وزن بالاتنه بسیار ضعیف است و بدن وی برای بیش از نیمی از کبد و چند سانتیمتر روده، بسیار باریک. اگر یک زن به این شکل و شمایل درآید، از اسهال مزمن رنج خواهد برد و در نهایت از سوء تغذیه خواهد مرد. جیل باراد، مدیر شرکت «ماتل» (که عروسک باربی را تولید میکند)، تخمین زده است ۹۹ درصد دختران ۳ تا ۱۰ سال، دستکم یک عروسک باربی دارند.(۳)

بر اساس این الگوی تازه، بسیاری از زنان و دختران در پی این برآمدهاند که به هر قیمت، اندامی کشیده و استخوانی به سبک عروسک باربی داشته باشند و خود را به مدلهای مد و زیبایی که رسانههای غربی تبلیغ می کنند، نزدیک تر کنند.

۱- هوارد لاوین و استفان اچ. واگنر، «نگاهی به تأثیرات روانی و اجتماعی نمایش زنان در تبلیغات تلویزیونی»، سیاحت غرب، سال ششم، شماره ۶۷، بهمن ۱۳۸۷، ص ۵۴.

۲- Robin Berger.

۳- روبین برگر، «تصویر اندام و زیبایی در رسانه»، سیاحت غرب، سال نهم، شماره ۹۹، آبان ۱۳۹۰، ص ۴۱.

ص: ۴۳

با ایجاد این نگرش جدید درباره بدن و زیبایی در دختران، یکی از موضوع هایی که مغایر با فرهنگ باربی شدن تلقی شد، بارداری و بچهدار شدن بود؛ زیرا به تعبیر یکی از نویسندگان منتقد غربی «در این اندام های ترکه ای، جایی برای رحم وجود ندارد!».

متأسفانه این نگرش با گسترش شبکههای ماهواره ای، به تدریج در کشور ما نیز رواج یافت و موجب شد برخی زنان از بیم از دست دادن تناسب اندام، از بچه دار شدن یا شیردادن نوزادان خود خودداری کنند.

با توجه به مطالب یادشده، رسانه ملی باید با تولید برنامههای متنوع و اثرگذار، برای اصلاح نگرشی که در میان برخی زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود پدید آمده است، اقدام کند. برخی اقدامهایی که رسانه ملی در این زمینه می تواند انجام دهد، به شرح زیر است:

یک نقد و بررسی الگوهای غربی مد، زیبایی و جذابیت، و روشن کردن اهداف پنهان و آشکار این الگوپردازی ها برای زنان و دختران ایرانی؛

دو معرفی برخی هنرپیشگان مطرح سینمای هالیوود که با وجود داشتن زیبایی ظاهری، از بچه دار شدن نیز غافل نشده اند؛

سه ترویج ورزش ها و نرمش هایی که می تواند به زنان، در حفظ زیبایی اندام خود پس از زایمان کمک کند.(۱)

ط) افشای طرح های نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان

ط) افشای طرح های نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان

سال هاست سران «مجامع مخفی» جهانی، مانند مؤسسه سلطنتی امور بینالملل،(۲) شورای روابط خارجی،(۳) جامعه بیلدربرگرها،(۴) کمیسیون سه جانبه،(۵) فراماسونری،(۶)

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۹۱ و ۱۶۹.

۲- Royal Institute for international Affairs (RIIA).

۳- Council on Foreign Relations (CFR).

۴- Bilderbergers.

۵- Trilateralscomnission.

۶- Freemasonry.

ص: ۴۴

باشگاه رم(۱) و کمیته ۳۰۰،(۲) با طرحها و برنامههای گوناگون زمینه نفوذ و اقتدار نظام سلطه بر مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ملل جهان را فراهم آورده، سرنوشت ملت ها و کشورهای مستقل جهان را به میل و اراده خود تغییر میدهند.(۳) یکی از مصادیق آشکار مداخله مجامع مخفی در سرنوشت ملت های دیگر موضوع کاهش و کنترل جمعیت جهان است. این مجامع با هدف گسترش سلطه خود بر جهان، از سالها پیش موضوع کاهش جمعیت جهان را در دستور کار قرار داده اند و این موضوع را از راههای گوناگون پی می گیرند. دکتر جان کولمن،(۴) نویسنده و پژوهشگر مجامع که پیشتر از جاسوسان حرفهای سرویسهای مخفی بریتانیا بوده است، هنگام برشمردن هدفهای گروههای پنهان می نویسد آن ها بر این باورند که برای تحقق «مسئولیت آسمانی» که بر عهده آنان گذارده شده است، باید «از راه ایجاد جنگ های محدود و موضعی در کشورهای پیشرفته و به وجود آوردن گرسنگی و بیماری در کشورهای جهان سوم، موجبات مرگ حدود سه میلیارد انسانی را که اصطلاحاً «مصرف کنندگان بیمصرف» نامیدهاند، فراهم شود. تا سال ۲۰۵۰ جمعیت ایالات متحده باید در حد یکصد میلیون نفر کاهش یابد».(۵)

سرواندو گونزالز،(۶) نویسنده کوبایی امریکایی، نشانهشناس و تحلیلگر اطلاعاتی، در مقاله ای به بررسی تلاش «باشگاه میلیونرها»ی امریکایی برای کاهش جمعیت جهان میپردازد و مینویسد:

۱- Club of romme.

۲- Committee ۳۰۰.

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: اسماعیل شفیعی سروستانی، «مجامع مخفی»، موعود، سال شانزدهم، شماره ۱۳۶، خرداد ۱۳۹۱؛ شماره ۱۳۷ و ۱۳۸، تیر و مرداد ۱۳۹۱ و شماره ۱۴۱، آبان ۱۳۹۱.

۴- John coleman.

۵- جان کولمن، کمیته ۳۰۰ کانون توطئههای جهانی، ترجمه: یحیی شمس، تهران، فیروزه، ۱۳۸۰، چاپ هشتم، ص ۲۶.

۶- Servando Gonzalez.

ص: ۴۵

در پنجم می ۲۰۰۹، تعـدادی از بـدنام ترین اعضای «باشـگاه میلیونرها» دیویـد راکفلر، بیل گیتس، تد ترنر، اپرا وینفری، وارن بافت، جرج سوروس، الی براود، پیتر جی. پترسون، پتی اسـتونس فـایر، جـان مورگریـده، مایکـل بلومبرگ و تعـدادی از میلیونرهـای دیگر مخفیـانه در اقامتگـاه سـر پـل نرس، رئیس دانشـگاه راکفلر را در منهتن ملاقـات کردنـد. همـان طور که انتظار می رفت، رسانه های جریـان اصـلی امریکـا بسـیار مراقب بودنـد تا مردم امریکا را از این جلسه میلیونرها در منهتن آگاه نکننـد، ولی برخی از جزییات این جلسه، به بیرون درز کرد.

یک روزنامه بزرگ انگلیسی، به نقل از یک فرد ناشناس که در این جلسه شرکت داشته است، گزارش کرد که در این جلسه «بر سر ایـن نکته اجمـاع شـد که آن هـا بایـد به راهـبردی روی آورنـد که در آن، از رشـد جمعیت به عنـوان یـک تهدیـد زیست محیطی، اجتمـاعی و صـنعتی بـالقوه فـاجعه بـار جلـوگیری شـود». به گفته دیگر منـابع، دیگر میلیونرهـایی که در این جلسه محرمـانه شـرکت داشـتند، درباره ابتکار بیل گیتس گفت وگو کردنـد. بـد نیست بدانید بیل گیتس اظهار نظرهای مشابهی را در کنفرانسـی که در ۱۸ فوریه ۲۰۱۰ در لانگ بیچ کالیفرنیا برگزار شد، مطرح کرده است. گیتس در این کنفرانس گفته است: «پیش بینی های رسمی نشان می دهند که جمعیت جهان به ۳/۹ میلیارد نفر خواهد رسید (به نسبت ۶/۶ میلیارد فعلی)، ولی با ابتکارهای خیریه، نظیر مراقبت های بهداشتی باروری بهتر، فکر می کنیم که بتوانیم این میزان رشد را به ۳/۸ میلیارد نفر کاهش دهیم». اگر بخواهیم این جمله را به زبان سلیس ترجمه کنیم، بایـد بگوییم که معنـای آن حرف این است که آقـای گیتس در حـال برنامه ریزی برای مشارکت کردن در قتل بیشتر از یک میلیارد انسان است.

یکی دیگر از افراد شـرکت کننـده در جلسه منهتن، سـزار رسانه ای، تـد ترنر، میلیونر مؤسـس سـی. ان. ان بود که در سال ۱۹۹۶ در مصاحبه ای با مجله طبیعت شناسـی آدوبون گفته بود کاهش ۹۵ درصدی جمعیت جهان به ۲۲۵ تا ۳۰۰ میلیون نفر، «ایدئال» خواهد بود.(۱)

۱- سرواندو گوانزالز، «میلیاردرها در خدمت نسلکشی»، سیاحت غرب، سال هشتم، ش ۹۴، خرداد ۱۳۹۰.

ص: ۴۶

مایکل اسنایدر،(۱) پژوهشگر و تحلیلگر مسائل سیاسی نیز درباره تصمیم نخبگان جهانی برای کنترل جمعیت جهان مینویسد:

از نظر من و شما، شاید خلاص شدن از ۹۰ درصد جمعیت جهان کاری جنون آمیز باشد، اما هرچه می گذرد، این اجماع در بین نخبگان جهانی بیشتر می شود که رسیدن به چنین هدفی به نفع سیاره زمین است.

او در ادامه مینویسد:

البته اختلاف نظرهایی بر سر این موضوع وجود دارد، اما بسیاری از افراد، آشکارا اعلام کرده اند که به اعتقاد آن ها جمعیت زمین تنها باید پانصد میلیون نفر (یا کمتر) باشد. مثلاً اولین فرمان از «ده فرمان جدید»، اصول راهنمای بدنام جورجیا(۲) بیان می کند: «حفظ تعداد جمعیت جهان زیر پانصد میلیون نفر، برای توازن طبیعت، واجب است.

تد ترنر،(۳) مؤسس سی.ان.ان نیز می گوید: «جمعیتی ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون نفری، یعنی کاهشی ۹۵ درصدی از میزان فعلی، جمعیتی آرمانی است». همچنین، دیوید فورمن،(۴) یکی از مؤسسان ارث فرست،(۵) می گوید که کاهش جمعیت جهان به صد میلیون نفر، یکی از سه هدف عمده اوست: «سومین هدف اصلی من، کاهش دادن جمعیت جهان به حدود صد میلیون نفر، نابود کردن زیرساخت های صنعتی و توجه به حیات وحش با تمام گونه های حیات آن خواهد بود».

میخائیل گورباچف نیز فکر می کند کاهش ۹۰ درصدی جمعیت جهان، فکری کاملاً درست است: «ما باید به روشنی درباره مسائل جنسی، جلوگیری از بارداری، سقط جنین و درباره ارزش های کنترل جمعیت سخن بگوییم؛ چرا که بحران زیست محیطی در کوتاه مدت، بحران جمعیت است. اگر جمعیت جهان

۱- Michel Snyder.

۲- Infamous Geergia Guidestones.

۳- Ted Turner.

۴- David Foreman.

۵- Earth First.

ص: ۴۷

را تا ۹۰ درصد کاهش دهید، دیگر تعداد زیادی انسان باقی نخواهد ماند تا آسیب های زیست محیطی جدی به زمین وارد آورد».(۱)

در نشست سال ۲۰۱۱ بیلدر برگ که از ۹ تا ۱۲ ژوئن (۱۹ تا ۲۲ خرداد ۱۳۹۰) با حضور آندرس فوگ راسموسن دبیرکل ناتو، خواکین آلمونیا معاون رئیس کمیسیون اروپا، خاویر سولانا مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ژان کلود تریشه رئیس بانک مرکزی اروپا، رابرت زولیک رئیس گروه بانک جهانی، هنری کیسینجر تئوریسین و رئیس شرکت های مختلف و مشاور سابق امنیت ملی امریکا، «بیل گیتس» رئیس سابق مایکروسافت و رئیس فعلی بنیاد گیتس، رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا (گیتس در زمان برگزاری نشست، وزیر دفاع بود که اکنون از این سمت کنار رفته است)، دیوید راکفلر سرمایه دار معروف و رئیس سابق بانک منهتن، میچلت وایت مدیر مسئول هفتهنامه اکونومیست، آنجلا مرکل صدر اعظم آلمان، جورما اولیلا رئیس شرکت نفتی رویال داچ شل، جرج دیوید رئیس شرکت کوکاکولا، ملکه هلند، هاکان ولیعهد نروژ، پیتر برابک لتما رئیس شرکت نستله، سوفیا ملکه اسپانیا، خوزه لوییز زاپاترو نخست وزیر اسپانیا و... در «سنت موریس» سوئیس برگزار شد، بر موضوع افزایش جنگ و کشتار به ویژه در منطقه خاورمیانه به منظور کاهش جمعیت رو به افزایش جهان تأکید شد.(۲)

با توجه به مطالب یادشده، ضروری است رسانه ملی موضوعهای ذیل را در دستور کار خود قرار دهد:

یک تبیین و تشریح طرحها و برنامههای مجامع مخفی وابسته به نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان؛(۳)

۱- مایکل اسنایدر، «از هفت میلیارد به پانصد میلیون نفر: دستور کار نخبگان جهانی برای کنترل جمعیت»، سیاحت غرب، سال نهم، شماره ۱۰۳، اسفند ۱۳۹۰.

۲ - http://bilderberg۲۰۱۱.com/bilderberg-group/bilderberg-۲۰۱۱-plans-for-more-economic-chaos.

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: جیم کیث، «بمب جمعیت»، ترجمه: فاطمه شفیعی سروستانی، موعود، سال چهارم، شماره ۱۰۴، مهر ۱۳۸۸.

ص: ۴۸

دو بررسی راهکارهای رسانهای مقابله با طرحها و برنامههای یادشده؛

سه بررسی و تبیین نقش ملت ایران در خنثیسازی طرحها و برنامههای مجامع مخفی جهانی.

ی) ایجاد حساسیت درباره بحران ها و آسیب های ناشی از کاهش جمعیت

ی) ایجاد حساسیت درباره بحران ها و آسیب های ناشی از کاهش جمعیت

نتایج پیشبینیهای سال ۲۰۱۰ سازمان ملل متحد درباره تحولات باروری نشان می دهد که بر اساس هر سه سناریو (پایین، متوسط و بالا) تا سال ۱۴۲۰ سطح باروری ایران به سطح جانشینی افزایش نخواهد یافت. بر اساس همین پیشبینی، در صورت ادامه روند کنونی کاهش باروری بر اساس سناریوی حد پایین، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۷۳ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۵/۳۸ درصد، در سال ۱۴۴۵ به حدود ۶۱ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۵/۴۷ درصد، و تا سال ۱۴۸۰ به حدود ۳۱ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴/۴۷ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین در صورت تحقق الگوی رشد متوسط، جمعیت ایران تا سال ۱۴۴۵ به حدود ۷۹ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۹/۳۶ درصد، سپس تا سال ۱۴۸۰ به ۶۲ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۷/۳۴ درصد کاهش خواهد یافت.(۱) در صورت تحقق پیشبینیهای یادشده، کشور ما با مسائل و چالشهای گوناگونی روبهرو خواهد شد که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

چالشهای جمعیتی

بحران میزان باروری و تجدید نسل، کاهش حجم کل جمعیت ملی، بحران کاهش نیروی در سن کار، بحران سالمندی جمعیت و افزایش مهاجرتهای بین المللی و تغییرات هویتی و فرهنگی، از مهمترین مصادیق چالشهای جمعیتی به شمار میآیند.

۱- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تحلیل کلان وضعیت فرهنگی کشور، بخش چهارم: وضعیت جمعیت ایران (گذشته، حال، آینده ۱/۱۳۹۱).

ص: ۴۹

چالشهای فرهنگی اجتماعی

مهمترین چالشهای فرهنگی اجتماعی ناشی از کاهش ناگهانی رشد جمعیت عبارت اند از: بحران ساختاری خانواده، شکافهای نسلی بر اثر به هم خوردن توازن جمعیت نسلها، جمع شدن چترهای حمایتی خانواده از سالمندان، و کاهش تدریجی سرمایه اجتماعی.

چالشهای اقتصادی

از نگاه جمعیت شناختی، جمعیت در حال رشد و جوان، احتیاج بیشتری به کالا و خدمات دارد و به همین دلیل در جامعه در حال رشد، تقاضا برای امکانات مسکن، املاک و مستغلات افزایش مییابد، ولی با کاهش سطح باروری و کم شدن جمعیت، جمعیت متقاضی کالاهای اساسی از جمله مسکن و امکانات رفاهی کاهش خواهد یافت و این موضوع زمینهساز ایجاد بحران اقتصادی در جامعه خواهد بود.(۱)

چالش های سیاسی امنیتی

کاهش جمعیت جوان، به معنای کم شدن تعداد نیروهای توانمند برای دفاع از اقتدار، امنیت و تمامیت ارضی کشور است و این موضوع برای کشوری با ویژگی های نظام جمهوری اسلامی ایران که همواره در معرض تهدیدهای فزاینده نظام سلطه و جهان استکبار است، بسیار خطرساز است.(۲)

زبیگنیو برژنیسکی،(۳) مشاور امنیت ملی سابق امریکا و سیاستمدار کهنهکار این کشور، چندی پیش در مصاحبه با جرالد سیب، دبیر روزنامه امریکایی وال استریت ژورنال میگوید:

۱- برای مطالعه بیشتر در این باره، ر.ک: سعدالله دارابی و دیگران، «پیامدهای اقتصادی اجتماعی سالخوردگی جمعیت در ایران (۱۳۳۰ ۱۴۳۰)، کتاب ماه علوم اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۵۸، دی ۱۳۹۱.

۲- برای مطالعه بیشتر در این باره، ر.ک: سعدالله دارابی و دیگران، «پیامدهای اقتصادی اجتماعی سالخوردگی جمعیت در ایران (۱۳۳۰ ۱۴۳۰)، کتاب ماه علوم اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۵۸، دی ۱۳۹۱.

۳- Zbigniew Brzezinski.

ص: ۵۰

از فکر کردن به حمله پیشدستانه علیه تأسیسات هستهای ایران اجتناب کنید و گفتوگوها با تهران را حفظ کنید. بالاتر از همه، بازی طولانی مدت را انجام دهید؛ چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست.(۱)

با توجه به مطالب یادشده، رسانه ملی باید در سیاستگذاریهای خود در زمینه فرهنگسازی برای افزایش جمعیت، به موضوع های ذیل توجه جدی کند:

یک بررسی دقیق و کارشناسی بحرانها، آسیبها و چالشهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی ناشی از کاهش جمعیت؛

دو تبیین درست و مناسب آثار و پیامدهای این بحرانها برای مردم.(۲)

۱- «برژنیسکی: امریکا با اندیشه تغییر رژیم ایران خود را فریب ندهد»، در: پایگاه اطلاعرسانی خبرگزاری فارس: http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۸۱۲۱۵۰۲۲۶.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۷۹، ۸۴، ۹۲، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۶۰ و ۱۶۱؛ مصطفی سمیعی نسب و مرتضی ترابی، شاخصها و سیاست جمعیتی در ایران، صص ۲۵ ۲۸. در پایگاه اطلاع رسانی مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری: www.css.ir/wp-content/uploads/۶.doc-cached.

ص: ۵۱

۶. سیاست های رسانه ملی

اشاره

۶. سیاست های رسانه ملی

برای تحقق کامل راهبردهای یادشده، رسانه ملی باید سیاست های ذیل را در دستور کار خود قرار دهد:

الف) اقناع مدیران و برنامه سازان رسانه ملی درباره سیاست جدید جمعیتی

الف) اقناع مدیران و برنامه سازان رسانه ملی درباره سیاست جدید جمعیتی

بیتردید، مدیران و برنامهسازان رسانه ملی، آنگاه میتوانند نقش خود را در زمینه فرهنگسازی برای تحقق سیاست جمعیتی نظام اسلامی به خوبی ایفا کنند که خود درباره این سیاست جدید متقاعد شده و درباره آن به شناخت و باور قلبی رسیده باشند؛ زیرا در غیر این صورت برنامههایِ تولیدی آن ها فقط جنبه سفارشی و دستوری خواهد داشت و اثر چندانی بر مخاطب نخواهد گذاشت.

بنابراین، سازمان صدا و سیما در نخستین گام به سوی فرهنگسازی برای افزایش جمعیت، باید با برگزاری همایشها و نشستهای علمی و تخصصی، مدیران گروه های برنامهساز، تهیهکنندگان، کارگردانان و پژوهشگران و نویسندگان خود را در این زمینه توجیه کند و به پرسشها و ابهامهای آن ها در این زمینه پاسخ دهد.(۱)

ب) بهره گیری از رویکرد القای غیرمستقیم پیام

ب) بهره گیری از رویکرد القای غیرمستقیم پیام

با توجه به مشکلات گوناگونی که در حال حاضر در زمینه اشتغال، ازدواج، مسکن، تأمین هزینههای زندگی و... در جامعه ما وجود دارد، بهرهگیری از پیامهای مستقیم در زمینه ضرورت افزایش جمعیت، اثر مثبت چندانی ندارد و چه بسا موجب عکس العملهای منفی شود. ازاین رو در تبلیغ و ترویج سیاست جدید جمعیتی کشور،

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ك: بخش دوم همین کتاب، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.

ص: ۵۲

باید از روش القای غیرمستقیم پیام استفاده کرد؛ پیامهایی که بیشتر ناظر به آثار و پیامدهای منفی کم شدن زادوولد برای خانواده و اجتماع است.

برخی موضوعهایی که در این زمینه میتوان به آن ها پرداخت، به شرح ذیل است:

یک آثار و پیامدهای نامطلوب پیرشدن جمعیت؛

دو ضرورت وجود ارتباطهای خویشاوندی (عمو، عمه، دایی، خاله) برای رشد عاطفی فرزندان؛

سه جایگاه و نقش تعدد فرزندان در جامعهپذیری و توانمند شدن آن ها برای مقابله با مسائل و مشکلات؛

چهار آثار و پیامدهای تنها شدن پدر و مادرها در سنین پیری؛

پنج آثار و برکات دنیوی و اخروی تربیت فرزندان صالح؛

شش نقش فرزندان در افزایش نشاط و سرزندگی خانوادهها؛

هفت نقش زایمان و فرزندآوری، در سلامت جسمی و روحی بانوان؛

هشت بررسی مسائل و مشکلات خانوادگی و اجتماعی جوامع غربی که دچار کاهش یا رشد منفی جمعیت شدهاند.(۱)

ج) زمینه سازی برای ایجاد وفاق اجتماعی در زمینه ضرورت افزایش زادوولد

ج) زمینه سازی برای ایجاد وفاق اجتماعی در زمینه ضرورت افزایش زادوولد

در حال حاضر، نه در میان کارشناسان و نه در میان مردم عادی، در زمینه ضرورت افزایش زادوولد اتفاق نظر وجود ندارد؛ بنابراین نمیتوان صرفاً با بهره گیری از اهرم رهنمودهای مقام معظم رهبری به تبلیغ و ترویج سیاست جدید جمعیتی پرداخت، بلکه باید با ایجاد فضای بحث و گفتوگوهای کارشناسانه و بررسی جوانب گوناگون موضوع، زمینه را برای ایجاد وفاق اجتماعی در این زمینه فراهم کرد.

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۷۳، ۸۳ و ۸۴، ۹۲ ۹۴، ۱۰۰ و ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۸ ۱۲۱، ۱۳۲ و ۱۳۳، ۱۴۳ و ۱۴۴، ۱۵۴ و ۱۵۵، ۱۷۹ ۱۸۲.

ص: ۵۳

رسانه ملی باید با پرهیز از برخورد احساسی و شعاری با موضوع تغییر سیاستهای جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، برای ایجاد فضای آزاد بحث و گفتوگوی پژوهشگران و کارشناسان حوزههای جامعهشناسی، روانشناسی، علوم تربیتی، حقوق، اقتصاد و سیاست، درباره آثار مثبت و منفی افزایش جمعیت، از همه ظرفیتهای خود استفاده کند و با مدیریت مناسب این بحث و گفت وگوها، قشرهای گوناگون جامعه به ویژه اقشار فرهیخته و تحصیلکرده را به برداشتی مشترک در این باره برساند. برخی از اقدام هایی که رسانه ملی در این زمینه میتواند انجام دهد، به شرح ذیل است:

یک برگزاری نشستهای کارشناسی در زمینه نقد و بررسی سیاست جمعیتی نظام اسلامی؛

دو برگزاری نشستهای کارشناسی در زمینه دلایل و زمینههای رهنمود مقام معظم رهبری در زمینه ضرورت تغییر سیاست جمعیتی؛

سه برگزاری نشستهای کارشناسی درباره آثار مثبت و منفی افزایش جمعیت؛

چهار برگزاری نشستهای کارشناسی درباره آسیبها و موانع موجود در زمینه بهرهبرداری از ظرفیت جمعیت جوان کشور برای رشد و توسعه و بالندگی نظام اسلامی.(۱)

د) اصلاح رویکرد رسانه در بازنمایی خانواده

د) اصلاح رویکرد رسانه در بازنمایی خانواده

در سالهای اخیر، چند رویداد مهم در عرصه بازنمایی خانواده در رسانه رخ داده است:

کوچک شدن بعد خانواده: در بیشترِ برنامههای نمایشی، خانوادههایی به تصویر کشیده میشوند که یا فرزندی ندارند، یا حداکثر یک یا دو فرزند دارند؛

حذف کودک از موضوع داستانها و برنامههای نمایشی: در حال حاضر، کمتر برنامه نمایشی وجود دارد که در آن، گره و تعلیق داستان بر محور کودک باشد؛

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۱۰۰ و ۱۰۲، ۱۳۲ و ۱۳۳، ۱۸۷.

ص: ۵۴

حذف درگیری و اختلاف بچه‌ها از برنامه‌های نمایشی: در پی کوچک شدن بعد خانواده‌ها در برنامه‌های نمایشی، موضوع اختلاف‌ها و درگیریهای بچه‌ها در کانون خانواده که نقش مهمی در جامعه‌پذیر شدن کودکان دارد، از برنامه‌های نمایشی حذف شد؛

کاهش تعداد یا حذف کلی بستگان نسبی از فضای برنامه‌های نمایشی، در بیشتر فیلمها و سریالهایی که در سالهای اخیر در رسانه ملی پخش شده است، یا به طورکلی از بستگان نسبی اعم از عمو، عمه، دایی و خاله خبری نیست، یا حداکثر به نمایش یک یا دو نفر از این بستگان بسنده شده است.

در مجموع، رسانه ملی با این بازنمایی از خانواده، اولاً ـ خانواده بدون فرزند یا حداکثر با یک یا دو فرزند را تبدیل به هنجاری پذیرفته شده کرده است؛ و ثانیاً احساس نیاز به داشتن بستگان نسبی را از بین برده و مردم را متقاعد کرده است که نداشتن عمو، عمه، دایی و خاله هیچ مشکلی برای افراد جامعه ایجاد نمیکند؛ درحالی که ضرورتها و کارکردهای بسیار مهم خویشاوندان برای رشد روحی و عاطفی فرزندان یک خانواده، امروزه کاملاً به اثبات رسیده است. بنابراین، رسانه ملی در راستای اصلاح سیاستهای جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، باید در بازنماییهای خود از خانواده تجدیدنظر کند و افزون بر اصلاح اشتباههای گذشته، در برنامههای خود به این سیاستها توجه کند:

یک روایت داستانهای شیرین و جذاب از زندگی خانوادههای پرجمعیت؛

دو نشان دادن بچهها به شکل عامل شادی و نشاط فضای خانهها؛

سه به تصویر کشیدن نقش مهم بستگان نسبی در رشد روحی و عاطفی فرزندان.(۱)

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۷۳، ۱۱۹ و ۱۲۰، ۱۴۳ و ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۷۲، ۱۷۹ و ۱۸۰.

ص: ۵۵

ه) توجه دقیق به سازوکارهای «فرهنگ سازی»

ه) توجه دقیق به سازوکارهای «فرهنگ سازی»

این روزها در کشور ما از «فرهنگسازی» بسیار سخن به میان میآید و مسئولان و کارشناسان برای حل مسائل و مشکلات گوناگونی که کشور ما در حوزههای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با آن ها روبه روست، بر ضرورت «فرهنگ سازی» تأکید میکنند؛ ولی هنوز سازوکارهای فرهنگسازی و لوازم و بایستههای آن چنان که شایسته است شناخته نشده و از این واژه جز صورت و ظاهر باقی نمانده است.

یکی از کارشناسان کشورمان در این زمینه مینویسد: «واژه «فرهنگسازی» با آنکه چندان مبهم نیست، اما چون ابعاد گوناگون آن به خوبی شناخته نشده است، از واژگان قربانی و مظلومی است که اهمالکاران آن را برای پشت پا زدن به برنامه های عمیق علمی و آموزشی به کار میگیرند و سطحی نگران ارزشش را در اندازه چسباندن چند پوستر و یا تهیه چند تیزر تبلیغاتی پایین میآورند».

ایشان در ادامه سخنان خود، به بایستهها و سازوکارهای فرهنگسازی در زمینه فرزندآوری اشاره میکند و مینویسد: «مهمترین مرحله فرهنگسازی، شناخت دقیق مشکل است. ثابت شده است که بیرغبتی به فرزندآوری بیش از آنکه ریشه در عوامل اقتصادی داشته باشد، محصول تغییر هنجارهای اجتماعی، افزایش نگرش فردگرایانه، تمایل روزافزون و جهانی زنان برای ابراز وجود از طریق روی آوردن به انواع شغلها، احساس امنیت نسبت به آینده و بینیازی از حامی فرداست».

پژوهشگر یاد شده، درباره راهکار تغییر این نگرشها مینویسد: «برای تغییر این نگرشها، باید به طور جدی دست به دامان روان شناسان اجتماعی زد که هنر ظریف متقاعدسازی را میدانند و سالهاست که در انزوای کلاسهای درسشان به معدود جوانانی که هیچ مسئولیت اجتماعی ندارند، آموختهاند که مثلاً رویکردهایی که میخواهند با ایجاد ترس، نگرشها و رفتار مردم را تغییر دهند،

ص: ۵۶

به شکل تعجبآوری بیتأثیرند؛ زیرا به قول «بارون» و «بیرون» مردم شیوه های دفاعی زیادی دارند که میتوانند آن ها را به کار گیرند که به آنان امکان میدهد تا چنین پیامهایی را مردود بشمارند».(۱)

بنابراین، رسانه ملی ضمن توجه به ضرورت فرهنگ سازی برای افزایش جمعیت، باید به ساز و کارها و لوازم فرهنگ سازی به طور دقیق توجه کند و با بهره گیری از کارشناسان مختلف؛ به ویژه روان شناسان اجتماعی شیوه ها و روش های درست فرهنگ سازی را در برنامه های اصلاح سیاست جمعیتی به کار گیرد.(۲)

و) پرهیز از بهره گیری مستقیم از روحانیت، برای تغییر سیاست جمعیتی

و) پرهیز از بهره گیری مستقیم از روحانیت، برای تغییر سیاست جمعیتی

روحانیان و مبلغان مذهبی، به ویژه در سالهای آغاز اجرای سیاست تحدید موالید، نقش مهمی در تبلیغ و ترویج این سیاست، به ویژه در روستاها و مناطق دورافتاده کشور داشتند.

در پی ارائه دیدگاههای کارشناسان و مسئولان کشور در زمینه ضرورت کنترل جمعیت و تحلیلهایی که آن ها در زمینه پیامدهای ناگوار رشد جمعیت در سال های آینده ارائه میدادند، روحانیان و نهادهای مذهبی، با احساس تکلیف و مسئولیت در برابر نظام اسلامی، به فرهنگسازی در زمینه تحدید موالید با بهره گیری از متون دینی پرداختند و به تدریج این باور را در مردم ایجاد کردند که کنترل جمعیت و استفاده از انواع وسایل پیشگیری از حاملگی، با آموزههای دینی هیچ ناهماهنگی ندارد.(۳)

۱- محمود گلزاری، «اشاراتی نقدگونه بر برنامههای افزایش جمعیت: واقعیت... نگرانی... سروصدا و دیگر هیچ!» سپیده دانایی، سال ششم، شماره ۸۵، شهریور ۱۳۹۱.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۷۲، ۷۷، ۱۳۳.

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: محمدولی علیئی، «تأثیر آموزهها و فتاوای شیعی در رشد و کنترل جمعیت»، فصلنامه تخصصی شیعه شناسی، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۴؛ محمدهادی طلعتی، رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین: آرا و مبانی فقهی حقوقی، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳، چاپ اول، صص ۸۶ ۱۴۸.

ص: ۵۷

بـا توجه به این موضوع، در حـال حاضـر که سـیاست جمعیتی نظـام جمهوری اسـلامی با توجه به مصالـح موجود، تغییر کرده است، شایسته نیست که بار دیگر از روحانیان و نهادهای مذهبی برای تبلیغ و ترویج مستقیم سیاست افزایش جمعیت استفاده شود؛ زیرا این کار موجب خدشـهدار شـدن جایگاه و شأن روحانیان و نهادهای مذهبی و حتی آموزههای دینی در نزد مردم میشود و اعتماد آن ها به علمای دینی و مبلغان مذهبی را از بین میبرد.

بنـابراین، بهرهگیری از آموزههـای دینی و مبلغـان مـذهبی برای نهادینه ساختن سـیاست افزایش جمعیت، صـرفاً بایـد به حوزه القای غیرمسـتقیم پیام و پرداختن به مباحثی چون ضرورت و اهمیت ازدواج، تشکیل خانواده، صله رحم، پیوندهای خویشاوندی و همچنین آثار و برکات دنیوی و اخروی فرزندان صالح برای پدر و مادرها محدود شود.(۱)

ز) زمینه سازی برای اصلاح طرح ها و برنامه های ناظر به تحدید موالید

ز) زمینه سازی برای اصلاح طرح ها و برنامه های ناظر به تحدید موالید

در سالهای حاکمیت سیاست تحدید موالید، طرحها و برنامههای گوناگونی برای کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت و باروری عمومی زنان اجرا شد که برخی از آن ها اثرگذاری مستقیم و کوتاهمدت، و برخی دیگر اثرگذاری غیرمستقیم و بلندمدت داشتند. طرحها و برنـامه هـایی چون «لغو کلیه مقررات مشوّق رشـد جمعیت و اتخـاذ تـدابیر متناسب با سـیاست تحدیـد موالیـد کشور»(۲) یـا غیرقابل محاسـبه و اعمال تلقی شدن «کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عائله پیشبینی و وضع شدهاند، در مورد فرزندان چهارم و بعد»(۳) یا «ترویج انواع روشهای پیشگیری از

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ك: بخش دوم همین کتاب، صص ۷۴، ۸۵ و ۸۶، ۹۴ و ۹۵، ۱۰۳ ۱۰۵، ۱۲۱ و ۱۲۲، ۱۳۴ ۱۳۶، ۱۴۴ و ۱۴۵، ۱۵۶ و ۱۵۷، ۱۸۲ و ۱۹۰ و ۱۹۱.

۲- از قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸.

۳- از قانون تنظیم خانواده و جمعیت، مصوب ۲۶/۲/۱۳۷۲.

ص: ۵۸

بارداری از جمله کاندوم، آی یو دی و حتی وازکتومی(۱) و توبکتومی(۲)» و «عرضه رایگان وسائل پیشگیری از بارداری در مراکز بهداشتی»، دارای اثر مستقیم و کوتاه مدت بودند و طرحها و برنامههایی مانند «بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و به خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم التعلیم»(۳) و «اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینههای مشارکت زنان در امور اقتصادی اجتماعی جامعه و خانواده»(۴) اثر مستقیم و بلندمدت داشتند.

بیتردید، تغییر و اصلاح طرحها و برنامههای دارای اثر مستقیم، چندان دشوار نیست و میتوان با اصلاح برخی قوانین و آئین نامه ها در کوتاهمدت به آن دست یافت؛ ولی اصلاح و دگرگون کردن طرحها و برنامههای بلندمدت دارای اثر غیرمستقیم، به راحتی امکانپذیر نیست؛ زیرا آن ها در طول بیش از دو دهه موجب تغییر گسترده در مناسبات فردی، خانوادگی و اجتماعی جامعه ما شده و سبک زندگی ویژهای را در میان اقشار گوناگون جامعه، به ویژه زنان رواج دادهاند و به همین دلیل تغییر آن ها نیازمند کار فرهنگی گسترده و طولانیمدت است.

بنابراین، رسانه ملی باید با برنامهریزی دقیق و حساب شده، زمینه را برای اصلاح برخی تغییرهایی که در سالهای اخیر و در پی اجرای طرحها و برنامه های تحدید موالید، به ویژه در سبک زندگی زنان جامعه ما پدید آمده است، آماده کنند؛ تغییرهایی چون گرایش گسترده دختران به تحصیلات دانشگاهی بدون توجه به ویژگیهای جنسیتی و نیازهای جامعه، ارزش تلقی شدن اشتغال بانوان و بی توجهی به نقش مهم و اثرگذار مادری و همسری آنان.

۱- وازکتومی (vasectomy) نوعی عمل جراحی در مردان برای پیشگیری است.

۲- توبکتومی (tobectomy) به معنای بستن یا قطع مجاری فالوب در زنان است.

۳- از قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸.

۴- از همان.

ص: ۵۹

با توجه به مطالب یادشده، شایسته است رسانه ملی، این سیاستها را در برنامههای خود در پیش گیرد:

یک الگوسازی در زمینه شغلهای مناسب بانوان، با توجه به ویژگیهای روحی و توانمندیهای جسمی آنان؛

دو اصلاح بینش و نگرش دختران درباره آموزش عالی و تبیین ضرورت تناسب رشتهها و گرایشهای آموزش عالی با ویژگیها و نقشهای خانوادگی و اجتماعی زنان؛

سه فرهنگسازی در زمینه اهمیت و ارزش نقش همسری و مادری و کار خانگی زنان، در مقایسه با مشاغل اجتماعی و کارهای اقتصادی؛

چهار الگوسازی از زندگی بانوان موفقی که در عین همسرداری، به تحصیل خود هم ادامه دادهاند؛

پنج تبیین مفهوم حضور و مشارکت اجتماعی زنان و تفاوت این مفهوم با اشتغال و درآمدزایی.(۱)

ح) تعدیل سطح توقع و انتظار مردم از زندگی

ح) تعدیل سطح توقع و انتظار مردم از زندگی

بسیاری از خانوادهها، مسائل و مشکلات اقتصادی و هزینه بالای تأمین مخارج خوراک، پوشاک، بهداشت، آموزش، تفریح و سرگرمی کودکان را عامل بچهدار نشدن خود اعلام میکنند و معتقدند همسران تا به وضعیت اقتصادی مطلوب نرسند، نباید به فرزندآوری اقدام کنند. این مطلب، شاید تا حدی و درباره بخشی از خانوادهها درست باشد؛ ولی در درستی کلیت آن به چند دلیل تردید جدی وجود دارد:

نخست اینکه، وضع اقتصادی مطلوبی که بسیاری از خانوادهها در پی آن هستند، بر اساس حداقل انتظارها از زندگی تعریف نشده است و عموم مردم به

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۷۲، ۷۶ ۸۰، ۱۲۶ ۱۲۸، ۱۶۷ ۱۷۱، ۱۷۳ ۱۷۸، ۱۷۹ و ۱۸۰، ۱۸۸.

ص: ۶۰

دلیل رواج فرهنگ تجمل و رفاهطلبی و بالا ـ رفتن سطح توقع از زندگی، وضع اقتصادی مطلوب را مترادف با فراهم شدن همه امکانات، شامل درآمد بالا، خانه ملکی، خودرو، لوازم زندگی کامل و... میدانند.

دوم اینکه تعداد قابل توجهی از همسران جوان، با وجود داشتن وضع نسبتاً مطلوب اقتصادی و دارا بودن شغل، درآمد، مسکن و خودروی مناسب، همچنان از زیر بار فرزندار شدن شانه خالی، و همواره آن را به فرصتی دیگر که وضع بهتر شود، موکول میکنند. این موضوع، نشان میدهد که در جامعه ما، بیش و پیش از آنکه واقعیت وضع اقتصادی خانوادهها مانع فرزنددار شدن باشد، تصور آن ها از وضع اقتصادی مطلوب، مانع این موضوع است.

بنابراین، رسانه ملی باید با در پیش گرفتن سیاستهای ذیل و با بهرهگیری مناسب از ابزار برنامههای نمایشی، به تدریج سطح توقع و انتظار مردم از زندگی را متعادل کند:

یک پرهیز از نشان دادن فیلمها و سریالهایی که به تجملگرایی در جامعه دامن میزنند؛

دو نشان دادن سریالهایی که داستان آن ها در فضاهایی ساده و بدون تجمل، ولی سرشار از امید و نشاط رخ میدهد.(۱)

ط) زمینه سازی برای تحقق مصوبه های شورای عالی انقلاب فرهنگی

ط) زمینه سازی برای تحقق مصوبه های شورای عالی انقلاب فرهنگی

چنان که در مقدمه یادآور شدیم، شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۲/۳/۱۳۹۱، شش راهبرد ملی در زمینه جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزههای اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور پیشبینی کرده است که بندهای ۱ و ۳ آن به طور مستقیم به سازمان صدا و سیما ارتباط دارد و این

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بخش دوم همین کتاب، صص ۱۲۰ و ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۵۳ و ۱۷۷ و ۱۷۸.

ص: ۶۱

سازمان بایـد همه توان خود را در راه تحقق آن هـا به کـار گیرد؛ ولی این بـدان معنـا نیست که رسـانه ملی هیـچ وظیفهای در زمینه تحقـق سـایر بنـدهای راهـبرد یادشـده به عهـده نـدارد. بی تردیـد، رسـانه ملی می توانـد بـا نظـارت بر عملکرد دسـتگاههای مختلف سیاسـتگذار و اجرایی، بازتـاب فعـالیت آن هـا و همچنین مطـالبه مسـتمر از مسـئولان کشور، زمینهساز تحقق هرچه بیشتر راهبردهای مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی شود.

ی) پرهیز از هرگونه شتابزدگی و سطحی نگری

ی) پرهیز از هرگونه شتابزدگی و سطحی نگری

یکی از شـروط مهم موفقیت رسانه ملی در ایفای رسالت و مسـئولیتی که در زمینه تغییر جمعیتی نظام جمهوری برعهـده دارد، اقـدام همراه با تدبیر، دوراندیشی و میانه روی و پرهیز از هرگونه شتابزدگی، سطحی نگری و روش های تبلیغی رسانه ای مبتنی بر تکرار و تهاجم است. چنانکه پیش از این گفته شـد، موضوع افزایش جمعیت، کاملاً به موضوع تغییر سـبک زنـدگی مردم وابسـته است و به همین دلیـل برای تحقق آن در درجه نخست بایـد به اقناع اقشار گوناگون جامعه به ویژه نخبگان، فرهیختگان و اقشار تحصـیل کرده پرداخت. بـا توجه به این موضوع، هرگونه شـتابزدگی، سـطحی نگری و اقـدام هـای صـرفاً شـعاری، رسانه ملی را از ایفای رسالت و مسئولیت واقعی اش دور و پیام های رسانه را به ضد خود تبدیل می کند.

بنابراین، رسانه ملی بایـد با برنامه ای دقیق و حساب شـده و با شـیبی منطقی و ملایم موضوع ضـرورت افزایش جمعیت را در دسـتور کار خود قرار دهـد و بکوشـد که به تدریـج اقشار گوناگون جامعه را با سـیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسـلامی همراه و هم آوا سازد.(۱)

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ك: بخش دوم همین کتاب، صص ۱۰۰ و ۱۰۱، ۱۳۲، ۱۵۵ و ۱۵۶، ۱۸۲.

ص: ۶۲

نتیجه گیری

نتیجه گیری

کاهش شدید و نگران کننده روند رشد جمعیت کشور در سالهای اخیر بیش از آنکه ناشی از برخی سیاستها و اقدامهای اجرایی دستگاههای دولتی باشد، ناشی از تحولات ساختاری گسترده جامعه ایران، تغییر سبک زندگی مردم و تسلط گفتمان فردگرایانه و مصرف گرایانه بر جامعه ما بوده است. البته ناگفته نماند که برخی سیاستهای غیرمستقیم جمعیتی که در دو دهه گذشته با هدف کاهش سطح باروری زنان در کشور ما در پیش گرفته شد؛ مانند «افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم التعلیم» و «افزایش زمینههای مشارکت زنان در امور اقتصادی اجتماعی جامعه» (بند ج قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) در تغییر سبک زندگی در ایران و شکل گرفتن گفتمان ویژه در زمینه فرزندآوری بی تأثیر نبوده است. به همین دلیل برای تحقق سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی و افزایش روند رشد جمعیت کشور، به جای دل بستن به برخی اقدامهای مقطعی، سطحی و کم تأثیر همچون دادن سکه یا افزایش مدت مرخصی زایمان باید در پی اصلاح تدریجی سبک زندگی مردم و تغییر گفتمان شکل گرفته در جامعه بود.

بیتردید، برای محقق شدن این امر، باید از همه ظرفیتها و توانمندیهای سازمانها و نهادهای فرهنگساز جامعه استفاده کرد. در این میان، رسانه ملی به دلیل نقش مهم و بیبدیلی که در مدیریت و هدایت فرهنگ و افکار عمومی جامعه دارد و همچنین به دلیل گستردگی دامنه نفوذ و تأثیرگذاری آن از اهمیت ویژهای برخوردار است.

ص: ۶۳

رسانه ملی برای ایفای شایسته وظیفه و مسئولیت خود در موضوع یادشده، باید پیامهای خود را به گونهای مهندسی کند که بتواند در سه سطح شناختی (اعتقادی)، عاطفی (هیجانی) و رفتاری بر مخاطبان خود اثر بگذارد و آن ها را با سیاست جدید جمعیتی نظام اسلامی همراه و همآوا سازد.

بر این اساس، سازمان صدا و سیما باید راهبردها و سیاستهای ویژهای را در پیش گیرد تا در نهایت بتواند به هدف پیشگفته برسد.

مهمترین راهبردهایی که رسانه ملی در این زمینه باید در پیش گیرد، عبارتند از:

گفتمانسازی در زمینه ضرورت افزایش زاد و ولد؛

ایجاد زمینههای لازم برای تحکیم خانوادهها؛

زمینهسازی برای تسهیل شرایط ازدواج؛

اصلاح بینش، نگرش و رفتار خانوادهها در زمینه فرزندآوری؛

ترویج فرهنگ اعتماد و خوشبینی به خداوند؛

اصلاح برداشتهای نادرست درباره نقش «مادری» و «همسری» زنان؛

الگوسازی از خانوادههای موفق پرجمعیت؛

اصلاح نگرش زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود؛

افشای طرحهای نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان؛

ایجاد حساسیت عمومی درباره بحرانها و آسیبهای ناشی از کاهش جمعیت.

برای تحقق راهبردهای یادشده، رسانه ملی باید سیاستهای زیر را در پیش گیرد:

اقناع مدیران و برنامهسازان رسانه ملی درباره سیاست جدید جمعیتی؛

بهرهگیری از رویکرد القای غیرمستقیم پیام؛

ص: ۶۴

زمینهسازی برای ایجاد وفاق اجتماعی در زمینه ضرورت افزایش زاد و ولد؛

اصلاح رویکرد رسانه در بازنمایی خانواده؛

توجه دقیق به سازوکارهای «فرهنگسازی»؛

پرهیز از بهرهگیری مستقیم از ابزار دین و روحانیت برای تغییر سیاست جمعیتی؛

زمینهسازی برای اصلاح طرحها و برنامههای ناظر به تحدید موالید؛

تعدیل سطح توقع و انتظار مردم از زندگی؛

زمینهسازی برای تحقق راهبردهای مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

پرهیز از هرگونه شتابزدگی و افراط و تفریط.

امیدواریم رسانه ملی بتواند با در پیش گرفتن راهبردها و سیاستها، رسالت و مسئولیت سنگین خود در زمینه تغییر گفتمان ویژهای که در دو دهه گذشته در جامعه ما درباره زاد و ولد شکل گرفته است، اصلاح و زمینههای فرهنگی لازم برای تحقق سیاست جدید جمعیتی نظام اسلامی را فراهم کند.

ص: ۶۵

بخش دوم: مسئله شناسی تغییر سیاست جمعیتی (گفت وگو)

اشاره

بخش دوم: مسئله شناسی تغییر سیاست جمعیتی (گفت و گو)

زیر فصل ها

ص: ۶۶

ص: ۶۷

مقدمه

مقدمه

چنان که در پیشگفتار یادآور شدیم، در کتاب حاضر با استفاده از روش تحلیل کیفی، و برای روشنتر شدن وجوه گوناگون موضوع نقش رسانه ملی در تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، با کارشناسان گوناگونی در حوزه های دینپژوهی، زن و خانواده، جامعهشناسی، مطالعات فرهنگی و رسانه و ارتباطات، بر اساس پرسشهای مشخص و از پیش طراحی شده گفتوگو شده است. اسامی کارشناسانی که در چارچوب طرح یادشده با آن ها گفتوگو شده به قرار ذیل است:

جناب آقای دکتر سیدجمالالدین اکبرزاده جهرمی، دکترای ارتباطات اجتماعی، مدیر گروه رسانه و مهندسی پیام مرکز تحقیقات صدا و سیما؛

جناب آقای مهندس محمدرضا جعفری جلوه، کارشناس رسانه و ارتباطات، مدرس دانشکده صدا و سیما و از مدیران پیشین رسانه ملی؛

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر حسن خیری، دانشآموخته حوزه و دانشگاه، جامعهشناس، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی نراق؛

جناب آقای علیرضا رضاداد، کارشناس رسانه و ارتباطات و از مدیران پیشین رسانه ملی؛

حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا زیبایی نژاد، کارشناس حوزه مباحث زن و خانواده و مسئول دفتر مطالعات و تحقیقات زنان؛

ص: ۶۸

جناب آقای دکتر سیدحسین شرف الدین، دانشآموخته حوزه علمیه، جامعه شناسی و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ؛

جناب آقای دکتر محمدتقی کرمی، دانشآموخته حوزه و دانشگاه، کارشناس حوزه مباحث زن و خانواده و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی؛

جناب آقای دکتر علیرضا مرندی، نماینده مجلس شورای اسلامی و وزیر پیشین بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛

جناب آقای عباس معلمی، کارشناس فرهنگ، رسانه و ارتباطات و قائم مقام پیشین مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛

جناب آقای دکتر سیدضیاء هاشمی، دانشآموخته حوزه و دانشگاه و عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی و رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

مهمترین پرسشهای مطرح شده در این گفتوگوها به این شرح است:

سیاستهای جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته در پیش گرفته است، چگونه تحلیل میکنید؟ این سیاستها چه اشکالها و آسیبهایی داشته است؟

آیا در شرایط حاضر با توجه به مناسبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته در جامعه ما، امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی ناظر به کنترل موالید وجود دارد؟

آیا در فضای کارشناسی کشور، اتفاق نظر و درك واحدی در زمینه ضرورت اصلاح سیاستهای جمعیتی وجود دارد؟

بر فرض امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی در کوتاهمدت، چه راه کارهایی در این زمینه پیشنهاد میکنید؟

ص: ۶۹

نحوه ورود رسانه ملی در این عرصه چگونه بایـد باشـد؟ آیا ورود مسـتقیم رسانه ملی به این عرصه، با هدف دعوت مردم به افزایش فرزند را صلاح میدانید؟ ورود غیرمستقیم به این حوزه چگونه میتواند باشد؟

آیا پرداختن به ضرورت افزایش جمعیت از منظر دفاع از کیان جامعه اسلامی یا مقابله با تهدیدهای امنیتی بالقوه و بالفعل پیش روی نظام اسلامی را به صلاح میدانید؟

بـا توجه به اینکه حوزه و روحـانیت در جا انـداختن سـیاست ضـرورت کنترل موالیـد نقش زیادی داشـته است، آیا اسـتفاده رسانه از روحانیان یا به طورکلی پیامهای دینی برای دعوت مردم به ازدیاد نسل را درست میدانید؟

در این بخش، برای اسـتفاده بیشتر مدیران، کارشـناسان، پژوهشـگران و برنامه سازان رسانه ملی، متن کامل گفتوگوها با کارشناسان یادشده، پس از بازنگری و ویرایش ارائه شده است.

ص: ۷۰

۱. گفت وگو با جناب آقای دکتر سیدجمال الدین اکبرزاده جهرمی

۱. گفت وگو با جناب آقای دکتر سیدجمال الدین اکبرزاده جهرمی(۱)

سیاست های جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته در پیش گرفته است، چگونه تحلیل می کنید؟ این سیاست ها چه اشکال ها و آسیب هایی داشته است؟

اینکه جمعیت به عنوان نیروی پیشبرنده توسعه یا بازدارنده توسعه می تواند عمل کند، ادبیات نظری و مناقشات نظری بسیاری را با خود داشته است. افزایش جمعیت یعنی نیروی کار جوان، فراوان و ارزان که زمینهساز توسعه فعالیتهای صنعتی است. با این حال افزایش جمعیت یعنی تقسیم درآمدهای ملی بین تعداد بیشتری از افراد و ضرورت تغییر سبک زندگی برای مصرف کمتر و تولید بیشتر و سرمایه گذاری برای کار و تولید جوانان.

اکنون با توجه به پژوهش های فراوانی که در حوزهٔ جمعیت و کنترل آن به انجام رسیده است، به طور قطع مشخص شده است که سیاست های فعلی کنترل جمعیت در ایران، در درازمدت، پیری و سالخوردگی جمعیت ایران را در پی خواهد داشت و این خطری استراتژیک برای نظام جمهوری اسلامی ایران است. این مطلب همان چیزی است که مقام معظم رهبری (مدّظله) در سفر به خراسان شمالی نیز متذکر شدند. علاوه بر این، گزارش مبسوطی که شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه کرده است، حاکی از نادرستی سیاست های فعلی جمعیتی در ایران است.

۱- دکترای ارتباطات اجتماعی و مدیر گروه رسانه و مهندسی پیام مرکز تحقیقات صدا و سیما.

ص: ۷۱

آیـا در شـرایط حاضـر بـا توجه به مناسـبات فرهنگی، اقتصـادی و اجتمـاعی شـکل گرفته در جـامعه ما، امکان اصـلاح سـیاست های جمعیتی ناظر به کنترل موالید وجود دارد؟

تجربه کشورهای پساصـنعتی و به ویژه کشورهای اروپایی نشان می دهد زمانی که کشوری در سیکل کاهش رشد جمعیت قرار می گیرد، به دلایل بسـیار متعـدد، خارج شدن از این سـیکل دشوار است. تجربه کشورهای غربی حاکی از این است که با نهادینه شدن هنجارهـای مربوط به کم فرزنـدی و کنترل جمعیت، تشویق جـامعه به بچه دار شـدن، آسان نیست و حتی انواع مشوّق های اقتصادی نیز نمی توانـد تأثیر چنـدانی داشـته باشـد. بی اثر بودن مشوّق های اجتماعی در کشورهای اروپایی باعث شده است که این کشورها برای جبران نیـاز خود به نیروی کـار تـازه نفس، به مهـاجران خـارجی روآورنـد که این مسـئله نیز برای کشورهـای اروپایی عوارض فرهنگی، سیاسی و اجتماعی متعددی داشته است.

با توجه به تجربه کشورهای غربی، به نظر می رسـد جمهوری اسـلامی هشـیارانه متوجه پیامـدهای فعلی کنترل جمعیت شـده است و قبل از اینکه روند رشد جمعیت ایران منفی شود، به تجدید نظر در این سیاست ها روی آورده است. در هر صورت، به نظر می رسد فرصت کافی برای اصلاح سیاست های جمعیتی، همچنان برای جمهوری اسلامی مهیاست و جمهوری اسلامی ایران قادر است تا در فرصت باقی مانـده، این اشـتباه استراتژیک در سـیاست گـذاری های پیشـین جمعیتی را جبران کنـد. پرواضـح است که فرهنگ غنی اسـلامی ایرانی، در این خصوص ظرفیت هـا و توانمنـدی هـای بسیاری دارد و اساساً بـا فرهنـگ و پیشـینه فرهنگی غرب قابل قیاس نیست. مسلماً توجه بیشتر به آموزه های دینی، راه برون رفت از این معضل است.

آیا در فضای کارشناسی کشور اتفاق نظر و درک واحدی در زمینه ضرورت اصلاح سیاست های جمعیتی وجود دارد؟

با توجه به اینکه پژوهش های جمعیت شـناختی، مبتنی بر پژوهش های آماری و عینی است و کمتر قضاوت های ذهنی پژوهشـگران می تواند در این زمینه دخیل

ص: ۷۲

باشـد، اکنون حداقل در میان کارشـناسان، در زمینه ضـرورت اصـلاح سـیاست های قبلی اتفاق نظر وجود دارد. بدیهی است که این اتفـاق نظر، هنوز به توده هـای مردم کشـیده نشـده است؛ زیرا توده هـای مردم نگاه بلندمـدت و استراتژیک ندارنـد و ممکن است با توجه به مشـکلات اقتصادی موجود، به تغییر سـیاست های جمعیتی با دیـده تردید نگاه کنند. در هر صورت، آنچه مسـلم به نظر می رسد این است که در بدنه کارشناسی کشور، با توجه به واقعیت های موجود، درباره اصلاح سیاست های کنترل جمعیت در دو دهه گذشته اتفاق نظر وجود دارد.

بر فرض امکان اصلاح سیاست های جمعیتی در کوتاه مدت، چه راهکارهایی در این زمینه پیشنهاد می کنید؟

راه کارهای اصلاح سیاست های جمعیتی را می توان در وجوه زیر مورد توجه قرار داد:

الف) متوقف کردن کلیه سیاست هـای پیشـین مبتنی بر کنترل جمعیت (نظیر تبلیغـات مرتبـط، متوقف کردن آموزش های مرتبط در کلینیک ها و درمانگاه ها، و قطع تسهیلات و بودجه هایی که برای جلوگیری از افزایش جمعیت صرف می شد؛

ب) در نظر گرفتن مشوّق ها و امتیازهای اقتصادی برای خانواده هایی که می خواهند صاحب فرزند بیشتری شوند؛

ج) اتخاذ سـیاست های فرهنگی و تبلیغاتی مناسب، که ذهنیت های منفی درباره داشـتن چنـد فرزنـد و بچه دار شـدن را برطرف می کنـد. در این زمینه رسـانه هـا و نهادهـای تربیتی و آموزشـی نظیر مـدارس و دانشـگاه هـا، و همچنین نهادهـای دینی و مـذهبی نقش مؤثری دارند.

د) تغییر در سـبک زنـدگی نیز می توانـد در این جهت بسـیار مؤثر باشد. سـبک زندگی دارای دو جنبه عینی و ذهنی است. تغییر در نگرش، ارزش هـا و باورهـا از یـک سـو، و تغییر در نحـوه مصـرف، پوشـش، خـوراک و... از سوی دیگر می تواننـد در این عرصـه تأثیرگذار باشند. البته باید به خاطر داشت که تغییر در سبک زندگی، بسیار کند و بلندمدت است.

ص: ۷۳

نحوه ورود رسانه ملی به این عرصه چگونه بایـد باشـد؟ آیا ورود مسـتقیم رسانه ملی به این عرصه، با هـدف دعوت مردم به افزایش فرزند را صلاح می دانید؟ ورود غیرمستقیم به این حوزه چگونه می تواند باشد؟

اکنون نزدیـک به یـک دهه است که دربـاره مسـئله تعـداد جمعیت ایران، در محافـل دانشـگاهی بحث می شود. بـا این حال، برخی مشـکل جمعیتی ایران را تعـداد جمعیت نمی داننـد، بلکه تراکم جمعیت میداننـد؛ به عبـارتی آن هـا معتقدنـد که جمعیت ایران باید افزایش یابد؛ چرا که ظرفیتهای محیطی و طبیعی آن در کشور وجود دارد، اما باید این افزایش، مبتنی بر آمایش سرزمینی باشد. عدم توازن در توزیع جمعیتی، آسیب زا خواهد بود. آگاهی از این مسئله، بر پیچیدگی سیاست گذاری جمعیتی افزوده است. همین امر، برنامهریزی رسانهای برای پشتیبانی از سیاست های جمعیتی را نیز پیچیده تر کرده است. به نظر می رسد ورود شتابزده و بدون تدبیر رسانه ملی به این عرصه، ممکن است ضـررهای جبران ناپذیری در پی داشته باشد. ورود رسانه ملی به این عرصه باید با دقت و تدبر انجام شود و برای این کار لازم است پژوهش های متعـددی انجام شود. مسـلم است که با توجه به پژوهش های انجام شده می توان در مواردی به صورت مستقیم و در مواردی به صورت غیرمستقیم به این موضوع پرداخت. روشن است که رسانه ملی، از انواع قالب هـای برنامه ای نظیر فیلم، سـریال، مسـتند، خبر، برنامه های گفت وگومحور و... می توانـد برای این موضوع اسـتفاده کنـد. اما اینکه نحوه مطرح شدن این موضوع و پیامدهای گسترده آن در این قالب ها باید به چه صورت باشد، نیازمند پژوهش است.

مسلم است که برای ورود غیرمستقیم رسانه ملی، سیاست های بازنمایی به ویژه در حوزه فیلم و سریال باید بازنگری شود؛ چرا که به نظر می رسد تاکنون این سیاست ها به گونه ای بوده است که قشرهای فقیر (چه به لحاظ ثروتی و چه به لحاظ فرهنگی) را

ص: ۷۴

با خانواده های پرجمعیت بازنمایی کرده است. همچنین باید به خاطر داشت که کاهش یا افزایش جمعیت، در هیچ کشوری هیچگاه به شیوه دستوری نبوده است. اقدامات تبلیغاتی و رسانه ای نیز که پیش از این انجام شده صرفاً نقش کمکی را در این خصوص ایفا کرده اند. به نظر می رسد کاهش یا افزایش جمعیت، به عوامل دیگری همچون شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط باشد.

با توجه به اینکه حوزه و روحانیت، در جا انداختن سیاست ضرورت کنترل موالید نقش مهمی داشته است، آیا استفاده از روحانیان، یا به طورکلی پیام های دینی، برای دعوت مردم به ازدیاد نسل را درست می دانید؟

با توجه به آنچه در پاسخ سؤال پنج آمد، هر نوع ورود رسانه ملی به این بحث، باید با دقت و انجام کار پژوهشی و کارشناسی صورت پذیرد و استفاده از روحانیان و پیام های دینی نیز از این قاعدهٔ کلی نه تنها مستثنی نیست، بلکه با توجه به حساسیت های بیشتری که در این باره وجود دارد، باید با تأمل بیشتری مورد توجه سیاست گذاران رسانه ای قرار گیرد. با این حال مسلم است که روحانیان، نفوذ مهمی بر قشرهای دین دار جامعه ایرانی دارند و استفاده از پیام های دینی می تواند تأثیر بسزایی در مؤثر بودن سیاست های رسانه ملی در حوزه افزایش موالید داشته باشد.

ص: ۷۵

۲. گفت وگو با جناب آقای مهندس محمدرضا جعفری جلوه

۲. گفت وگو با جناب آقای مهندس محمدرضا جعفری جلوه(۱)

سیاستهای جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته در پیش گرفته است، چگونه تحلیل میکنید؟ این سیاستها چه اشکال ها و آسیب هایی داشته است؟

سیاست های جمعیتی رهاسازی و کنترل موالید، به دو دلیل در کشور ما در دستور کار بود: یکی به دلیل سیاست های در پیش گرفته شده قبل از انقلاب، که ابتدا بعد از انقلاب به صورت غیررسمی و در عمل رها شد و بلافاصله در پی بروز عوارض، دوباره رسمیت یافت. لذا از قبل، زمینه ای در میان تحصیل کردگان، نخبگان، جماعت شهرنشین و طبقه متوسط جامعه ما وجود داشت. قسمتی از آن نیز به بعد از انقلاب برمیگردد که دوباره مطرح شد و به زمینه قبلی اضافه شد و سیاست جمعیتی کنترلی غلیظی را رقم زد که در آن از انواع و اقسام روش های آمادهسازی ذهن، کنترل، کاهش و پیشگیری استفاده شد و جنبه های فقهی آن نیز مطرح شد. پس این مطلب به صورت ذهنی به ارث رسیده بود، و به لحاظ ضرورت نیز برجسته شد. اما آیا این سیاست کنترلی که حالا نقد می شود، کلاًـ سیاست غلطی بود؟ به نظرم نگاه درست این است که این سیاست، سیاستی منطقی برای مقطعی خاص بوده و هست و می تواند باشد و سیاستی دائم و درازمدت نیست؛ چراکه در دوره زمانی ویژه ای ممکن است اقتضا کند که سیر

۱- کارشناس رسانه و ارتباطات، مدرس دانشکده صدا و سیما و از مدیران پیشین رسانه ملی.

ص: ۷۶

تبلیغات و فرهنگ سازی به سمت کنترل و محدودسازی سوق پیدا کند، و به دلیل واقعیت ها و شرایط زمانی در مقطع دیگر، در نقطه مقابل. درست ترین رویکرد این است که ما این سیاست های ظاهراً متفاوت را یک سیاست پیوسته تلقی کنیم؛ یعنی کنترل موالید در امتداد افزایش بیرویه موالید باشد و بالعکس. نباید احساس دوگانگی پدید بیاید، یا به تعبیری گمان کنیم اشتباهی بزرگ بود و از ابتدا تا انتها خطا، و ما حالا۔ پی بردیم به اینکه اشتباه کردیم. نه؛ ما نهایتاً در تغییر گرایش و جابه جایی سیاست، تأخیر داشتیم که حضرت آقا این را هم در سخنان خود بیان کردند. یعنی ما باید زودتر از این ها این سیاست را تغییر می دادیم. از نیمه دهه هفتاد، یا حداقل از اوایل دهه هشتاد، تقریباً ده دوازده سال ما غفلت کرده ایم. به نظر من، لحن بیان باید این گونه باشد که آن سیاست ها در مقطع خودش درست بود و فقط غفلتی صورت گرفت که منجر شد به از دست دادن زمان در اتخاذ سیاست مکمل. یعنی بخشی از کار رسانه باید این باشد که به توصیف این قضایا و سیاست های مکمل و پیوسته بپردازد و نقد و بررسیهایش بر مبنای زمان و واقعیات صورت گیرد، نه مطلقانگاریهای شبه کارشناسی و... .

آیا در شرایط حاضر با توجه به مناسبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته در جامعه ما امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی ناظر به کنترل موالید وجود دارد؟

این واقعیتی است که فضای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی موجود، قدری مانع کار است. به سبب تغییر نگرشی که در مردم پدید آمده است، کار شدنی است؛ اما ساده و راحت نیست. زمانی روستاهای ما، شامل خانواده های پرجمعیت می شد. شهرهای مذهبی، خانواده های مذهبی، حتی مناطق دورافتاده تر و فقیر، از کثرت جمعیت رنج می بردند که همه این ها تحت تبلیغات رسانه ای، از یک طرف، و پدید آمدن فرهنگ جدید، از طرف دیگر، و نیز افزایش سطح تحصیلات، افزایش هزینههای زندگی و تغییر سبک زندگی برعکس شده است.

ص: ۷۷

افکار و رفتار عمومی شکل یافته، حالا به عنوان مانع فرهنگی سر راه است. الان اغلب مردم به لحاظ نگرشی، خانواده پرجمعیت را مطلوب نمی دانند و پدید آوردن نسل، تربیت و آینده‌سازی یک و دو فرزند بالاتر را، در توانایی های روحی، فکری و فرهنگی خود نمی بینند. حتی برخی، از آن حیث که خود آشفته اند، باورشان این است که یک انسان آشفته و سرگشته کمتر بهتر؛ لذا سعی می کنند اگر ازدواج کرده اند، فرزند نیاورند و غالباً ازدواج نمیکنند و دلیل می آورند که چرا یک بدبخت مثل خودمان به جامعه اضافه کنیم. حتی پاره‌ای به لحاظ فلسفی، به خصوص در میان تحصیل کرده ها، قشرهای شهرنشین و متجدد دارای این طرز تفکر هستند. این ها بیشتر تحت تأثیر این انگاره های فلسفی و ترس های جدید قرار گرفته اند. خود این مسئله فرهنگی، اعتقادی و نگرشی عامل افزاینده تجرد، طلاق و کاهش موالید است.

یکی از کارهایی که باید اتفاق بیفتد، تغییر در حوزه عقاید است؛ فارغ از اینکه بخواهیم سطح توان مالی خانوار را افزایش دهیم، یا بعضی قوانین دست وپاگیر را بخواهیم تغییر دهیم. این عقاید و نحوه نگرش باید نقد شود و تغییر کند، خاستگاه آن باید شناسایی شود و این پرسش صورت گیرد که آیا ما حق داریم این گونه مبتنی بر یأس و ترس نگاه کنیم؟ البته ممکن است کسی بگوید من با حق کاری ندارم؛ من با واقعیت کار دارم. باید پرسید آیا عقل این را پذیرفته است و آیا تجربه بشر هم همین را می گوید، فارغ از اینکه حق و شرع و وحی چه می گوید؟ این نگرش ها و موانع فرهنگی باید به مثابه عوامل بازدارنده طرح و نقد شود. افزایش سن ازدواج، واقعیتی اجتماعی است که به عوامل گوناگون بستگی دارد؛ یکی از آن ها افزایش هزینه هاست. بخشی از عوامل افزایش سن ازدواج، به قوانین نوشته یا نانوشته ای مربوط است که متوجه نیستیم در این ماجرا مؤثر است؛ فی المثل وقتی برخورداری پسر از کارت پایان خدمت سربازی، یکی از شرایط برخورداری از حقوق شهروندی می شود، طبیعی

ص: ۷۸

است که ازدواج به پس از خدمت سربازی انتقال می یابد. با توجه به اینکه در حال حاضر سربازی ها غالباً پس از تحصیلات دانشگاهی است، ازدواج ها چهار تا شش سال، و گاه حتی تا ده سال به تأخیر می افتد. این خود عاملی نانوشته است. بنابراین اگر پایین آوردن سن ازدواج را یکی از پیش نیازهای افزایش موالید در نظر بگیریم، باید در این قوانین تغییراتی صورت گیرد؛ یا اگر نمی توان تغییر داد، باید آن را به مثابه یک عامل بازدارنده پذیرفت.

به نظر می رسد موانع تشدیدکننده، متعدد و بسیار است و یکی از اتفاقات خوب، پژوهش در عوامل مؤثر در تأخیر ازدواج، کاهش ازدواج و افزایش سن ازدواج، و طبیعتاً بالا رفتن سن باروری است. وقتی سن ازدواج در دختران بالا رفت، قطعاً امکان باروری محدود خواهد شد. یکی دیگر از عوامل کاهش موالید، افزایش طلاق یا کاهش خانواده های پیوسته و باثبات است. لذا افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، قوانین دست وپاگیر آشکار و نهان و غیره واقعیات اجتماعی ماست. گفتیم که بالا بودن هزینه های زندگی را هم در شرایط اقتصادی حال حاضر، خود را به این موضوع تحمیل کرده است. البته چیز دیگری هم اتفاق افتاده است: در گذشته، خانواده های کم درآمد فرزندان بیشتری داشتند و خانواده های پردرآمد، فرزندان کمتر. البته خانواده های پردرآمد با فرزند بیشتر وجود داشته است و برعکس، ولی غالباً اینگونه بوده است. یعنی تعداد فرزندان و درآمد و معاش، چندان با هم رابطه مستقیم نداشتند. الان توقعات هر فرزند و هزینههایی که با خود تحمیل می کند و هزینه های جانبی، این رابطه را مستقیم کرده است؛ یعنی کاهش درآمد، به کاهش فرزند منجر می شود. آیا می توان این را عوض کرد؛ یعنی دوباره به سمت شرایطی برویم که وضع اقتصادی، چندان بر تعداد فرزندان تأثیرگذار نباشد؟ بعید به نظر می رسد و ساده نیست. لذا عامل اقتصادی، تعیین کننده است.

ص: ۷۹

آیا در فضای کارشناسی، کشور اتفاق نظر و درک واحدی در زمینه ضرورت اصلاح سیاست های جمعیتی وجود دارد؟

در پاسخ این پرسش باید بگوییم نسبتاً این اتفاق نظر وجود دارد. خوشبختانه این، از موضوعاتی است که چندان بر سر اصل بحث، مناقشه نیست؛ بلکه ممکن است بر سر فروع آن اختلافاتی باشد. بعضی ها بر این نظرند که وضع جمعیت ما فعلاً فرصتی جمعیتی است؛ یک پنجره جمعیتی که می توان از آن در راستای توسعه و پیشرفت کشور استفاده کرد. البته می گویند اگر فهمیده و استفاده شود. ۱۵ درصد جمعیت زیر ۱۵ سال هستند، ۱۵ درصد بالای ۶۵ سال و تقریباً ۷۰ درصد بین ۱۵ تا ۶۵ سال هستند، که این خود فرصتی بزرگ برای کار، تلاش و تولید است و از آن باید بهره برد. مبادا زمانی بفهمیم و بخواهیم از این استفاده کنیم که این فرصت و ترکیب جمعیتی را از دست داده باشیم. اینگونه بحث های کارشناسی وجود دارد. قریب به اتفاق کارشناسان این موضوع را که شیب کاهش موالید در کشور یک خطر است. پذیرفته اند؛ به ویژه که بعضی مقامات غربی مانند برژینسکی، با صراحت گفتهاند که برای مقابله با ایران چندان به تهدیدها و تحریم ها نیازی نیست؛ خود جامعه ایران دچار آسیبی است که آرام آرام و تدریجاً آن را دچار اضمحلال خواهد کرد، و آن کاهش شدید جمعیت ایران در آینده است. لذا به نظر می رسد جامعه درباره این موضوع از وفاق برخوردار است و ما می توانیم از این فرصت بهره بگیریم و صاحب نظران متعددی را وارد این مباحث کنیم.

بر فرض امکان اصلاح سیاست های جمعیتی در کوتاهمدت، چه راهکارهایی در این زمینه پیشنهاد می کنید؟

به نظر من راهکارها از دل همان تحلیل و تبیین موانع دربیاید. اولاً باید راهکارهای چندوجهی را مدنظر قرار داد: هم باید اقدامات فرهنگی و رسانهای

ص: ۸۰

صورت گیرد، هم در واقعیت اقتصادی و سبک معاش اتفاقاتی رخ دهد و امکانات و سهولت هایی پدید آید، یا نگرش ها و واقعیت های اقتصادی به گونهای تغییر کند که مباحث اقتصادی به عنوان پارامتر اصلی حاکم نباشد. یک وقت واقعیت سر جایش هست، ولی نگاه ما به واقعیت عوض می شود: فقر هست، ولی ما توکل و توسلمان به خدا، خودباوری، امیدمان به آینده، و انگیزه پیشرفتمان افزایش می یابد. لذا افزایش امید به آینده، افزایش انگیزه پیشرفت، افزایش اتکال و اعتماد به خداوند، همه این ها در عین ثابت ماندن واقعیت ها می تواند تأثیر گذارد. طیف اقدامات و راهکارها را که اشاره شده است، به نظر می آید باید مطرح کرد و کانون بحث قرار داد. مسئله شکلگیری و افزایش خانواده های جدید. چگونه ازدواج ها را افزایش دهیم، که این مستلزم سیاست های جدی است. چگونه خانواده های جدید را حفظ کنیم، یعنی طلاق را کاهش دهیم، که این به افزایش زاد و ولد منجر خواهد شد و طبیعتاً در قدم بعد، تشویق خانواده های موجود به فرزند بیشتر آوردن. این ها مهم ترین سیاست ها، اقدامات، و شیوه های حمایتی است که می توان برای اصلاح سیاست های جمعیتی آن ها را به کار گرفت.

برای افزایش ازدواج، باید سن ازدواج را به ویژه دختران پایین آورد. موانعی برای ازدواج دختران در دوران دبیرستان داریم که عرف شده است و خیلی هم سفت و سخت است. اما آیا این امری قطعی است؟ حالا از این بگذریم و بگوییم که به سن ازدواج زیر هجده سال دختران کاری نداریم، ولی باید ازدواج را برای دختران هجده سال به بالا، ممکن کنیم. دختران، به ویژه بعد از دبیرستان و در دوران دانشگاه حتماً باید ازدواج کنند. این مشروط است به اینکه تحصیل دختر، مانع زندگی مشترک و ایجاد خانواده نباشد. اینجا رشته تحصیلی تعیین کننده است. گرایش دختران به رشته ها اینجا تعیینکننده است و باید رشته های متناسب، و به تعبیری، تحصیل در امتداد سرشت و فطرت زنانگی زن، موضوعیت یابد.

ص: ۸۱

اینجا عرصه‌ای است که هم باید کار تبلیغی ترویجی شود، و هم اقدامات اجرایی و سیاستگذاری و وضع قوانین صورت گیرد. کارهایی هم در حوزه اخلاق، و هم در حوزه احکام لازم است.

بعد از تحصیل، مسئله مهم اشتغال است. مسئله اشتغال زنان، خیلی جدی تری از تحصیل آن هاست. درست است که تعداد زنان شاغل جامعه آن قدر زیاد نیست که بگوییم فراگیر است، ولی به هرحال تعداد زنان شاغل و فعال امروز، تعیین کننده و مهم است. در بحث هایی که در چند سال اخیر و در پی طرح موضوع های اقتصادی به عنوان موضوع سال داشته ایم، من بارها به تبلیغ گسترده برای مشاغل خانگی و بسترسازی برای این مهم اشاره کرده ام. از سال گذشته، پیش از اینکه این مسئله پدید بیاید، می گفتم مشاغل خانگی دو نتیجه دارد: یکی رونق تولید، رونق اقتصادی و افزایش درآمد ملی؛ و دوم تحکیم خانواده. زن وقتی درون خانه امکان تحصیل معاش داشته باشد، طبیعی است درون خانه می ماند و خانه سنگر حفاظت شده ای است که موجب تحکیم خانواده خواهد شد. نه فقط زن، بلکه بقیه اعضای خانواده خواهند توانست فعال شوند و خانه منفعل به خانه ای فعال تبدیل خواهد شد. خانه‌ای که در حال حاضر از لذت فراغت، استفاده از تلویزیون و اینترنت و ماهواره لبریز است، می شود خانه‌ای که در آن دار قالی و تولید انواع صنایع دستی برپاست و فراغتی برای بیهودگی باقی نیست. تجربه خوبی که در هنگ کنگ و ژاپن اتفاق افتاد این بود که این ها صنایع جدید را به خانه ها بردند و صنایع الکترونیک درون محلات، خانه به خانه تکمیل میشد؛ یعنی اول شهر اجزای خرد وسایل الکترونیکی پخش می شد و در آخر شهر محصول گردآوری شده به بازار عرضه می شد. به این ترتیب اقتصاد مولدی شکل گرفت و به خانواده هم تحکیم بخشید. قبلاً تافلر در مقام مقایسه، به این

ص: ۸۲

موضوع اشاره داشت و می گفت امریکایی ها با خطر اضمحلال خانواده با این گرایش صنعتی روبه رو هستند و روند اقتصاد صنعتیشان خانواده زداست؛ ولی ژاپنی ها کلبه الکترونیک را به صحنه آوردند و به خانواده تحکیم بخشیدند و همه اجزای خانواده را فعال کردند. این هم نکته‌ای است که به نظر من باید به آن پرداخت و لذا مشاغل خانگی را می توان به ویژه برای زنان تبلیغ کرد. تحصیل مناسب، شغل مناسب و ترویج مشاغل خانگی، در تحکیم خانواده، افزایش ازدواج، کاهش سن ازدواج و افزایش باروری قطعاً مؤثر است.

نکته نهفته ای وجود دارد و آن، تشویق به ازدواج دختران و پسران با اختلاف سنی معنادار است. زمانی ده دوازده سال، بعدها پنج شش سال اختلاف سنی، طبیعی بود. به نظر می آمد این اتفاقی خوب و درست بود؛ چون زن زودتر شکسته می شود و سریع تر به حاشیه می رود و مرد دیرتر. طبیعی است که این واقعیت، خانواده را به سمت گسست و ازدواج های غیررسمی و اتفاقاتی دیگر سوق می دهد و دچار آسیب می شود. در این ماجرا ما باید به این نکته هم دست یابیم که دوباره به این فاصله سنی، البته نه آن قدر زیاد که خود مسئلهساز باشد، بلکه در حد طبیعی سه تا پنج سال رسمیت ببخشیم؛ نه اینکه تحمیل کنیم و بگوییم فقط باید اینگونه باشد. وجه غالب باید این گونه باشد که دختر، زودتر از مرد ازدواج کند.

مسئله دیگر، تحکیم خانواده و کاهش طلاق است که باید برای آن کار رسانه ای وسیعی شود. باید از خاستگاه های گوناگون، دلایل و انگیزه های پدیده طلاق را نقد کنیم؛ از خاستگاه شرعی تا عرفی. باید طلاق را فاجعه و پدیده ای مذموم و سنگین معرفی کنیم تا عده ای نگویند طلاق هم راه حل است. بله گاه راهحل است، اما نه در حد نقل و نبات که در هر خانوادهای که می رویم، می بینیم که این اتفاق رخ داده و موضوع طلاق خیلی راحت شده است.

ص: ۸۳

نحوه ورود رسانه ملی به این عرصه چگونه بایـد باشـد؟ آیا ورود مسـتقیم رسانه ملی به این عرصه، با هـدف دعوت مردم به افزایش فرزند را صلاح میدانید؟ ورود غیرمستقیم به این حوزه چگونه میتواند باشد؟

رسانه باید به بررسـی روند تغییر جمعیت در کشور و سیاستهایی که در این زمینه در پیش گرفته شده است، بپردازد و ضرورت تغییر رونـدی را که در شـرایط گوناگون درباره این موضوع صورت گرفته است، تجزیه و تحلیل کند و به این پرسـش ها پاسخ دهد: چرا این موضوع جـدی شـد؟ آیا سـیاست تحدیـد و کنترل موالید در ایران تحمیلی بود؟ آیا بر اساس غربزدگی و نسـخه وارداتی بود؟ یا برای توسـعه کشور، ضـرورت بود؟ چرا پس از انقلاب و بعـد از یک دوره رهاسازی جمعیت، دوباره سـیاست کنترل جمعیت مطرح شد؟ آیا از رژیم پهلوی به ارث رسید و حواسمان نبود و عجولانه و احساسی به آن تن دادیم، یا ضرورت بود؟ این بحث ها و دلائل مطرح و تجربه کشورهـای دیگر مرور شود و بحث شود تا تغییر سـیاست اخیر و کلیت این رونـد، تجزیه و تحلیل شود. این مقوله ای است که به انحاء گوناگون، البته نه زیاده از حد، میبایست بروز و نمود یابد.

از منظری دیگر و برای اصـلاح نگرش و فرهنگ رفتاری جامعه، ضـرورت دارد ترجیـح تک فرزنـدی و دوفرزنـدی نقد شود و یک سلسـله بحث های ترویجی و ایجابی صورت گیرد؛ به این معنا که ما نمونه های موفق چندفرزندی، چه از قشـر پردرآمد و چه از قشر ضعیف و کمدرآمد جامعه را مطرح کنیم.

آیا رسانه ملی، مستقیم باید به این مقوله بپردازد یا غیرمستقیم؟ به نظرم رسانه باید به هر دو گونه وارد عمل شود؛ هم خیلی صریح و مستقیم در برنامههای مستند، گفتوگوها، خبر و برنامه های دیگر تجزیه و تحلیل، نقد و زمینهسازی کند، و هم به شکل غیرمستقیم و زیرپوستی در برنامه های جذاب به ویژه در فیلم ها و سریال ها به آن بپردازد.

ص: ۸۴

محورهایی که باید به آن پرداخت، پیش از این در صحبت ها عرض شد. خانواده گسترده و خانواده هسته‌ای، ارزش تأهل، ازدواج به هنگام، فرزندآوری به موقع، زیبایی چندفرزندی، تناسب تحصیل و اشتغال زنان، مشاغل خانگی، ویرانگری طلاق، ترسهای بیهوده از فردا از فرزندآوری و اینکه از گذشته دور، مردم فرزندان خود را به دلیل فقر زنده به گور می کردند، تا امروز که باز عده‌ای از ترس فقر سعی می کنند در این ماجرا ترمزکشیده حرکت کنند و الی آخر.

آیا پرداختن به ضرورت افزایش جمعیت از منظر دفاع از کیان جامعه اسلامی یا مقابله با تهدیدهای امنیتی بالقوه و بالفعل پیش روی نظام اسلامی را به صلاح می دانید؟

اولاً- باید سیاستهای اعلامی و اعمالی را از یکدیگر تفکیک کرد و بیتردید مصادیق آمده در سؤال، به عنوان سیاستهای اعمالی مطرح اند، بی حرف و حدیث و گفتوگو. اما از این گذشته این سیاست درست نیست که جمعیت را افزایش دهیم تا فقط تعداد «الله اکبر»گوها افزایش یابد. جمعیت باید زیاد شود؛ چون اقتصاد کشور به آن نیاز دارد. رونق اقتصادی، در خدمت نظام اسلامی و اهلبیت است. نفس«الله اکبر»گوها که ارزش مطلق نیست؛ قرار است تعداد مسلمین و محبین بیشتر باشد تا تعداد نفوسی که قرار است تمدن وحیانی، دینی و اسلامی را یاری برسانند به حد کفایت باشد. باید بگوییم اگر جمعیت کم شود، ما به مهاجرین نیاز پیدا خواهیم کرد و مهاجرت یعنی آوردن فرهنگ ها و عناصری بی تعلق به این اقلیم. الان مشکلی که در امریکا و اروپا وجود دارد، کاهش جمعیت مشارکت کننده در سرنوشت سیاسی و اجتماعی است؛ چون بیشتر جمعیت آن ها مهاجر هستند. مهاجرینی که حاضرند در امریکا زندگی کنند، ممکن است در سبک زندگی و افکار و رفتار مانند امریکایی ها باشند، ولی هیچ وقت به آن سرزمین تعلق خاطر ندارند؛ بنابراین ترجیح می دهند در انتخابات

ص: ۸۵

شرکت نکننـد. کاهش جمعیت، افزایش مهاجرت را در پی خواهـد داشت. چون یکی از دلایل مهاجرت، یافتن کار است. افغانی ها واقعاً تأثیرات فرهنگی در جامعه ما گذاشـته‌اند. هر چنـد فرهنگ ما و آن ها نزدیک بود، تفاوت هایی هم داشتیم. حالا ممکن اسـت ما برای جبران کمبود جمعیت، از مناطق دیگر دنیا مهاجر بپذیریم. این ها باید سیاست های اعلامی ما باشد و طرح بحث از این منظر که اختلاط جمعیتی، اختلاط فرهنگی، فرهنگ پذیری و انفعال فرهنگی، نتیجه کاهش جمعیت و افزایش مهاجرت است.

بـا توجه به اینکه حوزه و روحانیت، در جا انـداختن سیاست ضـرورت کنترل موالیـد نقش مهمی داشـته است، آیا اسـتفاده رسانه از روحانیان یا به طور کلی پیام های دینی برای دعوت مردم به ازدیاد نسل را درست میدانید؟

بنـده، می گویم که بی تردیـد، روحـانیت بایـد مسـئولانه، آگاهانه و شـجاعانه وارد این ماجرا شود؛ چون ما به شـدت به ترویـج این ماجرا و عوض شـدن سـبک رفتاری، در روسـتاها و شـهرهای کوچک، مناطق سـنتی و کلاً در میان قشـرهای مـذهبی، نیاز داریم، و کارکرد روحانیت در این مناطق و عرصـهها خیلی مؤثر است. قطعاً روحانیت باید در این تصـمیم سازی ها از طریق رسانه فعال باشد. ضمن اینکه طرح بحث از سوی روحـانیت، برای شهرنشـین هـا هم لاـزم است. طرح مبـاحث از نگـاه دین، برای طبقه هـای اجتماعی جدیـد و طبقه متوسـط هم لازم است و برای کاهش مادی گرایی، غربزدگی و تجـددگرایی، روحانیت و کلاً کارشـناسان دینی باید وارد این ماجرا شود. ضمن اینکه موضوع، مبانی فقهی و به اصطلاح شرعی و دینی دارد که به نظرم روحانیت باید به این موضوعات بپردازد.

خود مقـام معظم رهبری، به عنوان عـالیترین مقـام روحانی به این عرصه ورود کردنـد، حتی به غفلت در ادامه سـیاست کنترلی اشاره کردند و عذر خواستند. ایشان که به عنوان روحانی، خود را مسئول این کار بداند، طبیعی است که باید

ص: ۸۶

بقیه روحانیت هم بیایند. ولی رفتار آن ها تعیین کننده است؛ بستگی دارد که رفتار گذشته را چگونه تبیین و تحلیل کنند. اگر بگویند از قبل اشتباه کردیم، ممکن است بگویند حاج آقا این دفعه از کجا معلوم که اشتباه نکنید. باید بگویند کجای کار درست بود و کجا و کی اشتباه، و صلاح دین و دنیا کدام است. جامعه آن موقع آن را نیاز داشت، ولی حالا اینگونه است که باید موالید افزایش یابد. این می شود تحلیل هوشمندانه. چون شرع نگاه انعطافی دارد، خود این نشان دهنده انعطاف شرع و نگاه دینی، و به خودی خود مبلغ دین است. بنده معتقدم روحانیت را نباید حذف کرد؛ چون پنهانکاری قشنگی نیست و مضر هم هست، ولی می شود تقسیم کار کرد و کارشناسی های دینی، روان شناختی، جامعهشناختی، جمعیت شناختی، اقتصادی، فرهنگی و... در این عرصه صورت گیرد. به هر حال دانشگاه ها، اساتید و رسانه باید نقش های خود را اجرا کنند و منبر هم نقش خود را، ولی نباید در هیچ جهتی افراط شود؛ مثلاً یک دفعه همه خطبه های نماز جمعه به این موضوع نپردازند و تعدیل شده و با برنامه باشد.

ص: ۸۷

۳. گفت وگو با حجت الاسلام و المسلمین دکتر خیری

۳. گفت وگو با حجت الاسلام و المسلمین دکتر خیری(۱)

سیاستهای جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته در پیش گرفته است، چگونه تحلیل میکنید؟ این سیاستها چه اشکالها و آسیبهایی داشته است؟

سیاست های جمعیتی که در دو دهه گذشته در پیش گرفتیم، سیاست های غلطی بوده است. البته عده ای همان زمان هم با این سیاست مخالفت کردند و کتاب نوشتند، و عده ای هم موافق بودند و حالا با اظهار نظر مقام معظم رهبری متوجه آن شده اند؛ و عده ای هم سکوت کردند و به رغم اینکه آن را قبول نداشتند، چیزی نمی گفتند. بنده از سال ۷۲ در کلاس های دروس جامعه شناسی، با رویکرد انتقادی با این سیاست برخورد می کردم؛ مخصوصاً از نظر به هم خوردن تعادل جمعیتی مذهبی و پیر شدن جمعیت و عوارض و پیامدهای آن به هر صورت این واقعیت است که ما تنها کشور شیعه هستیم که اقتدارمان بر جمعیت و اکثریت شیعی مبتنی است. نباید قضیه مقطعی اقتصادی، ما را اینطور تحت تأثیر قرار می داد و بر پایه اقتصاد و ارزیابی منافع اقتصادی، یا رفاه اقتصادی آن هم با توجیهات سکولاریستی و رویکرد مالتوسی به سیاست گذاری مبادرت کنیم. بر مبنای دینی، جامعه موظف است بر اساس نیاز و امانت داری، از نعمت های الهی، به نحو بهینه بهره برداری کند.

افزایش جمعیت شیعه و نیروی انسانی کشور شیعی راهبرد بسیار مهمی است که نباید اموری چون اقتصاد بتواند آن را از اولویت بیندازد. در زمان دفاع مقدس،

۱- دانش آموخته حوزه و دانشگاه، جامعهشناس و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی نراق.

ص: ۸۸

همین جامعه جوان بود که مهم ترین سرمایه جامعه به شمار می رفت. جبهه را جوان ها اداره کردند، و انقلاب را جوان ها به پیروزی رساندند. ویژگی های جوانی است که می تواند در بحران ها به داد جامعه برسد، و موجب پویایی و حرکت تکاملی جامعه گردد؛ چرا که جوان، هم گرفتار تعلقات نشده، و هم اهل خطر کردن و نوخواه است. این ها واقعیت هایی است که ما از آن غفلت کرده ایم و الان به یک جامعه میانسال رسیده ایم که میانگین سنی آن سی سال است و طبیعتاً اگر این طور پیش برویم، بیست سال دیگر ما کشوری پیر خواهیم داشت که مسائل خاص خودش را خواهد داشت. از جهت فرهنگی صله رحم، پایداری خانواده، مراودات خانواده، عواطف و احساساتی که طبیعتاً در خانواده و تعاملات بین برادر و خواهر و فامیل و امثال این ها اتفاق می افتد، با خانواده دارای یکی دو فرزند اتفاق نمی افتد. این ویژگی های فرهنگی است که جامعه ما را، جامعه اسلامی و از جوامع دیگر متمایز کرده است. سیاست کاهش خانوار باعث شد رکن جامعه دینی که خانواده است، به شدت متزلزل شود. به هر صورت، سیاست غلطی است که می بایست اصلاح شود.

آیا در شرایط حاضر با توجه به مناسبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته در جامعه ما، امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی ناظر به کنترل موالید وجود دارد؟

آنچه ما باید به آن توجه کنیم، برنامه ریزی بلندمدت و اندیشیدن تدبیر است برای اینکه به مرور در بازه زمانی قابل توجهی، اصلاح جمعیتی صورت گیرد، تأکید می کنم که پیام های مستقیم و با حجم زیاد، شاید نه تنها اثر مثبت نداشته باشد، بلکه اثر منفی هم داشته باشد. در کلاسها وقتی این مسئله را مطرح می کنیم، با همین سؤال مواجهه می شویم که آقا ما الان مشکل اقتصادی داریم. پس در وهله نخست، نیازمند کار فرهنگی هستیم. کار فرهنگی هم این نیست که ما الان بگوییم که فعلاً وضع اقتصادی مان بد است، پس سکوت می کنیم هر وقت وضع

ص: ۸۹

اقتصادی مان خوب شد، آن وقت بیاییم این کار را شروع کنیم. نه؛ می شود از الان فرهنگ سازی کرد و فرهنگ سازی هم در بلندمدت جواب می دهد.

آیا در فضای کارشناسی کشور، اتفاق نظر و درک واحدی در زمینه ضرورت اصلاح سیاست های جمعیتی وجود دارد؟

به نظر نمی رسد در حال حاضر در بین کارشناسان؛ به ویژه کارشناسان حوزه جمعیت شناسی، در این زمینه اتفاق نظر وجود داشه باشد، ولی پاسخ تفصیلی به این سؤال و تحلیل دلایل دیدگاه های متفاوت موجود در این زمینه، نیازمند بررسی و مطالعه بیشتر است.

بر فرض امکان اصلاح سیاست های جمعیتی در کوتاه مدت، چه راهکارهایی در این زمینه پیشنهاد می کنید؟

در این زمینه باید هم به راهکارهای بلندمدت، و هم به راهکارهای کوتاه مدت توجه کرد. راهکارهای بلندمدت فرهنگی، از طریق رسانه ها، نظام آموزشی و دستگاههایی که متولی فرهنگ سازی هستند، باید پیگیری شود و این کار آثارش بلندمدت است. اما نباید از راهکارهای کوتاهمدت غافل بود. باید بعضی موانع و محدودیتهایی را که قبلاً ـ ایجاد کرده بودیم؛ برداریم. مثلاً اینکه دفترچه بیمه نمی دادیم، یا تسهیلات ویژه نمی دادیم. چنین اقدامهایی را که در ابعاد اقتصادی و خانوادگی محدودیت ایجاد کرده بود، می توان به مرور برداشت. این ها فشار زیادی به اقتصاد وارد نمی کنند. به مرور باید جنبه های تشویقی افزایش یابد. اگر ما اعتماد مردم را جلب کنیم، کار بزرگی انجام داده ایم. تسهیلاتی که برای آینده فرد در نظر گرفته می شود، می تواند در دستور کار باشد. خود همین نوع تسهیلات، ولو تسهیلات بلندمدت، نوعی فرهنگ سازی می کند؛ یعنی بدون اینکه ما بگوییم آقا داریم شما را تشویق می کنیم به اینکه خانوده تان از جهت تعداد

ص: ۹۰

فرزند بیشتر باشد، عملاً داریم غیرمستقیم کار فرهنگی را انجام می دهیم. کارهای کوتاه مدتی که الان هم گاهی مطرح می شود، مثل افزایش مرخصی دوره زایمان، یا اگر فرزند چهارم به دنیا آمده، امتیاز بیشتری در نظر گرفته شود؛ مثلاً زودتر بازنشسته شود یا پایه حقوقی و حق اولاد او مضاعف گردد، یا از جهت پدر تسهیلاتی مثل وام و اولویت در واگذاری مسکن و افزایش حق مسکن در نظر گرفته شود، یا در جذب و گزینش شغلی دارای اولویت باشند، در مجموع بار مالی چندانی ندارد، ولی مشوّق های خوبی می تواند باشد.

در اینجا نکاتی وجود دارد که باید به آن ها توجه کنیم. مثلاً در آیات قرآن، احسان به پدر و مادر داریم، اما احسان به فرزند نداریم. چرا؟ به خاطر اینکه در پدر، به صورت تکوینی احسان و محبت به فرزند وجود دارد، اما فرزند ممکن است وقتی گرفتار اشتغالات خودش شد خانواده ای تشکیل داد، از احسان به پدر و مادر غفلت کند؛ لذا آن ضعف باید جبران شود. قرآن با رویکرد فرهنگی و رفع نقاط ضعف آدمی، روی احسان به پدر و مادر تأکید می کند؛ درحالی که سیاست گذاری فرهنگی ما از این رویه قرآنی درس نگرفته بود. درحالی که فضای جهانیِ القاشده در فیلم ها و سریال ها بر شکستن حرمت خانواده پی ریزی شده، ما به جای مقابله با آن، با سیاست کنترل جمعیت با این جریان هم صدا شدیم و آب در آسیاب دشمن ریختیم؛ یعنی به این قصه کمک کردیم، یعنی اینجا خطای ما مضاعف بود. ما حتی اگر سیاست کنترل موالید را هم نداشتیم، جوّ عمومی علیه خانواده بوده و هست. با این فیلم ها و سریال ها و رسانه ها و تعاملاتی که پیش آمده و اشتغالات و تقسیم کار و شهرنشینی و خاصیت تخصصی شدن کارها، خودبه خود به این سمت پیش می رود که خانواده هسته ای شود. اما ما باید تلاش کنیم جلوی شدت و در واقع سرعت آن را بگیریم. اگر برخی کشورها دارای نرخ رشد بالای دو هستند، ما بیاییم قدری بیشتر از آن را سیاست گذاری کنیم.

ص: ۹۱

باید به این نکته هم توجه کنیم که همه چیز در اختیار ما نیست، که هر وقت خواستیم آن را تغییر دهیم. چیزی که در فرهنگ جامعه ای جا افتاد، به سختی می توان آن را تغییر داد؛ به همین خاطر نباید مشکلات امروز، ما را باز دارد که کار فرهنگی مناسب برای فردا انجام دهیم. کار امروز ممکن است ده سال دیگر جواب دهد. نباید نگران این باشیم که الان بگوییم شما دو تا بچه را سه تا بکنید، فردا بگوییم وضع اقتصادی ما چه می شود. نه؛ این به مرور جواب می دهد و کار بلندمدت، طبیعتاً باید در اولویت باشد؛ ولی از کار کوتاهمدت از قبیل کارهای رسانه ای نباید غافل بود.

البته سیاست ها باید فرهنگی و مشوّقانه باشد، نه قهری و محرومیت زا؛ مثلاً برکناری از کار به خاطر مجرد بودن، که باعث ایجاد ناامنی روانی اجتماعی شود. ثانیاً جواب هم نمی دهد و به اقتدار دینی و ملی ما هم ضربه می زند. اما سیاست های تشویقی، مثلاً اولویت دادن به متأهلین قطعاً خوب است و اثر تشویقی دارد و کسی را از حقی محروم نکرده ایم. وقتی برای بچه دار امتیازی در نظر بگیریم، عملاً نشان داده ایم که از افزایش جمعیت خشنود شده ایم. وقتی کمی فرزند را تشویق می کردیم، بچه دوم و سوم که به دنیا می آمد، فرد خجالت می کشید. گویا نابهنجاری رخ داده است. پرستیژ این است که بگویم یک بچه دارم. سیاست ما باید طوری باشد که این اثر خنثی گردد.

امروزه به صورت طبیعی، جامعه به این سمت پیش می رود که خانمها و آقایان نگران بدن و سلامتشان باشند. بحث جامعه شناسی بدن و امثال این ها، در جهان داغ است. طبیعتاً این طرز فکر و احساس، به ایران هم آمده است. با سیاست گذاری درست، باید کاری کنیم که لذت بچهدار شدن، لذت خانوادهدار شدن، لذت اینکه وقتی این چنین جمع هایی اتفاق می افتد، آمد و شد اتفاق می افتد چقدر خوشی و خرمی به دنبال دارد، در ذائقه افراد حس شود. از آن طرف وضع افرادی که از این

ص: ۹۲

نعمت ها محروم اند، از قبیل مواجه شدن با افسردگی، خودکشی، تلخی زندگی و بی روح شدن خانواده برجسته شود. توجه دهیم به اینکه این همه تقلا ـ کردن برای اینکه افراد در غرب، خود را روی پا نگه دارند، برای این است که نگران پیری و بی کسی خود هستند؛ پس ظاهر آن نشاط و ورزش و دوچرخه سواری است، در حالی که روح آن به نگرانی برمی گردد. نگرانی از آینده باعث شده که فرد این همه تقلا کند و زحمت بکشد، تا خودش را جوان و سر حال نگه دارد؛ یعنی عذابی که می کشد، بیش از لذتی است که می برد. ما بیاییم آن را به نحوی برجسته کنیم و طبیعتاً این ها می تواند بسیار مفید واقع شود.

نحوه ورود رسانه ملی در این عرصه چگونه باید باشد؟ آیا ورود مستقیم رسانه ملی به این عرصه با هدف دعوت مردم به افزایش فرزند را صلاح میدانید؟ ورود غیرمستقیم به این حوزه چگونه میتواند باشد؟

بله، قطعاً رسانه، هم می تواند در جهت تشویق خیلی مؤثر واقع شود، هم واقعیت ها را محسوس و عینی ارائه کند. مثلاً بدون اینکه مستقیم بگوید پیام ما این است، همین را منعکس کند که با کمی فرزند در خانواده، چه اتفاقاتی می افتد. نشان دهد واقعاً چه اتفاقی می افتد وقتی که خانواده ای یک یا دو فرزند داشته باشد، بعد یکی یا هر دو مریض شود و از دنیا برود؛ یعنی نشان دادن بدبختی و افسردگی این خانواده؛ یا نشان دادن این موضوع که وقتی فرزندان کم هستند و یکی از آن ها به شرق و یکی به غرب می رود، چه اتفاقی در خانواده می افتد. هیچ کس نمی تواند بگوید در بیان خطابه ای و موعظه ای، چنین پیام هایی تأثیر ندارد؛ اما در لابه لای فیلم ها، کلیپ ها و امثال این، برنامه های رسانه ای می شود، این پیام ها را برجسته کرد. از آن طرف، نشان دادن نشاط و لذتی که می تواند خانواده داشته باشد، آمد و شدی که اتفاق می افتد و نشان می دهد جمعیت زیاد است ولی شاد هستند، مردم را تشویق می کند. این ها خیلی مهم است.

ص: ۹۳

بحث دیگر، الگوهاست. گاهی وقت ها، الگوی بسیاری از این افراد، همین سوپراستارهای فیلم ها و امثال این ها هستند. ما متأسفانه در زمینه وضعیت هنرپیشه ها، نه از جهت خانواده، نه از جهت تعداد، وضعیت خوبی نداریم. اصلاح سبک زندگی آنان و تغییر الگوها می تواند مفید واقع شود.

الگوسازی از چهره های غربی یا چهر ه های فعال اجتماعی که چند بچه دارند، مؤثر است. الان بسیاری از مشهورترین بازیگرهای هالیوود، حتی خانم های بازیگر مشهور هالیوود، زیر چهار بچه ندارند. وقتی لذت بچهدار شدن را چشیده اند، به یکی دو تا هم راضی نشده اند. خانم سوپراستاری مثل آنجلینا جولی چهار بچه به دنیا آورده و تعدادی از بچه های بی سرپرست در کشورهای آفریقایی را به سرپرستی گرفته است. حتی خیلی از بازیگرها، سوپراستارها و خواننده های موسیقی این گونه اند. اخیراً در خبرهای شبکه های ماهواره ای شنیدم که برنده جایزه گرنمیک که جایزه اسکار موسیقی جهان است، خانمی بود که با فردی ازدواج رسمی کرده بود و شش ماه بعد از ازدواجشان بچه دار شدند. او به مدهای خانم های حامله، لباسهای مخصوص فشن، و مدهای مخصوص خانمهای باردار خیلی اصرار دارد. یعنی تهدیدی که ما امروز فهمیدیم، دنیا پیش تر فهمید. رسانه های غربی دیگر آن قبح را ندارد، یعنی ترویج سبک زندگی بارداری برای خانم ها، دیگر در رسانه های غربی قبح ندارد. رسانه واقعاً می تواند مؤثر باشد.

در هر صورت، رسانه باید از ارائه پیامهای مستقیم خودداری کند. به نظر من، بدترین نوع پیامرسانی، پیامرسانی مستقیم است، که دلزدگی ایجاد می کند. باید به مرور پیامهای رسانه به این سمت برود که روی خانواده، روابط و مناسبات، و آدابِ معاشرت تأکید کند و اینکه وقتی خانواده افراد بیشتری داشته باشد، چگونه به سرپرستی افراد می رسند، و از آن طرف، وقتی کم تعداد باشند، چطور مشکلات خانه سالمندان پیش می آید. خانه سالمندان واقعاً مشکل است. نباید این پدیده

ص: ۹۴

مشوّق داشته باشـد. بعضـی وقتها می گوینـد جامعه دارد به این سـمت می رود؛ پس ما باید طوری قصه را روان کنیم که فرزندان با طیب خاطر، پدر و مادرشان را به خانه سالمندان ببرند. اتفاقاً بالعکس؛ ما باید در عین حال که عملاً به خانه سالمندان می رسیم، اما تلاش کنیم احسان به والـدین را با سرپرستی آن ها نهادینه کنیم و این نیازمند هماهنگی سیستم فرهنگی، مقنّنه، آموزش و پرورش و... است.

بـا توجه به اینکه حوزه و روحـانیت در جا انـداختن سیاست ضـرورت کنترل موالیـد نقش مهمی داشـته است، آیا اسـتفاده رسانه از روحانیان یا به طورکلی پیامهای دینی برای دعوت مردم به ازدیاد نسل را درست میدانید؟

نقش روحانیون در رسانه، یک وقت ارائه پیام مسـتقیم است. من ارائه پیام مسـتقیم را صـلاح نمی دانم؛ مخصوصاً اگر خواسته باشیم مسـئله ای را دائم مطرح کنیم. همه می داننـد که مقـام معظم رهـبری این موضـوع را مطرح کرده انـد. تکلیـف مـا تکرار گفته هـا و فرمایشات ایشان نیست؛ بلکه عملیاتی کردن آن ها است. لذا پیام های رسانه ای هم باید غیرمستقیم باشد. هرازچند گاه ممکن است برای اینکه این قضیه خاموش نشود، کسی بگوید؛ ولی دائم دامن زدن و ارائه پیام مستقیم، قطعاً کار درستی نیست. در بحث تکلیف روحانیت در غیر رسانه، مساجد و امثال اینها، باید فضا را دید. گاهی به مصداق شـعر «از قضا سرکه انگبین صفرا فزود» اقدام های ما نتیجه عکس می دهد؛ یعنی همین که روحانیون موضوع ضـرورت افزایش جمعیت را مطرح کنند؛ ممکن است عده ای بگویند: این ها نفسـشان از جای گرم بلنـد می شود، این ها خودشان دارنـد و نمی داننـد وضع اقتصادی ما چطوری است. لـذا چه ضـرورت دارد وقتی مخاطب حرف را نمی پـذیرد، شـما مطرح کنیـد؟ به روحانیون هم بایـد توجه داد که در همان جا می شود غیرمسـتقیم رفتار و سیره ائمه علیهم السـلام را در کثرت جمعیت شـیعه مطرح کرد بدون اینکه بگویند آقا شـما هم اینطوری باشـید. مثلاً امام کاظم علیه السلام این کار را انجام می داد، علما

ص: ۹۵

اینطور بودند، بچه هایشان اینجور شدند؛ یا در مثالهایشان بگویند آنجا که خانواده متلاشی شده، نگرانیهایی که برای این ها وجود دارد چه بوده است. یعنی پیام های غیرمستقیم لابهلای صحبتها خیلی مفید است، اما اینکه بگوییم فلانی اینجور شده، اینجور باید بشود؛ مردم میانه خوبی با «باید» ندارند. خوب است راه نشان داده شود، ارشاد غیرمستقیم صورت بگیرد؛ آن ها خودشان راه را پیدا می کنند. روحانیت هم همین طور است. البته فضاها متفاوت است.

ص: ۹۶

۴. گفت وگو با جناب آقای علیرضا رضاداد

۴. گفت وگو با جناب آقای علیرضا رضاداد(۱)

سیاست های جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در این دو سه دهه، در پیش گرفته است، چگونه تحلیل و بررسی می کنید و به نظر شما این سیاست ها چه آسیب ها و مشکلاتی داشته اند؟

من در حوزه مسئله جمعیتی خیلی ورود و اشراف ندارم و موضوع تخصصی دوستانی در حوزه دیگر است. اما آنچه در این زمینه قابل توجه است، نسبت رسانه با این سیاست هاست. میدانیم که رسانه ها ممکن است سیاستی غلط را طوری برای مردم توجیه کنند که درست تلقی شود و آن را نزد مخاطبین موجه جلوه دهند؛ یا نسبت به امری صحیح به گونهای برخورد کنند که غلط جلوه کند؛ گو اینکه این وارونه نمایی در رسانه ها کوتاه مدت و موقت است، که از حوزه این بحث خارج است. اما در همه موارد باید تحلیلی از نسبت یک موضوع با جامعه و فرآیند های اجتماعی داشته باشیم تا هم درباره نقش رسانه به اشتباه نیفتیم، و هم بدانیم ظرفیت رسانه در باره هر موضوع به چه میزان قابل ارزیابی است. برداشت من این است که با توجه به جریانات اجتماعی که در سی سال اخیر وجود داشته است، بحث سیاست های جمعیتی، پیش از آنکه برگرفته از جریانات رسانه ای باشد، برگرفته از نوسانات جریانات اجتماعی بوده است؛ یعنی مردم و مخاطبین خیلی متاثر از فعالیت و فرایندهای رسانه ای نبودهاند، بلکه شرایط اجتماعی و مسائل اقتصادی به همراه فرایندهای اجتماعی کمک کرد تا مردم به

۱- کارشناس رسانه و ارتباطات و از مدیران پیشین رسانه ملی.

ص: ۹۷

این نتیجه برسند که باید رفتار خود را در زمینه فرزندآوری به شکل موجود تغییر دهند و به تعبیری، سیاست کنترل جمعیت را در پیش گیرند.

پس دیدگاه شما این است که کاهش شدید جمعیت که ما در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد به آن رسیدیم، ناشی از اقدامات نظام جمهوری اسلامی نبود، بلکه ناشی از تغییر سبک زندگی مردم بوده است؛ یعنی مردم به اقتضائات اقتصادی و فرهنگی به این سمت رفتند و حتی رسانه هم چندان نقشی نداشته است؟

من فکر می کنم برای پاسخ به این سؤال، باید پژوهش مستقلی انجام گیرد؛ ولی استنباط ذوقی من این است که اقدامات نظام جمهوری اسلامی که البته همه آن ها الزاماً رسانه ای نبود و حتی برخی از آن ها رسانه ای هم نشد، در این زمینه بی تأثیر نبود؛ اما شرایط آن از سالهای قبل از انقلاب حداقل در جامعه متوسط شهری کاملاً آماده شده بود و برخی علایق و شرایطی که پس از انقلاب در جامعه ایجاد یا تشدید شد، مثل حضور جدی تر بانوان در عرصه های اجتماعی و ایجاد زمینه های جدی تر برای تحصیل بانوان و مسائل زیاد دیگری از این دست، نقش بیشتری در ایجاد این موقعیت داشته است. اتفاقاً چون من آن زمان در رسانه فعال بودم، به یاد دارم از سوی نهادهای بیرون از رسانه، خیلی به رسانه انتقاد می شد که چرا رسانه به شکل جدی به این موضوع ورود نمی کند. استدلال مدیران رسانه هم این بود که این موضوعی نیست که رسانه بخواهد داعیهدار اول آن باشد و اگر لازم است به آن پرداخته شود، باید در جریانات اجتماعی بیرون از رسانه بیشتر به آن پرداخته شود. من فکر می کنم اگر آن سیاست، سیاست نظام بوده است، تحققش در اختیار نهادهای اجتماعی یا مدیریت های بیرون از رسانه بیشتر بوده است تا در اختیار خود رسانه. معنای این سخن، انکار فعالیت و نقش رسانه نیست و قطعاً رسانه بدون سهم نبوده است؛ ولی سهم اول را نباید به رسانه داد. شاید رسانه بازتاب دهنده فعالیت های جریانات اجتماعی بیرون از رسانه بوده و نقش کمک کننده به انجام این سیاست ها

ص: ۹۸

داشته است؛ خصوصاً اینکه رسانه در آن زمان به ویژه در ساعات و ساختار های برنامه ای پرمخاطبتر، به جهت حساسیتهای گوناگون موجود در جامعه با محدودیت های زیادی روبه رو بود. اما اگر بخواهیم سهم واقعی رسانه را از سهم سایر نهادهای اجتماعی یا دولتی، تفکیک کنیم، باید حتماً با مخاطبین در ارتباطی مستمر و مستقیم قرار گیریم تا معلوم شود چه بخش از این تحولات جمعیتی ناشی از فعالیت های رسانه ای بوده است. همچنین معلوم شود که آیا اگر رسانه در این زمینه سکوت می کرد و نسبتش با این سیاستها خنثی بود، آیا امروز نسبت جمعیتی ما متفاوت بود یا خیر؟ البته من فکر نمی کنم در این صورت هم نسبت جمعیتی مان خیلی متفاوت بود.

یعنی شما خیلی قائل به نقش رسانه در آن مقطع نیستید؟

قائل به نقش رسانه هستم، ولی سهم آن را زیاد نمی دانم.

در حال حاضر شرایط با شرایط مقطع دهه شصت و هفتاد متفاوت است. در آن مقطعی که ما می خواستیم به سمت کاهش جمعیت برویم، عوامل اجتماعی مانند عوامل فرهنگی، اقتصادی، تغییر سبک زندگی، همراه این موضوع بود، ولی در حال حاضر، سبک زندگی مردم و نگرش عمومی مردم برخلاف سیاست کاهش جمعیت است و چون در حال حاضر باید تغییر نگرش در جامعه اتفاق بیفتد، قطعاً نقش رسانه خیلی مهم تر است. در حال حاضر رسانه باید یک جریان اجتماعی را کاملاً برعکس کند. بنابراین، این پرسش مطرح است که در این فضا چقدر در عمل می توانیم انتظار داشته باشیم رسانه ملی بتواند تغییر نگرش ایجاد کند و در صورت مثبت بودن پاسخ، رسانه از چه روش هایی برای این تغییر نگرش می تواند استفاده کند؟

در بحث رسانه توجه داریم که هیچ چیزی صفر و صد نیست. قطعاً همان گونه که در ابتدای این گفت وگو طرح شد، رسانه که در این بحث منظورمان رادیو و تلویزیون است نه سایر رسانه ها می تواند تأثیر داشته باشد؛ ولی باید دید در

ص: ۹۹

حال حاضر در چه فضایی قرار داریم. حتماً باید پژوهش مستقل دیگری صورت گیرد تا آن پژوهش بتواند مقدمه گفتوگوی ما قرار گیرد و ببینیم دیدگاه مخاطبین رسانه که در بحث ما عموم جامعه هستند درباره این تغییر نگرش چیست و آیا آن ها هم آوا با این دیدگاه هستند یا نه؛ فارغ از اینکه این دیدگاه درست است یا خیر. بر اساس دادههای این پژوهش است که میتوانیم درباره نقش رسانه بهتر صحبت کنیم؛ چرا که امروزه بسیاری از ارزش ها و نیز شکل و رنگ آن ها تغییر کرده است و مخاطبین و طیفهای گوناگون جامعه نسبت به این موضوع دارای دیدگاههای مثبت و منفی مختلف هستند. لذا باید دید بر اساس دسته بندی های رایج، مخاطبین گوناگون امروزه دیدگاهشان نسبت به این موضوع چیست و چقدر در این مسئله هم آوا هستند و آن ها که هم آوا نیستند چه دلایلی دارند. این فوری ترین مسئله ای است که می تواند زمینه بسیاری از پژوهش های دیگر را فراهم کند. حتماً من و شما اتفاق نظر داریم که برای تأثیر بلندمدت، رسانه چاره ای ندارد که از روش های اقناعی در ارتباط با مخاطب خود استفاده کند. آن وقت آن پژوهش به ما کمک می کند که ما بر روی کدام محورها، روش های خود را بیشتر متمرکز کنیم. به نظر من بدون وجود بسترهای اجتماعی و جریانات اجتماعی، رسانه به تنهایی نمی تواند نقش کافی داشته باشد و چون رسانه تنها می تواند نقش مکمل داشته باشد، اگر بخواهیم همه مسئولیت ها را به رسانه واگذار کنیم، خیلی در این زمینه توفیق پیدا نمی کنیم. متأسفانه بسیاری از افراد که در کشور تأثیرگذار هم هستند، به دلیل عدم اشراف بر نقش و کارکرد رسانه ها، خیلی از مواقع انتظار دارند همه سهم را رسانه ها به عهده بگیرند. این امکان پذیر نیست. فلذا اگر ما بخواهیم دقیق تر به مسئولیت های رسانه پی ببریم، باید کالبدشکافی دقیق از موضوع کنیم و ببینیم مخاطبین رسانه در گروه های مختلف و به خصوص گروه های مرجع که درصد تأثیرگذاری شان بیشتر می تواند باشد، الان نسبت به این موضوع چه دیدگاهی دارند، به نظر آن ها موانع تحقق

ص: ۱۰۰

این موضوع چیست و آن ها برای دیدگاه های خود چه دلایل دارنـد، تا بر اساس آن بشود نقش و سهمی صحیح و پایدار را برای رسانه، متفاوت از اقدامات جریانات اجتماعی و در عین حال مکمل آن ها تعریف کرد.

قبل از اینکه پژوهشی در این موضوع انجام شود، بیاییم پیش فرضی برای گفت وگویمان در نظر بگیریم که الان در حال حاضر نگرش مردم نسبت به افزایش جمعیت، نگرش منفی است حداقل در بین نخبگان و وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه مانند اشتغال و مسکن و به طورکلی سبک زندگی مردم، برخلاف جریان افزایش جمعیت است، به ویژه در حوزه نخبگان که به خاطر اشتغالاتشان و دغدغه هایی که از حیث تربیت و آموزش و پرورش فرزندانشان دارند، کمتر به فرزندآوری رغبتی نشان میدهند. از طرف دیگر، تأکید رهبری هم بیشتر توصیه به فرزندآوری نخبگان است؛ چون جامعه به جمعیت کیفی نیازمند است. اگر ما این فرض را در نظر بگیریم که یک جامعه هدف با این نگرش نسبت به افزایش جمعیت داریم و یک جامعه مخاطبِ اولویت دار هم داریم که جامعه نخبگان هستند، که باید نگرش آن ها را تغییر داد و اقناع سازی به صورت پیام در آن ها اتفاق بیفتد، با این فرض رسانه باید چگونه عمل کند؟

رسانه باید در اتخاذ روش ها و شیوه ها به دو اصل برگرفته از تئوری ها، هم به دقت توجه کند و هم به کار گیرد و آن توجه به ایجاد فضا و شیب حرکت است. اگر ما بدون توجه به وجود یا عدم وجود فضای مناسب در طرح موضوع، شتاب زده وارد موضوعی شویم، یا زمان بندی مناسبی در میزان و حجم توجه به موضوعی نداشته باشیم، تردید نکنید که نه تنها به حل معضلی کمک نکرده ایم؛ که در جهت عکس آن حرکت کرده ایم. در بسیاری از زمینه ها که رسانه نتوانسته است علی رغم پرداختن به آن موضوع توفیق پیدا کند،

ص: ۱۰۱

ناشی از بی توجهی یا کم توجهی به این دو مسئله است. لذا به نظر من در این مقطع، رسانه فقط باید فضای گفت وگو ایجاد کند و از رفتارهای تکرار و تهاجمی که یکی از روش های معمول اقدامات رسانه ای است، حتماً باید پرهیز شود. مهم ترین اقدام در این زمینه، ایجاد فضای گفتوگو با شیبی منطقی است که شیب آن هم بر اساس دریافت از داده های مخاطبین قابل طراحی است. منظورم فقط ساختن برنامه های گفت وگومحور نیست. اتخاذ روش اقناعی برای ایجاد فضای مناسب، دارای کارآمدی بیشتر است. باید موقعیت هایی در رسانه برای همه آنهایی که به این مسئله واکنش مثبت یا منفی دارند، ایجاد شود تا به شکل مفید نظریات خود را مطرح کنند. باید همه مستندسازان بتوانند درباره جنبه های سیاستی که در پیش گرفته شده بوده، به صورت مؤثر برنامه های مستند بسازند، یا برنامه سازان نمایشی بتوانند به جنبه های منفی یا مثبت وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب بپردازند و تا مدت ها فقط باید به چنین روش هایی در رسانه عمل کرد و اگر قبل از اینکه مردم یا مخاطبین رسانه به ویژه جریان نخبگان که وجهه نظر اصلی این موضوع هستند، نسبت به این تغییر سیاست ها متقاعد شوند، از روشهای دیگر در رسانه استفاده شود، قطعاً به نتیجه مناسبی دست نخواهیم یافت. به موازات این متقاعدسازی، رسانه باید مطالبات مخاطبین از نهادها و نظام های اجتماعی را مطرح و از منظر مخاطبین به موضوع توجه کند. نهادها و سازمان های مسئول باید به سؤالات مخاطبان و به درخواست های آنان پاسخ منطقی بدهند تا همه دغدغه های منطقی که مردم در زمینه افزایش جمعیت دارند برطرف و زمینه تغییر سیاست در این زمینه فراهم شود؛ والّا مثل بسیاری از توصیه های حکیمانه دیگر، در حقیقت رسانه به تکرار همان مطالب دچار و گاه به ضد خودش تبدیل می شود و مردم و مخاطبین نسبت به آن ها نه اقناع می شوند، و نه واکنش مثبت نشان می دهند.

ص: ۱۰۲

درباره سیاست ایجاد فضای گفتو گو در رسانه که فرمودید، این پرسش مطرح است که اگر بخواهیم با همین سیاست در برنامه های نمایشی پیش برویم، این قبیل برنامهها با چه رویکردی می توانند به این موضوع بپردازند تا هدفی که شما گفتید محقق شود.

مثالی بزنم: در شب یلدا، برنامه آقای علیخانی خانواده ای را آورد که پنج فرزند داشتند و از این موضوع خیلی هم خشنود بودند. آن آیتم دو پیام داشت: یکی اینکه می شود تعداد فرزند زیاد داشت و زندگی لذت بخش هم داشت. دوم اینکه برای اداره این خانواده، خیلی ها قرار بوده و باید کمک میکردند و نکردند و آن خانواده همچنان دارای مشکلاتی بود. هرکدام از این دو رویکرد، در برنامه های نمایشی هم میتواند اتفاق بیفتد. در برنامه های نمایشی یک نکته هم مهم و قابل توجه است و آن فاصله گرفتن از سفارشی سازی است. منظورم این نیست که تلویزیون خودش منفعل باشد، بلکه منظورم این است که لحن سفارش در برنامه های نمایشی به دلایل گوناگون که یکی از مهم ترین آن ها ناتوانی ماست، معلوم است و این گونه برنامه ها نه فقط مفید نیست، که زیانش بیشتر هم می شود و این از مسائلی است که من می گویم رسانه در بسیاری از زمینه ها از نظر آماری فعالیت داشته، اما به میزان تلاشش تأثیر نداشته و گاه از تلاشش نتیجه منفی گرفته است. همه چیز هم می تواند اتفاق بیفتد و از این جهت برنامه های نمایشی با سایر برنامه ها فرقی نمی کنند. مهم این است که مثلاً ـ فیلمنامه نویسان که بنیان گذاران نطفه برنامه های نمایشی هستند، به عنوان بخشی از نخبگان، دغدغه این موضوع را پیدا کنند.

بخشی از کار رسانه، کار روی دست اندکاران خود رسانه است. ما در بسیاری از این زمینه ها نسبت به این موضوع بی توجه هستیم. چون ارتباط رسانه با نخبگان جامعه کم وبیش قطع است و ما داریم از لایه های میانی جامعه بهره می گیریم، طبیعی است که تأثیری بر نخبگان رسانه ندارد. فرض کنید بین مدیران گروههای برنامهساز سازمان برویم. اگر فضای امنی ایجاد شود و از آن ها بپرسند شماها چقدر این سیاست را می پذیرید و چقدر حاضرید در زندگی خودتان این سیاست را اعمال کنید، من

ص: ۱۰۳

فکر نمی کنم واکنش خیلی از دست اندرکاران اصلی رسانه به این موضوع در حال حاضر واکنش مثبت باشد. و آن ها خودشان پذیرفته باشند و از آبشخورهای درستی نسبت به این موضوع سیراب شده باشند. و اگر گفتوگوی اصلی داخل رسانه این سنخ گفتوگوها نباشد قطعاً بر روی برنامه ها هم تأثیر جدی نمی گذارد و بعد دچار سفارش دهی، سفارشی نویسی، سفارشی گویی می شویم که هیچ کدام از آن ها تأثیر ندارد. بنده تاکیدم بر این است که تا وقتی آن فضای اقناعی به وجود نیامده است، نمی توانیم انتظار تحقق تغییر سیاستی را داشته باشیم و اصلی که می تواند در دوره ای دیگر مطرح شود و به آن توجه جدی شود و از آن به عنوان راه حل استفاده شود، تخریب می شود و تا مدت ها دیگر نمی شود سراغ آن رفت. لذا بیشترین تأکید من با توجه به شناختی که از وضعیت فعلی رسانه دارم این است که اگر نمی خواهیم کار بنیادی و درستی انجام دهیم و اگر نمی خواهیم بر مبنای پژوهش های صحیح، خط مشی رسانه را انتخاب کنیم، از شعارزدگی و از طرح موضوعاتی که زمینه های اجتماعی اش فراهم نیست، حتما پرهیز کنیم. بنده فکر میکنم بهترین کمک رسانه به اجرای بسیاری از سیاست ها و راهنمایی ها و توصیه ها، پرهیز کردن از کارهای بدون پشتوانه و شتاب زده است.

نکته دیگری که در کار رسانه مطرح است، استفاده از حضور روحانیت و بهره گیری از آموزه های دینی در این موضوع است. چون به هر حال در مقطع کاهش جمعیت، به شدت از حضور روحانیت و آموزه های دینی استفاده کردیم. حتی مسئولان سازمان های بینالمللی هم اذعان دارند که در ایران روحانیت نقش مهمی در کاهش جمعیت داشته است. با توجه به آن پیشینه، در حال حاضر ورود روحانیت به این موضوع مخصوصاً استفاده رسانه ای از روحانیت و آموزه های مستقیم دینی برای دعوت مردم به افزایش جمعیت، چقدر می تواند مفید و پاسخگو باشد؟

به نظر من به دلایل گوناگون، با توجه به نقش اجتماعی روحانیت در کشور ما، جدا از نقش دینی آنها، اجرای بسیاری از سیاستها و از جمله این موضوع امکان پذیر

ص: ۱۰۴

نیست. چون ارتباط نفس به نفس مردم با روحانیت، خیلی متفاوت است با ارتباطی که رسانه با مردم دارد. اما باید توجه داشت که آنان نیز در این زمینه معلوم نیست چه میزان هم آوایی داشته باشند، یا فکر کنند که به سرعت و بدون تحقق پیش زمینه هایی بتوان تغییر سیاستی را پیش گرفت. اتفاقاً همان ارتباط نزدیک روحانیون با مخاطبین، آن ها را بیشتر متوجه سؤالات و مشکلات مردم کرده است. امروز میبینیم که مسئله اصلی مراجع تقلید و سایر روحانیون، گرانیها و جریانات اقتصادی است. این ناشی از ارتباط مستمر آنان با مردم است. لذا تا بسترهای اجتماعی فراهم نشود، به مصلحت خود روحانیت هم نیست که وارد این عرصه شود. همان طور که تأکید کردم، در منظر من الان نیاز به رفع مشکلات مردم در حوزه اجتماعی برجسته تر شده است و گمان می کنم تا بسترهای اجتماعی این مسئله فراهم نشود و تا نتوانیم به سؤالات مردم درباره آن دغدغه ها پاسخ های اقناعی بدهیم و گامی در این زمینه برداریم، گامی در جهت معکوس جلوه دادن این سیاست برداشته ایم. شما ببینید امروز علما در نماز جمعه و مساجد، همه جا به عنوان جریانی مثبت از حقوق مردم دفاع می کنند و مسئله اصلی شان، مسائل اقتصادی مردم شده است. لذا به نظر من در حال حاضر مسائل و مشکلات اقتصادی که روحانیت بر رفع آن تأکید می کند، دارای اولویت بیشتری است و روحانیت امروز در شرایط ورود به این ماجرا نیست. چون همه شرایط در اختیار روحانیت نیست؛ همان طور که بستر کاهش جمعیت، از چند دهه قبل در کشور ما فراهم شده بود و اگر راجع به این سیاست سکوت هم می کردیم، آن درجه تغییر نسبت جمعیتی و درجه فعلی فاصله زیادی نداشت. ما چندین دهه است که وارد زندگی از جنس دیگری شده ایم که بسترهایش از زمان شاه و دوران قبل از انقلاب فراهم شده، و عرصه اجتماعی برای حضور خانم ها فراهم شده بود و نگرش ها درباره فرزند و امکانات مورد نیاز برای تربیت آن ها و نیازهای آموزشی و زیستی و توجه به فرزندان کاملاً دگرگون شده بود و خود انقلاب زمینه بیشتر و بهتری برای ورود خانم های مذهبی به جامعه فراهم کرد که روحانیت هم، چه در حوزه زندگی

ص: ۱۰۵

شخصـی و چه حوزه مسئولیت های اجتماعی، متأثر از همین سیاستها شده است. الان اگر بخواهیم این نسبت ها را معکوس کنیم، یا بگوییم نه، همان نسبت هایی که در این زمینه ها فراهم کردیم وجود داشته باشد، اما بخواهیم کارهای دیگری انجام دهیم، خیلی جریانات اجتماعی باید تغییر یابد و به نظر من فعلا اصلی ترین راه رسانه، کار روی خود از یک سو، و ایجاد بستر گفتوگو درباره دغدغه های مختلف در همه عرصه ها و ساختارهای رادیویی و تلویزیونی است، تا اینکه آرام آرام به نتایج و راهکارهای عملی در این زمینه برسیم.

رسانه در حوزه های مختلف فرهنگی با هدف فرهنگ سازی، تغییر نگرش و تغییر گفتمان وارد می شود و به نوعی انتقادات زیادی به رسانه در این حوزه ها وارد می شود. فرض کنیم با شرایط اجتماعی مناسب، رسانه بخواهد در حوزه تغییر نگرش ها وارد شود حالا در هر زمینه ای مانند افزایش جمعیت، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب و مباحث دیگری که وجود دارد چه اتفاقاتی باید در رسانه بیفتد تا آن را برای ایفای نقش و تغییر نگرش اجتماعی در جامعه توانمند کند.

اگر تعارف را کنار بگذاریم، رسانه ما در وضعیت فعلی پژوهش محور نیست و تا رسانه ما پژوهش محور نشود، در این زمینه ها تنها می تواند رفتارهای سطحی و کلیشه ای داشته باشد. من رفتارهای کلیشه ای و سطحی را به عنوان رفتارهای بد شناسایی نمی کنم، ولی به عنوان سطحی از رفتارهای غیرمؤثر و ناپایدار شناسایی می کنم. همین طور که در بسیاری از زمینه های اجتماعی مانند حجاب، رسانه هم به جای اینکه سراغ کار بنیادی برود، از سایر نهادها الگوبرداری می کند. هر جا کار بنیادی انجام ندهیم، هیچ تأثیری نمی توانیم بگذاریم؛ نه فقط نمی توانیم تاثیر بگذاریم، بلکه تاثیر منفی می گذاریم و حل ماجرا را سخت تر می کنیم. در خیلی از جاها نگرش بنیادی به حل اینگونه ماجراها نیست. ما در بسیاری از نهادهای اجتماعی هم می بینیم که همینگونه به این ماجرا نگاه می کنند. با نسیمی، تحرکاتی در جامعه انجام می شود، و تا فردی موضع گیری دیگری می کند، رفتارها

ص: ۱۰۶

و موضعگیریها تغییر می کند. به جای آنکه ابتدا اتفاق نظر پیدا کنیم که چه کنیم، کاری را شروع می کنیم تا ببینیم دیگران چگونه برخورد میکنند. عموماً هم رفتارهایمان انفعالی است. تا از ما مسئلهای را مطالبه کنند، اقداماتی را هیجانزده شروع میکنیم، و تا از ما انتقاد کنند، رفتارمان را وارونه میکنیم. هیچ جا از رویه ای که منطقی و مورد درخواست و پذیرش مخاطبین است، استفاده نمی کنیم. اصولاً ـ در رسانه ما، بستری فراهم نمی شود برای آن ها که نگرش های گوناگونی راجع به این ماجراها دارند، تا رسانه را از خودشان بدانند و بتوانند مسائل خود را در رسانه مطرح کنند تا راه حلی از دل همه این بحث های رسانه ای بیرون بیاید. وقتی راه حلی از دل بحث های رسانه ای بیرون نیاید، نقش رسانه خیلی کمرنگ می شود و به نظر من چون برخورد رسانه با موضوعات اجتماعی، بیشتر کلیشه ای است، نقشش هم سخت تر کردن حل موضوع است. این در خیلی از زمینه ها تجربه شده است. رسانه به خاطر مسئولیت ها و مأموریت هایی که دارد و تعلق خاطر مسئولان رسانه به آن موضوع، دچار یک سری برخوردهای تکرار و هجمه می شود. از این روش شروع می کنند و این را پایان مأموریت های خود تلقی می کنند و به مسئولیت های اصلی توجه نمی کنند. یادمان می رود که تکرار و هجمه، روشی بسیار موقت برای پاسخ گرفتن در رسانه است، به این شرط که در پیش و پس آن، از زمینه ها و روش های درست اقناعی استفاده کرده باشیم. لذا به نظر من تا وقتی نگرش همه رسانه های کشور، اعم از صدا و سیما، رسانه های مجازی و روزنامه ها، در توجه به موضوعات، پژوهش محور و بنیادی نشود، ما خیلی نمی توانیم کاری انجام دهیم. برای شکل دادن کار پژوهش محور در رسانه های دیگر از جمله روزنامه ها و فضاهای مجازی، رسانه ملی خیلی می تواند مؤثر باشد، به این شرط که خود، آغازکننده این حرکت باشد.

موضوع، در حال حاضر خود مثبت باشد و آن ها پذیرفته باشند و از آبشخورهای درستی نسبت به این موضوع سیراب شده باشند. اگر گفتوگوی

ص: ۱۰۷

اصلی داخل رسانه از این سنخ نباشد، قطعاً روی برنامه ها هم تأثیر جدی نمی گذارد و بعد دچار سفارش دهی، سفارشی نویسی، سفارشی گویی می شویم که هیچ کدام از آن ها تأثیر ندارد. تأکید بنده این است که تا وقتی فضای اقناعی به وجود نیامده است، نمی توانیم انتظار تحقق تغییر سیاست داشته باشیم و اصلی که می تواند در دوره ای دیگری مطرح شود و به آن توجه جدی شود و از آن به عنوان راه حل استفاده شود، تخریب می شود و تا مدت ها دیگر نمی شود سراغ آن رفت. لذا بیشترین تأکید من با توجه به شناختی که از وضعیت فعلی رسانه دارم این است که اگر نمی خواهیم کار بنیادی و درستی انجام دهیم و اگر نمی خواهیم بر مبنای پژوهش های صحیح، خط مشی رسانه را انتخاب کنیم، از شعارزدگی و از طرح موضوعاتی که زمینه های اجتماعی اش فراهم نیست، حتماً پرهیز کنیم. بنده فکر میکنم بهترین کمک رسانه به اجرای بسیاری از سیاست ها و راهنمایی ها و توصیه ها پرهیز، کردن از کارهای بدون پشتوانه و شتاب زده است.

ص: ۱۰۸

۵. گفت وگو با حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای زیبایی نژاد

۵. گفت وگو با حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای زیبایی نژاد(۱)

سیاستهای جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته در پیش گرفته است، چگونه تحلیل میکنید؟ این سیاستها چه اشکالها و آسیبهایی داشته است؟

به نظر من می توانیم پرسش فوق را به چند پرسش منحل کنیم:

اول اینکه آیا در نگاه کلی، سیاست کنترل جمعیت درست بوده است یا نه؟

دوم اینکه صرف نظر از درستی یا نادرستی این تصمیم، آیا نظام مدیریتی و برنامه ریزی کشور براساس روش و اسلوبی صحیح به این نتیجه رسیده است که سیاست کنترل جمعیت برای نظام مصلحت دارد؟ یا مسیر کارشناسی را به درستی طی نکرده است؟

سوم اینکه برای تحقق کاهش جمعیت در دهه هفتاد به بعد، تمرکز بر موضوع جمعیت و تخصیص امکانات و سرمایه های ملی به این کار درست بوده است، یا آنکه بدون نیاز به پیگیری سیاست کاهش جمعیت هم جمعیت ایران با کاهش مواجه می شد؟

چهارم اینکه اگر فرض کنیم پیگیری سیاست کنترل جمعیت، در کلیت خود درست بوده است، آیا روش های درستی برای پیگیری این سیاست ها اتخاذ کرده ایم؟

قبل از پاسخ به این پرسش ها باید عرض کنم که از افرادی مثل من انتظار نداشته باشید به مثابه اقتصاد دان، جمعیت شناس، جامعه شناس یا حتی فقیه، این

۱- کارشناس حوزه مباحث زن و خانواده، و مسئول دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

ص: ۱۰۹

موضوع را به طور تخصصی تحلیل کنم. کار افرادی مثل من، بیشتر تحلیل ابعاد موضوع است تا با کمک کارشناسان حوزه های گوناگون، به تصویر بهتری از موضوع برسیم. البته طبعاً به عنوان کسی که می خواهم از پایگاه دینی درباره موضوع بحث کنم، به این موضوع ورود می کنم.

در پاسخ به پرسش اول، باید عرض کنم در میان صاحب نظران دینی ممکن است یکی از سه نظریه مطرح شود: دیدگاه اول می گوید که سیاست جمعیتی، تابع اقتضائات زمانی و مکانی است و ممکن است گاهی مطلوب و گاهی مرجوح باشد؛ هر چند علی الاصول کثرت جمعیت مسلمین چیز خوبی است. ممکن است از کلمات رهبر معظم که فرمودند سیاست کنترل جمعیت در اوایل دهه هفتاد خوب بود، اما از اواسط دهه هفتاد باید متوقف می شد، همین رویکرد به دست آید. گروه دوم معتقدند که کنترل جعیت هیچ گاه راجح نیست و مسلمانان باید همواره در اندیشه کثرت جمعیت باشند. گروه سوم مانند گروه دوم معتقدند که کثرت جمعیت مسلمین مطلوبیت ذاتی دارد، اما بر این باورند که چون در دهه های اخیر نظام برنامه ریزی و سیاستگذاری های کشور براساس الگو های مدرنِ گسترش شهر نشینی و حاکمیت مناسبات مدرن شکل گرفته، کثرت جمعیت می تواند به پیامد های بدی هم منجر شود. فرق این گروه با گروه نخست آن است که گروه اخیر، مشکلات را ناشی از ذات کثرت جمعیت نمی دانند، بلکه ناشی از پیگیری الگو های برنامه ریزی غربی می دانند؛ اما در بستر تحقق این رویکرد های مدرن و دنیا گرایانه، کثرت جمعیت می تواند به تهدید تبدیل شود.

هر سه گروه می توانند در این نتیجه که از اواخر دهه هفتاد به بعد، باید در سیاست های جمعیتی تجدید نظر می شد، هم رأی باشند.

اما در پاسخ به پرسش دوم، باید اذعان کرد که در جامعه مدیریتی و سیاست گذاری در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد، به گونه ای فضا سازی شده بود که زمینه

ص: ۱۱۰

مباحثات کارشناسانه فراهم نبود. گویا نهاد های بین المللی، جمعیت شناسان، کارشناسان بهداشت و سلامت، برخی آسیب شناسان اجتماعی و اقتصاد دانان، فضا را به گونه ای قبضه کرده بودند تا برای روحانیت موضوع سازی کنند. در این شرایط دیدگاه کسانی مثل مرحوم علامه تهرانی، نویسنده کتاب کاهش جمعیت، ضربه ای سهمگین بر پیکره مسلمین به گونه ای بایکوت شده بود. می خواهم از این مطلب استفاده کنم که باید از به وجود آمدن شرایط مشابه در فضای کنونی، پس از مطرح شدن دیدگاه رهبر معظم انقلاب، جلوگیری کرد و اجازه داد تا مباحث کارشناسی در فضای عالمانه مطرح شود، تا نخبگان به تصویر درستی از موضوع برسند.

در پاسخ به پرسش سوم، باید عرض کنم که به نظر من اگر کنترل جمعیت یکی از اهداف نظام بود، اصلاً نیازی به پیگیری مستقیم موضوع کنترل جمعیت و اتلاف سرمایه های ملی برای ارائه خدمات مجانی و حتی سیاست های تشویقی نسبت به کنترل جمعیت نبود. چون پیگیری الگوهای توسعه و غلبه فضای رسانه ای و تحولات ساختاری، که به تغییر الگوی سبک زندگی و تسلط گفتمان فردگرایانه و مصرف گرایانه منجر می شد، برای کاهش انگیزه فرزند آوری کافی بود و دولت با هزینه کرد در این موضوع، تا حدود زیادی بیراهه رفت.

اما در پاسخ به سؤال چهارم، به نظر من گرچه اتخاذ سیاست کنترل جمعیت هم ضرورت داشته باشد، برخی روش های پیگیری موضوع اشکال داشته است. اینکه با استفاده از ظرفیت روحانیت، به مردم القا کنیم که اسلام به کیفیت نسل توجه می کند نه به کمّیت آن، و بیست سال بعد می خواهیم حرفمان را عوض کنیم و باز روحانیت به مردم بگوید کمّیت نسل از نگاه اسلام مهم است، به نظر من رفتاری دوگانه و نگاهی ابزاری به دین است و ما می توانیم به گونه ای دیگر موضوع را پیگیری کنیم. اینکه مسئول بهداشت کشور در دهه هفتاد به سازمان ملل گزارش می دهد که ما برای پایین آوردن نرخ رشد جمعیت، سن ازدواج را

ص: ۱۱۱

بالا برده ایم خیلی اشکال دارد؛ یعنی ما راضی شده ایم مفاسد اخلاقی در جامعه زیاد شود، تا جمعیت به حد تعادل برسد. برخی روش های پیگیری شده مثل بستن لوله های رحم و جراحی وازکتومی هم به دلیل آنکه تقریباً در تمام موارد به وسیله غیر همسر انجام می گرفت، می توانست مصداق حرام باشد.

آیا در شرایط حاضر با توجه به مناسبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته در جامعه ما، امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی ناظر به کنترل موالید وجود دارد؟

واقعاً در حال حاضر این پرسش مطرح است که آیا بحث جمعیت در مقیاس جهانی باید حل شود، یا ما در مقیاس ملی می توانیم موضوع را حل کنیم؟ ممکن است شما بگویید تا زمانی که دنیا در حال تولید ارزشهای مسلط است، تا زمانی که ماهواره ها و اینترنت و رسانه های تصویریِ موجود، الگوی سبک زندگی ارائه می کنند و تا زمانی که ساختار های مسلط اقتصادی و اجتماعی با ارزش های خانواده همسو نیستند و مناسبات بازار، در مقیاس جهانی، به مصرف گرایی دامن می زند، در این وضعیت جامعه مصرفی را نمی توان با افزایش جمعیت تعریف کرد. به تعبیر دیگر جامعه مصرفی، خودش عقلانیت جدید تولید می کند. در این عقلانیت معلوم است که بچه آوریِ زیاد، رفتاری غیر عقلانی تلقی می شود. بنابراین معتقدم سیاست های تشویقی، تأثیرات کمتر بر افزایش جمعیت دارد.

آیا در فضای کارشناسی کشور اتفاق نظر و درک واحدی در زمینه ضرورت اصلاح سیاستهای جمعیتی وجود دارد؟

به نظر می رسد موضوع جمعیت، از موضوعاتی است که می تواند مصداق خوبی برای تصدیق بدون تصور باشد. هنوز ما به تصور مشترکی درباره جمعیت نرسیده ایم. مثلاً اگر بخواهیم این پرسش کلی را مطرح کنیم: آیا جمعیت را در هر صورت کنترل کنیم یا رها کنیم؟ اشاره کردم که در اینجا سه دیدگاه وجود دارد.

من اگر بخواهم باب بحث را باز کنم که اساساً دیدگاه ما نسبت به جمعیت باید اصلاح شود یا نه، یکی از محورهایش این است که نسبت بین جمعیت، با اعتقاد ما به رزاقیت الهی چیست؟ بالاخره ما خدا را رزاق می دانیم یا نه؟ قرآن کریم میفرماید: «وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي الأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللّهِ رِزْقُهَا»(۱) یا در جایی دیگر میفرماید: «وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيّاهُمْ».(۲) در روایتی هم آمده است که «کسی که به خاطر بیم از تنگدستی، ازدواج را ترک کند، به پروردگار خود سوء ظن پیدا کرده است».(۳) ما هم قبول داریم که نیاز به برنامه توسعه داریم، تدبیر امور را لازم داریم؛ اما معادله تدبیر در الگوی دینی، ضرورتاً با معادله تدبیر در الگوهای رایج یکسان نیست. ممکن است بگوییم جامعه اگر فقیر هم هست، فقرش هیچ ربطی به جمعیت ندارد و بلکه هرچه در جامعه اسلامی جمعیت بیشتر شود، ممکن است رحمت خدا بر امت اسلام بیشتر شود. حتی در جامعه ای مثل چین، اگر مسلمان بودند، می گفتیم تحدید جمعیت نشود؛ چرا؟ می خواهم استفاده خیلی حداکثری از متون را به عنوان احتمال مطرح کنم. فرض کنیم جمعیت چین دو برابر، سه برابر یا ده برابر شود. اگر خداوند گفته است: «وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي الأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللّهِ رِزْقُهَا»، پس ما نباید نگران رزق آنان باشیم. یعنی اگر جمعیت چین ده برابر شد، خداوند قدرت ابتکار ده برابر می دهد که چگونه امور خودشان را با همین زمین ها تنظیم کنند. همان طور که چین در حال حاضر با یک میلیارد و سیصد میلیون نفر جمعیت، علاوه بر تأمین مایحتاج جمعیت خود، صادرکننده اقلام کشاورزی هم هست. ممکن است اگر در آینده جمعیت چین دو برابر شود، ظرفیت های بیشتری شناسایی شوند و... . به نظرم بحثی نظری وجود دارد که باید در کلام و فقه آن را حل کرد. آیا مشکل جمعیت، ناشی از ذات

۱- هود: ۶.

۲- انعام: ۱۵۱.

۳- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۰، ح ۱.

ص: ۱۱۳

بحث جمعیت است یا ناشی از ملابسات بحث جمعیت است؟ مثلاً وقتی جمعیت رو به ازدیاد است، چه الگویی از شهرنشینی داشته باشیم تا شهرهای بزرگ به حالت انفجار نزدیک نشوند و بحث هایی مثل حاشیه نشینی پیش نیاید.

بنابراین، این دیدگاه قابل بحث است که جمعیت به مطور مطلق از نگاه شارع مطلوبیت دارد یا نه؟ یعنی ممکن است گفته شود آن دسته از روایاتی که در آن ها به ازدیاد نسل سفارش شده است، ناظر به زمانی است که کثرت نیروی انسانی مطلوبیت دارد؛ ولی اگر کثرت جمعیت با کاهش کیفیت مواجه شد، دیگر نمی توانیم بگوییم کثرت جمعیت مطلوبیت دارد. مثلاً وجود دویست میلیون نفر معتاد در جامعه ای پر از آسیب اجتماعی، عامل قدرت نیست. در نقطه مقابل، می توان احتمال داد که مشکل جمعیت، ناشی از ذات جمعیت نیست، بلکه ناشی از ملابسات بحث جمعیت است. یعنی مشکل، به الگوهای توسعه مدرن مربوط است. شما جمعیت تان زیاد می شود، ولی الگوی شهرنشینی تان غلط است؛ بنابراین، جمعیت به شهرهای بزرگ سرازیر می شوند، و حاشیه نشینی و آسیب های اجتماعی به وجود می آید. برخی مشکلات ناشی از تصوراتی است که از برنامه ریزی مدرن داریم که میگوید برای آموزش فلان تعداد جمعیت، باید فلان تعداد کلاس درس وجود داشته باشد و لذا وقتی می بینیم که مثلاً نسلمان چند برابر شده است، ولی کلاس آموزشی کم داریم، می گوییم باید جمعیت کاهش یابد. آیا ما می توانیم مکانیزم های دیگری را برای آموزش مهیا کنیم؟ مثلاً- در حال حاضر در امریکا پانزده میلیون نفر در خانه توسط والدین آموزش می بینند. پانزده بیست سال پیش، از پانزده هزار نفر شروع شد، الان به دو میلیون نفر رسیده است. این دو میلیون نفر بچه هایی هستند که در خانه توسط والدینشان آموزش می بینند و در امتحانهای کالج جزو رتبه های اول هستند. علتش این است که والدین این بچهها به دولت می گویند ما نمی خواهیم ارزش های مورد نظر شما بر فرزندانمان حاکم شود. ما می خواهیم ارزش های

ص: ۱۱۴

خودمان را حاکم کنیم. آیا می توان از سیستمهای بدیلی در آموزش استفاده کرد که ضرورتاً نیازمند صرف هزینه ها و امکانات زیاد نباشد و بتواند جمعیت زیاد تری را پاسخ دهد؟ این خودش یک پرسش است.

یکی از موضوعهایی که در جامعهشناسی بحث میشود، نسبت بین جمعیت و باورهای دینی است. در آنجا میگویند جامعه ای به سمت کنترل جمعیت میرود که در تحلیلهایش به سمت مادی شدن می رود، محاسبه مادی در آن زیاد می شود. می گویند من هستم که نان خانواده را فراهم میکنم، اگر فرزندانم زیاد شود فردا چه کار کنم؟ در الگوی دینی، تدبیر فردی، اجتماعی و خانوادگی وجود دارد؛ ولی ممکن است با کلیدواژه های دیگری غیر از آنچه در الگوهای رایج هست مواجه شویم. مثلاً در آموزه های ما بین تقوا و استغفار، با برکت و توسعه رزق نسبت برقرار شده است؛ یعنی اگر می خواهید وفور نعمت داشته باشید، در مناسبات تان تقوا و ایمان و استغفار را توسعه دهید: «وَ لَوْ أَنّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السّماءِ وَ الْأَرْضِ»،(۱) «وَ يا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبّكُمْ ثُمّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْرارًا».(۲) وقتی می خواهیم فراوانی زیاد شود، باید استغفار زیاد شود. در عصر مهدوی، جمعیت زیاد می شود، به گونه ای که انگار کسی نمی میرد و با وجود این، طبیعت با مردم آشتی می کند و برکاتش را بر مردم عرضه میکند. حال این پرسش مطرح می شود که آیا این ویژگی در جامعه مهدوی، استثنایی تاریخی است، یا آن که قاعده کلی در هر جامعه است، اما مردم سراغ قاعده نرفته اند؛ یعنی اگر مردم در هر زمان و در هر جامعه تقوا پیشه میکردند، طبیعت با مردم آشتی می کرد؛ اما خودِ مردم نخواسته اند.

بحث دیگر، بحث تربیتی است. الگوهای تربیتی خانواده های کمفرزند یا تک فرزند، به سمت فرزندسالاری می رود و فرزندان به طور غلط جامعه پذیر می شوند و در آینده با مشکلات اجتماعی مواجه خواهند شد. در کشور ما به این

۱- اعراف: ۹۶.

۲- هود: ۵۲.

ص: ۱۱۵

موضوع توجه نشده است. مسئله دیگری که در جامعه ما اصلاً به آن پرداخته نشده است، بحث نسبت بین جمعیت و مسئله اخلاق جنسی است. من فقط یک مقاله خارجی در این زمینه دیدم که به این موضوع اشاره کرده بود. در آن مقاله بیان شده بود در کشورهایی که تحدید نسل صورت می گیرد، ضرورتاً باید تساهل جنسی هم بیاید. چرا؟ می گوید دوره شور جنسی زن، از هفده هجده سالگی تا چهل سالگی است. اگر هورمونهای درونی و ذهن او درگیر بارداری و پرورش فرزند شود، مطالبات جنسی اش کمتر میشود و می توان او را با اخلاقهای مبتنی بر خویشتنداری جنسی کنترل کرد. ولی اگر پدیده کم فرزندی و بی فرزندی وجود داشته باشد، چون مطالبات جنسی این زن بالاست، نمی توان آن را با روشهای سختگیرانه جنسی کنترل کرد. یعنی جامعه بالاجبار باید به سمت تساهل جنسی برود. اینکه من در این موضوع تردید دارم که آیا اساساً زمانی وجود دارد که ادعا کنیم در آن زمان کنترل جمعیت خوب باشد، به واسطه لازم و ملزومهایِ بحث کنترل جمعیت است. ممکن است بیشتر از این هم پیدا باشد. این بحثی است که به نظر می رسد در این زمینه وفاقی وجود ندارد.

بحث دوم این است که فرایند سیاست گذاری در کشور ما غلط است؛ در فرایند تدوین سیاست ها، باید فرصت داد تا جامعه نخبگانی ابعاد موضوع را به دقت بکاوند و به حدی از وفاق برسند. اینکه رهبری نسبت به کاهش جمعیت احساس خطر کرده اند، و اعلام نظر کرده اند، نقطه شروع خوبی برای درگیری کارشناسان و نظریه پردازان است؛ اما نباید با سرعتی کردن این روند، فرصت مباحثه، شکل گیری ادبیات و تفاهم کارشناسی را از میان برد. هم اکنون سیاست ها و موادی درباره جمعیت به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، در حالی که مدیران و نخبگان کشور هنوز نسبت به جمعیت توجیه نیستند و حتی به وفاق نسبی هم نرسیده اند. شما در دهه شصت و هفتاد میبینید که نخبگان و مدیرانی که در فضای مدرن تحصیل کردند، با سیاست کاهش جمعیت هماهنگ شدند، ولی الان اگر شما بخواهید درباره ضرورت

ص: ۱۱۶

افزایش جمعیت صحبت کنید، باید از کاریزمای رهبری استفاده کنید. آن موقع که رئیس جمهور درباره جمعیت صحبت می کند، همه او را به سخره میگیرند. کارشناسان مجمع تشخیص و آقای دکتر نوبخت نامه می زنند که این حرف ها معنا ندارد و می گویند مطالعات ما نشان می دهد که سیاست کنترل جمعیت باید ادامه پیدا کند. وقتی رئیس جمهور حرف می زند، وزیر اصولگرایش، آقای لنکرانی به آن، حاشیه می زند. کسانی هم که حاشیه نمی زنند، سرشان پایین است و کار خودشان را می کنند؛ یعنی اهمیت نمی دهند. حالا می خواهیم بر اساس صحبت های رهبری درباره جمعیت، فضایی را باز کنیم. آن وقت این مشکل پیش می آید که کارشناسان به فهم مشترکی در این مسئله نرسیده اند. مدیرانی هم که می خواهند این موضوع را پیگیری کنند، اصلاً موضوع و محمول برایشان جا نیفتاده است. به تعبیر دیگر، فرایند تصمیم گیری در کشور باید از پایین به بالا باشد: جامعه نخبگان حساس شوند و فهم مشترك اجمالی شکل گیرد، تا به سطوح تصمیم گیری برسد.

بر فرضِ امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی در کوتاهمدت، چه راهکارهایی در این زمینه پیشنهاد میکنید؟

بحث مهمی درباره جمعیت و موضوعات مشابه با دست اندرکاران، مدیران و سیاست گذاران وجود دارد که قبل از اقدام به حل مسئله باید آن را به درستی بفهمید. در موضوع حجاب و عفاف، هزینه های زیادی می شود و همه هم به در بسته می خورد؛ چون هنوز به تحلیل درست از عوامل و زمینههای تحولات پوششی نرسیده ایم. در بحث جمعیت هم احتمالاً به چنین اشتباهی گرفتار خواهیم شد. سرمایه های مملکت هزینه می شود، اما به نتیجه نمی رسد؛ بدتر هم می شود. یعنی از قدم اول بعد از صحبت رهبری، به سمت تحلیل و فهم درست نمیرویم. هنوز نمی دانیم چقدر از تحولات جمعیتی در بیست سال گذشته ناشی از تبلیغات و اقدامات خودِ حکومت بوده، که مثلاً لوازم پیشگیری مجانی در اختیار مردم قرار می داده است؛ و چقدر ناشی از تحولات

ص: ۱۱۷

فرهنگی در مقیاس کلان تر بوده که جامعه به فهم جدیدی رسیده است که تربیت و پرورش فرزند دشوار شده است. اتفاقاتی در جامعه در حال وقوع است، خانه ها روزبه روز کوچک تر می شود. برخی می گویند آپارتمان های ۱۲۰ متری در تهران بدون مشتری مانده است، چون مردم برای خرید آن ها پول ندارند، ولی آپارتمان های شصت هفتاد متری بیشتر مشتری دارد. آن وقت شما می خواهید در این فضا، تبلیغ کثرت جمعیت داشته باشید. در چنین فضایی زوج های جوان از داشتن یک فرزند هم منصرف میشوند تا چه رسد به دومین فرزند. بحث دیگر آن است که اگر در دهه هفتاد یا اواخر دهه شصت، به کنترل جمعیت توصیه شد و این توصیه عملی شد، آیا به این معناست که الان هم اگر به کثرت جمعیت توصیه شود، این توصیه ها عملی خواهد شد؟ در قشر مذهبی انقلابی ما، با توجه به توصیه هایی که رهبری درباره تولید ملی می کنند، چند درصد از دخترهای انقلابی که در حال حاضر ازدواج می کنند، اصرار دارند که جهیزیه شان از کالاهای داخلی باشد؟ شما می توانید آن ها را متقاعد کنید یا نه؟ در صورتی که خودِ همین ها می روند دیدگاههای رهبری را تبلیغ می کنند؛ ولی در زندگی خودشان اجرا نمی کنند. این به این معناست که گفتمان فردگرایانه در کشورمان در فضای پست مدرنی در حال شیوع است. گفتمان خانواده گرایانه و جامعه گرایانه در حال به حاشیه رفتن است. آن وقت تصور می کنیم که می توان با این سیاست های تشویقیِ سطحی، مثل هدیه دادن سکه و این چیزها همه چیز را سر جای خودش برگردانیم. در بحث حجاب و جاهای دیگر هم همین طور است. من نمی خواهم بگویم این اقدامات اثر ندارد، ولی در یک بستر معنایی اثر دارد. باید توجه کرد که کدام عقلی قبول می کند که اگر برای هر بچه ای این قدر پول هدیه بدهیم، به فرزند آوری اقدام کنند؟ کسی که انگیزه این کار را دارد، کمکش می کنید تا انگیزه اش بیشتر شود. ولی کسی که انگیزه اش را ندارد چطور؟ یعنی واقعاً سیاست حمایت از ازدواج، چقدر مشکل را حل می کند؟ وام ازدواج چطور؟ همه این ها در بستری به عنوان مکمل خوب

ص: ۱۱۸

است. ولی وقتی گفتمـان فردگرایـانه و مصـرف گرایانه، از حاشـیه به متن تبـدیل می شود، نمی توان بـدون تغییر در این گفتمان، با ابزارهای تشویقی تحول اساسی ایجاد کرد.

نحوه ورود رسـانه ملی به این عرصه چگونه بایـد باشـد؟ آیا ورود مسـتقیم رسانه ملی به این عرصه با هـدف دعوت مردم به افزایش فرزند را صلاح میدانید؟ ورود غیرمستقیم به این حوزه چگونه میتواند باشد؟

در بحث سیاسـتهای رسـانه ای، به نظرم بـدترین کار تمرکز کردن روی بحث جمعیت و مـداخله مسـتقیم است؛ چون جامعه پس می زنـد، خانواده به سوی غیرسیاسـی شدن می رود و در مقابل چیزهایی که حکومت از او می خواهد مقاومت می کند. به نظر من باید سراغ دلالتهای التزامی در بحث کنترل جمعیت برویم؛ مثلاً پیش کشـیدن بحث تنهایی، و اینکه خانواده ها دارنـد تنها می شوند، بچه هـای مـا تنهـا می شونـد، نشـاط شـان کم می شود و غمخوار ندارنـد، مناسـبات رحمی دیگر به آن معنا موجود نیست، یا مشـکلات سالمنـدی، میانسالان ما را تهدیـد می کننـد. وقتی که خانواده تک فرزند زیاد شد، چون یک فرزند به خوبی نمی تواند از والدینش حمایت کنـد، پس خانه های سالمنـدان بزرگ بایـد درست شود. ولی در سیسـتمی که شـش هفت بچه در خانواده بود، خانواده می توانست در میان اعضای خود تقسـیم کار و فشار مراقبت از سالمنـدان را سرشـکن کنـد. مشـکل تنهایی برای سالمندان، واقعاً مسئله است. برای خانواده هایی هم که زن و شوهر در سـنین میانسالی هسـتند و فرزندی در خانه ندارند، تنهایی و سـکوت می تواند منشأ اختلافات خانوادگی شود. مگر مرد چقدر می تواند با همسرش حرف بزند؟ او از شوهرش توقعاتی دارد، و شوهر نمی تواند توقعات کلامی یا توقعات دیگر او را برآورده کنـد، در نتیجه به زن در خانه فشار می آیـد، زن بایـد به کاری سـرگرم باشـد؛ به بچه داری و ارتباط با فرزندان.

ص: ۱۱۹

بحث تنها شـدن خانواده ها و والـدین، مناسبات رحمی، خطرات سالمنـدی، فرزندسالاری و اینکه چگونه تک فرزندان در امکانات غرق می شوند، ولی از نظر عاطفی فقیر هستند، از مباحثی هستند که رسانه میتواند به آن ها بپردازد.

در این زمینهها ما مقالاتی هم داشته ایم. در این زمینه ها بعضـی ها بیشتر کار کرده اند که می گویند خانواده های جدید چون تک فرزند دارند و ممکن است امکانات در آن خانواده ها زیاد باشد، فرزندان طعم محرومیت را نمی چشند و هماهنگی و کنار آمدن با مشـکلات را تجربه نمی کننـد و از نظر ارتباطـات اجتماعی کم می آورنـد. در خانه های شـلوغ، دعوای بچه ها زیاد است. این دعوا تمرینی برای زنـدگی اجتماعی است؛ یعنی بچه ها دعوایشان می شود، بعـد مجبورنـد بین خودشان مشـکل را به گونه ای حل کنند. مثلاً شـما یک اتاق، و دو یا سه بچه داریـد. هر یک از بچهها می خواهنـد کاری در آن اتاق انجام دهند، دعوایشان می شود. گاهی شما دعوا را خاتمه میدهیـد، گاهی خودشان مجبور میشونـد با همـدیگر تفاهم کنند. ده پانزده سال در این سیسـتم بزرگ می شوند. بعد وارد جامعه میشوند. این افراد در جامعه بر اثر تنه خوردن، کمتر سقوط می کنند؛ ولی کسی که تا به حال به او تنه نخورده است و همه چیز بر وفق مرادش بوده است، وقتی در جـامعه بـا کمبود مواجه میشود، به مشـکلات مبتلا می شود. میزان مشارکت اجتماعی تک فرزنـد ها کم است. توجهشان به ارزشـهای اجتماعی کم است، بیشتر فردگرا می شونـد. خـدمتشان به والـدین کم خواهـد شد. اصلاً گمان بدی که والدین دارند، این است که هرچه بیشتر خدمات به فرزندانشان بدهند، فرزندان بیشتر ممنونشان می شوند.

از عوامـل مهم کم فرزنـد شـدن والـدین، که قابـل مطـالعه و بحث است، این است که والـدین احساس می کننـد تأثیرشان در تربیت فرزنـد کم شـده است. وقتی که نقش تربیتی رسـانه و آموزش و پرورش خیلی پررنـگ شود و به تعبیر دکتر آزاد ارمکی، آموزش و پرورش در خانواده ها پدرکشی راه اندازد، پدر را به عنصری تبدیل کند که

ص: ۱۲۰

بایـد آموزش ببیند و از فرزندش یک نسل عقب مانده تر است، این تصویر، آثار خودش را دارد. مثل اینکه در رسانه به فرزندان می گویند پلیس پدرت باش و به فرزند القا می شود که تو بزرگ تر از والدین هستی. در این سیستم وقتی پدر احساس کند که حرفش در خانه خریدار ندارد، دیگر به فکر فرزندآوری نمی افتد. در روایات هست علت اینکه خداوند اطاعت والدین را بر فرزندان واجب کرده این است که اگر نفوذ کلمه والدین نباشد، پدر و مادر انگیزه تربیت ندارند.

از نکات دیگری که نقش رسانه ها در آن پررنگ است و در موضوع جمعیت هم تأثیر گذار است، فرهنگ اقتصادی است. باید این موضوع مورد بحث قرار گیرد که رسانه ملی و سیاست های دولتی چقدر به تغییر ذائقه اقتصادی مردم کمک کرده و این تغییر ذائقه چقدر در تحولات جمعیتی تأثیر داشته است؟ اگر فرض کنیم امکانات اقتصادی خانواده دو برابر شود، اما توقعاتش چهار برابر شود، احساس فقر در این خانواده بیشتر می شود.

هانتینگتون در سـفرش به ایران گفته هیچ جای دنیا ندیدم فاصله بین آرمانهای زندگی با واقعیتهای زندگی این قدر زیاد باشد. وقتی از دخترهای مجرد که در سن ازدواج هسـتند، درباره ضرورت داشتن خانه مستقل هنگام ازدواج سؤال شد، بیش از هفتاد درصد آن ها اعلام کردند که هنگام ازدواج، مرد باید خانه ملکی داشـته باشد، ولی حدود سی درصدشان واقعاً در خانه ملکی می روند. یعنی فاصـله بین انتظارات و واقعیات خیلی زیاد است و به زنـدگی لطمه می زنـد. ما در کشوری هستیم که مردمش همیشه منتقد هسـتند. چرا؟ چون مطالبـات تحقق نیافته زیاد دارنـد. یعنی منتقـد پـدر و مادرشان، نظام آموزشـی و دولت هسـتند. در فضایی بحث جمعیت مطرح می شود که مردم اعصابشان به گرانی و بعضـی مسائل دیگر، درگیر است. لـذا صـدا و سـیما اگر بخواهـد وارد شود، بایـد به سمت تعدیل انتظارات مردم از زندگی و اصلاح فرهنگ اقتصادی برود؛ مثلاً اعتماد به خدا و فرهنگ آینده نگری را ترویج کند، به تفاوت جامعه مصرفی و جامعه غیرمصرفی توجه

ص: ۱۲۱

کند. جامعه مصرفی به لذت آنی توجه دارد که الان به لذت برسد و دولت هم تضمین می کند که شما به امروزت فکر کن، تأمین فردا (بازنشستگی و...) به عهده من است؛ ولی در جامعه سنتیِ غیرمصرفی فرهنگ آینده نگری وجود داشته و بچه، پس انداز روزِ مبادای والدین بوده است. اگر دولت دست مرا در آینده خواهد گرفت، و قرار نیست من جایی زمین بخورم، سیستمهای درآمدزایی اداری هم امن شده، و دغدغه فردا و پس فردا ندارم، چرا باید بچه بیاورم؟ بچه هم که دستگیر من نخواهد بود. جامعه به این باور رسیده که فردا دولت مجبور است مشکل سالمندی را حل کند، یعنی مشکل من تنها نیست، سالمندان زیاد خواهند شد. مثل موضوع مدرک گرایی است که موقعی که شما رفتید مدرک گرفتید، می دانید دولت مصوبه ای در قانون می گذارد که به حسب مدرک بالاتر، پول بیشتری به شما می دهد؛ یعنی عقلانیتی هم برای این سیستم مدرک گرایی ایجاد می شود. بعد هرچه رهبری و دیگران بگویند مدرک گرایی بد است، توجه به مدرک بیشتر می شود؛ چون مردم کارآیی مدرک را احساس کرده اند.

خلاصه اینکه باید سراغ ملزومات و لوازم بحث جمعیت برویم و روی مسائلی که باعث می شود مردم میلشان به فرزند آوری کم شود خوب دقت کنیم. صدا و سیما در حد شبکه چهار یا پشت صحنه، بحث های مستقیم را به میان بکشد؛ مثلاً کارشناسان روی عوامل اصلی و فرعی بحث کرده، آن ها را از هم جدا کنند. سپس در پی راههایی برای از بین بردن این عوامل یا اصلاح آن ها باشیم.

با توجه به اینکه حوزه و روحانیت در جا انداختن سیاست ضرورت کنترل موالید نقش مهمی داشته است، آیا استفاده رسانه از روحانیان یا به طور کلی پیام های دینی برای دعوت مردم به ازدیاد نسل را درست میدانید؟

به نظر من روحانیت نباید در این بحث سیاسی عمل کند. اوایل دهه شصت گفتهایم از نگاه اسلام، ذات جمعیت مطلوبیت ندارد؛ کیفیت، مطلوبیت دارد. الان

ص: ۱۲۲

دوباره می خواهیم حرف دیگری به نام اسلام بزنیم. مردم می گویند این چه اسلامی است که هر روز عوض می شود.

در دهه هفتاد، ما ادبیات مذهبی را با جمعیت چاشنی کردیم. جامعه مذهبی را هم متقاعد کردیم. اوایل دهه هفتاد یا اوایل دهه هشتاد در همین دانشگاه فاطمیه جلسه ای بود. آقای مصلح الدین، رئیس صندوق جمعیت سازمان ملل، در جلسه حضور داشت. سخن ایشان این بود که کشورهای اهل تسنن به کنترل جمعیت روی خوش نشان نمی دهند، و ایران موفق ترین کشور خاورمیانه در کنترل جمعیت است و چون از ادبیات مذهبی استفاده می کند، ما می خواهیم ایران را پیشاهنگ کشورهای دیگر قرار دهیم تا کشورها را با ادبیات مذهبی نسبت به کنترل جمعیت متقاعد کنند.

به هر حال فکر می کنم چون روحانیون با زبان مستقیم با مردم صحبت می کنند، مناسب است در مساجد این بحث ها مطرح شود؛ اما رسانه با زبان هنر، موضوع جمعیت را جا بیندازد.

ص: ۱۲۳

۶. گفت وگو با جناب آقای دکتر سیدحسین شرف الدین

۶. گفت وگو با جناب آقای دکتر سیدحسین شرف الدین(۱)

سیاستهای جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته در پیش گرفته است، چگونه تحلیل میکنید؟ این سیاستها چه اشکالها و آسیبهایی داشته است؟

سیاستهای تحدید و کنترل جمعیت در ایران، همچون بیشتر کشورهای در حال توسعه و حتی پیشرفته، عمدتاً با هدف مهار برخی بحرانهای موجود و پیشگیری از برخی بحرانهای محتمل اتخاذ شد. بدیهی است که تحلیل واقع بینانه از چراییِ این تصمیمات استراتژیک و در ظاهر ناهمسو با هنجارهای رویهای جامعه دارای بافت سنتی ما، و برآورد میزان کارآمدی و ناکارآمدی آن، متوقف بر شناسایی دقیق اوضاع و شرایط آن روز و اقتضائات مدیریتی و برنامهای آن است. متقابلاً ـ پیشنهاد هر نوع الگوی جایگزین، تقاضا برای اصلاح روند موجود، بازخوانی و تجدید نظر در شیوه مسلوک و برهم زدن قواعد عملیِ تثبیت شده، متوقف بر آن است که اولاً آثار و نتایج آشکار و پنهان، و خواسته و ناخواسته ناشی از اعمال این سیاستها را با رویکرد انتقادی بررسی و تحلیل کنیم؛ و ثانیاً اثبات شود که کشور در وضعیت کنونی، با آنچه دیروز سیاستهای کنترلی را تجویز و بلکه تکلیف میکرد، فاصله گرفته و بر همه یا معظم آن موانع فائق آمده است. اتخاذ این سیاستها، در واقع واکنشی برنامه ریزی شده به درک مشکلاتی از نوع ذیل بود. البته برخی با نگاه بدبینانه، همه این سیاستها را ناشی از تبعیت ناسنجیده

۱- دانشآموخته حوزه علمیه جامعه شناسی، و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=

ص: ۱۲۴

دولت مردان از سیاستهای توسعهایِ غرب محور یا توطئههای به ظاهر موجّه و دارای وجاهت علمی برای کاهش جمعیت مسلمین ارزیابی میکنند.

نرخ بالای رشد جمعیت کشور نسبت به امکانات بالفعل و روند فعلیتیابیِ تدریجی ظرفیتها، ورود بیرویه و غیرمنتظره خیل عظیم مهاجران افغان متعاقب جنگ داخلی آن کشور، وقوع جنگ تحمیلی و رانش اجباریِ بخشی از جمعیت مناطق جنگی و استانهای مرزی به سایر مناطق، مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها، طرح توقعات فزاینده جمعیت شهرنشین و عدم توان دولت در تأمین این مطالبات پایاناپذیر، لزوم برونرفتِ سریع از عقبماندگیهای موروثیِ دوران طولانیِ حاکمیت طاغوت حسب شعارهای انقلاب و انتظارات معمول، ضرورت ترمیم ویرانیهای گسترده ناشی از جنگ تحمیلی، ضرورت بازسازی زیرساخت های کهنه و فرسوده، لزوم توسعهآفرینی متناسب با نیازها و ضرورتهای به وجود آمده در بخشهای گوناگون، تحریمهای سنگین دشمن و کند کردن روند بازسازی و توسعه کشور، و... . این مجموع عوامل در کنار توصیههای کنترلیِ مؤکدِ سازمان ملل به کشورهای در حال توسعه، باعث شد که دولت سازندگی در اولین سال کاری خود (۱۳۶۸) سیاستهای کنترل یا کاهش نرخ رشد جمعیت را (با شعار: دو تا بچه کافیه، فرزند کمتر زندگی بهتر و...) در دستور کار قرار دهد و در این خصوص اقداماتی را عمدتاً توسط سازمان بهزیستی و از طریق متقاعد کردن خانوادهها به تمکین سیاست اتخاذی صورت دهد؛ سیاستی که معقولیت و مطلوبیت آن در آن روز، تقریباً مورد تأیید و قبول همگان بود.

از سوی دیگر، روند تحولات ساختاری کشور نیز در مسیری هدایت شد که حتی اگر دولت چنین سیاستی را هم آگاهانه و برنامه ریزی شده در پیش نمی گرفت، به احتمال زیاد، وضعیت ما با آنچه اینک بدان مبتلا شدهایم، تفاوت چندانی نمیکرد. مساعدت افکار عمومی و پذیرش و همراهی آرام و کمهزینه

ص: ۱۲۵

اکثریت جامعه با این سیاست نیز بیش از هر چیز، ریشه در همین تناسب ساختاری دارد. در ادامه به برخی از این زمینه‌ها اشاره خواهد شد. البته شواهد تاریخی گویای آن است که در دولت طاغوت نیز از سال ۱۳۳۵ یعنی سال اجرای اولین سرشماری عمومی کشور، پس از استخراج نتایج به دست آمده، اجمالاً در خصوص ضرورت کنترل جمعیت، تصمیماتی اتخاذ شد و برنامه‌هایی نیز در سطح محدود به اجرا درآمد؛ اما به دلیل بافت روستایی و عشایریِ غالب، عدم وابستگی نسبی اکثریت جامعه به خدمات و امکانات دولتی و روند عادی توسعه کشور به ویژه پس از دستیابی به درآمدهای سرشار نفتی و سرمایه‌گذاری عظیم خارجی، عملاً سیاستهای محدودسازی جمعیت به محاق رفت.

اعمال این سیاست، بدون شک، پیامدهایی داشته که برخی از آن ها به ظهور رسیده و برخی نیز در آینده، بیشتر آشکار خواهد شد؛ برخی قابل پیش‌بینی و بخشی غیرقابل پیش‌بینی، برخی مثبت و برخی منفی بوده است. اعمال این سیاست در کنار سایر تحولات ساختاریِ تأثیرگذار بر روند کنترلیِ جمعیت، تأثیر آشکار خود را بر کاهش محسوس میانگین نرخ رشد جمعیت منعکس کرده است. طبق آمارهای رسمی جمعیتی، نرخ رشد باروری کل کشور (در فاصله سرشماری ۱۳۶۵– ۱۳۸۵) از ۲/۳ به ۳/۲ درصد و در سال ۱۳۹۰ این میزان به ۶/۱ درصد، یعنی بسیار پایینتر از حد جانشینی (۱/۲ درصد) تنزل یافته است.

کاهش میزان باروری و تجدید نسل، کاهش حجم جمعیت کل کشور، کاهش نیروی در سنِ کار، بروز بحران سالمندی و پیری تدریجی جمعیت با اقتضائات ویژه، افزایش آمادگی برای پذیرش جمعیت مهاجر و تبعات آن، کاهش تدریجیِ سرمایه اجتماعی ناشی از کمّیت جمعیت، کاهش تدریجی نیروی جوان، کاهش تدریجیِ توان دفاعی و امنیتی، عدم امکان پراکنش جمعیت متناسب با نیازها و ظرفیتهای مناطق گوناگون و... از جمله تبعات این محدودسازی شمرده شده است.

ص: ۱۲۶

آیا در شرایط حاضر با توجه به مناسبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعیِ شکل گرفته در جامعه ما، امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی ناظر به کنترل موالید وجود دارد؟

همانگونه که در پاسخ به سؤال قبل عرض شد، اعمال سیاستهای کنترلی دولت تحت تأثیر مواجهه با شرایط و تحولات ساختاری خاصی اتفاق افتاد و برخی از آن ها نیز به اقتضای دوران و عضویت در جامعه جهانی و عمدتاً تحت تأثیر الگوها و سبکهای زیستی رایج و غالب بر ما تحمیل شد. اتخاذ سیاست های داخلیِ همسو، در شدت این تأثیرپذیری مؤثر بوده است؛ اما اینگونه تحولات ماهیت جهانشمول داشته و در همه کشورها هرچند با نرخهای متفاوت به وقوع پیوسته است. عمدهترین تحولات ساختی که به نوعی اعم از مستقیم و غیرمستقیم، در موضوع کاهش جمعیت مؤثر بوده عبارت اند از:

میل مفرط جوانان، اعم از دختر و پسر، به تحصیلات عالی تا بالاترین سطوح ممکن به عنوان ارزش برتر و تنها مجرای کسب هویت و اعتبار اجتماعی که قاعدتاً به تعویق ازدواج و تشکیل خانواده منجر میشود؛

افزایش میانگین سن ازدواج به دلیل اشتغالات تحصیلی، طولانی شدن مقدمات ورود به بازار کار، بیکاری و عدم استقلال مالی، احیاناً امکان یابی ارضای نیاز جنسی از مجاری غیررسمی؛

به تعویق انداختن اختیاریِ تولید فرزند در سالهای اولیه ازدواج به دلیل احساس نیاز زن و شوهر به کار و تلاش اقتصادی با هدف تأمین نیازها و ملزومات زندگی مشترک، کسب موقعیت اجتماعی، ضعف اطمینان زنان از آینده زندگی مشترک، مانع دانستن وجود یا تعدد فرزند در کسب موفقیتهای شغلی توسط مادران، پرهزینه بودن اداره فرزندان به ویژه تأمین ملزومات رفاهی، پرورشی و تحصیلی آن ها در مقایسه با متوسط درآمد خانوادهها، غالباً دوری از والدین و عدم امکان بهرهگیری از مشارکت ایشان در سرپرستی بچهها، عدم وجود پرورشگاههای سرپرستی بچهها متناسب با نیاز؛

ص: ۱۲۷

هستهای شدن خانواده؛

غلبه تکهمسری به عنوان الگوی رایج در مقیاس جهانی؛

شیوع نازایی؛

عادی شدن موضوع سقط به بهانههای گوناگون؛

کماعتبار شدن شأن مادری و خانهداری در مقایسه با موقعیتهای شغلیِ بیرونی؛

شیوع آلودگیها و آسیبهای فرهنگی اجتماعی محیط و تهدید فرزندان به ویژه در سنین نوجوانی و جوانی، که خود در کاهش تمایل به تکثیر فرزندان بیتأثیر نبوده است؛

آپارتماننشینی غالب در شهرهای بزرگ؛

احساس استقلال و فردیت جوان و کاهش حمایتها و روابط بین نسلی خانوادگی، به شیوه رایج در خانواده گسترده و جامعه سنتی؛

عدم احساس نیاز یا انگیزه برای افزایش نسل، به دلیل از میان رفتن برخی آثار مترتب بر افزایش نسل در جامعه سنتی و توجیهات کارکردی آن؛

عدم احساس نیاز خانوادهها و کشور به جمعیت زیاد به دلیل شیوع بیکاری های آشکار و پنهان، عمدتاً تحت تأثیر مکانیزه شدن بخشهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی؛

تأثیرپذیریِ قهری از سیاستهای تشویقی دولتها مبنی بر کاهش باروری؛

تأثیرپذیری از برخی ایدئولوژیهای عصری نظیر فمینیسم و مخدوش شدن توجیهات نظریِ تولید نسل و چرایی آن؛

و دهها عامل ریز و درشت دیگر.

این وضعیت رفته رفته فضای ذهنی روانی هژمونیک ویژه ای را بر جامعه حاکم کرده و قاعدتاً همه کسانی که بخواهند به رغم اقتضائات قهریِ این فضا، به تکثیر نسل

ص: ۱۲۸

بیندیشند، فشارهای هنجاری سنگینی را متوجه خواهند شد. الان در جامعه ما وضع به گونهای است که غالب والدین از داشتن فرزند چهارم چندان خشنود نیستند و در پاسخ به ایرادات و خردهگیریهای محیطی، ناخواسته بودن آن ها را بهانه میکنند.

ازاینرو، تنها طریقی که میتوان با توسل بدان به تغییر تدریجی فضای فرهنگی متراکم، عادتوارههای نهادی شده، حساسیتهای غالب و ذائقههای تغییریافته امید بست، اقدام اساسی و برنامهریزی شده در جهت ایجاد تحولات ساختاری متناسب و برهم زدن وضعیت موجود است. بدون شک، تا هنگامی که دولت در جهت اصلاح وضعیت ترسیمی فوق، اقدامات اصولی صورت ندهد، هیچ نوع فعالیت فرهنگی در جهت ترغیب تودهها به هنجارشکنی و برهم زدن قاعدههای متعارف قرین توفیق نخواهد بود. سیاستهای فرهنگی به دلیل ماهیت نرم، همواره در مقابله با ساختارهای سخت و متصلب، محکوم به انعطاف و عقبنشینیاند. برخی کارشناسان، ایجاد تحول جدی در این وضعیت ساختاری را به دلیل ماهیت جهانشمول و تناسب علّی و معلولی آن با اقتضائات جامعه و انسان مدرن و روندهای معمول آن، دشوار و توان فرسا اگر نگوییم غیرممکن میدانند.

آیا در فضای کارشناسی کشور اتفاق نظر و درک واحدی در زمینه ضرورت اصلاح سیاستهای جمعیتی وجود دارد؟

یکی از موضوعاتی که در گذشته (دهه شصت) تقریباً همه کارشناسان جمعیتی و جمعیتشناسان کشور بر آن اتفاق نظر داشتند، ضرورت کنترل و تحدید جمعیت کشور با هدف سامانیابیِ فرایندهای توسعه و عبور از پیچهای دوران گذار بود و دولتمردان نیز عمدتاً تحتتأثیر همین دیدگاههای کارشناسانه و ظاهراً مدلل و مستند، به اتخاذ و اعمال سیاستهای کنترلی و فرهنگسازی متناسب ترغیب شدند. اینکه الان با توجه به وضعیت به وجود آمده و شرایط عام کشور چه موضعی دارند، نیاز به مطالعه و نظرسنجی و مصاحبههای جامع دارد. طبیعی است

ص: ۱۲۹

که اگر یگانه داعی و انگیزه برای تجدید نظر در روند موجود و اقدام در جهت افزایش نرخ باروری، صرفاً مسائل ایدئولوژیک و خوف از برهم خوردن توازن جمعیتی میان گروههای مذهبی و نسبتهای اقلی و اکثرِی موجود باشد، به احتمال زیاد، جمعیتشناسان، از منظر تخصص و با منطق متعارفِ حوزه دانشی خود به این موضوع ورود نخواهند کرد. بیشک، اتخاذ موضع قاطع در این خصوص، پای ملاحظات و مصلحتسنجیهای فراعلمی را به میان میکشد. از طرفی، جمعیت شناسی، هیچگاه کمّیت خاصی از جمعیت را برای کشوری توصیه نمیکند. کمّیت مطلوب جمعیت در هر کشور، به مثابه متغیر وابسته، تابع میزان امکانات بالفعل، معیارهای کیفیت زندگی و میزان آمادگی دولت برای تأمین ملزومات زیستیِ اولی و ثانوی جمعیت، متناسب با انتظارات و استانداردهای تعیین شده است؛ ازاینرو ممکن است برخی کارشناسان، حتی در مطلوبیت کمّیت موجود نیز مناقشه کرده، نرخ آن را با توجه به الگوهای زیستی و توقعات نهادی شده و استانداردهای جهانی، زیاد از حد ارزیابی کنند. موضوع دیگری که در ارزیابی وضعیت جمعیتی کشور حائز اهمیت است، پراکنش غیرمتوازن یا آمایش سرزمینیِ نامناسب جمعیت است. غالب کارشناسانی که فشار و تراکم جمعیت، ضعف امکانات، پرهزینه بودن زندگی، مصرف بیرویه امکانات، تشدید وابستگی، بالا ـ رفتن هزینههای امنیتی، بی نیازی و غیرکارکردی بودن جمعیت زیاد و...، را مطرح میکنند، به شهرهای بزرگ و مشکلات انکارناپذیر آن توجه دارند. توصیه به افزایش جمعیت، بدون رفع این نقیصه، بالقوه میتواند مشکلات زندگی در محیطهای شهری به ویژه کلان شهرها را تشدید کند.

در هر حال، انعکاس سناریوهای اعلانی سازمان ملل برای تخمین وضعیت جمعیتی کشور در چند دهه آینده که سرانجام به تقلیل جمعیت کشور تا مرز ۳۱ میلیون نفر در سال ۱۴۸۰ با کاهش شاخص سالخوردگی (۴/۴۷) درصد منجر

ص: ۱۳۰

خواهد شد بسیار تأملبرانگیز است و جلوگیری از وقوع این پیشبینی، به تمهیدات کارشناسانه و مشارکت علوم اجتماعی نیاز دارد. گزارشی که اخیراً و متعاقب این سناریو از سوی برخی کارشناسان برای شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه و تدوین شده، نشانه روشنی بر تکاپوی بدنه کارشناسی کشور در خصوص وضعیت جمعیت است.

به اعتقاد من، موضوع برهم خوردن نسبتهای کمّی میان جماعات مذهبی کشور، اگر چه موضوعی فوقالعاده مهم، حیاتی و شوکبرانگیز است و برای برون رفت از آن، اتخاذ مجموعهای از سیاستهای راهبردی ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد؛ دادن نقش کانونی به آن و غفلت از سایر محملهای توجیهی عاری از حساسیت، ممکن است به درگیر شدن جامعه و افکار عمومی در نوعی رقابت و وزنکشیِ بیپایان منجر شده، سیاستهای جمعیتی را که برای یک کشور در حال توسعه ضرورت اجتنابناپذیر دارد، به بی نظمی های کنترلناپذیر سوق دهد. قبض و بسط جمعیت به منزله سیاستی مقطعی، همواره باید به تبع ملاحظات کارشناسانه و مصالح عقلایی مدیریت شود. در هر حال، تأیید گمانه زنی های کارشناسان سازمان ملل و پیشبینیهای کارشناسان داخلی، هیچگاه به معنای اتفاق نظر در ضرورت خروج از این وضعیت، یا پذیرش شیوهها و سیاستهای راهبردی تمهید شده برای اصلاح وضع موجود نیست.

بر فرضِ امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی در کوتاهمدت، چه راهکارهایی در این زمینه پیشنهاد میکنید؟

اگرچه در ظاهر چنین به نظر میرسد که سیاستهای قبض و بسط جمعیتی نیز همچون برخی دیگر از پروژههای کلان اجتماعی، همواره انعطاف لازم برای قبول وضعیتهای مراد، و تمکین خردورزیهای مقطعی مدیران و کارگزاران جامعه را دارد، متأسفانه استقرار طولانیمدتِ هر وضعیت، به

ص: ۱۳۱

شکل گیری ساختارها، رویه ها، عادتوارهها، منشها، گفتمانها و ایدئولوژی هایی منجر میشود که تغییر آن به آسانی ممکن نیست. ازاینرو، فرض سؤال شما، اجمالاً ـ به صورت شرطی قابل پذیرش است؛ وگرنه تغییر سیاستی که افزون بر مساعدتهای ساختاری و تناسبات متنی و زمینهای، دو دهه به انحاء طرق بر اجرای آن تأکید و پافشاری شده است، به راحتی و بدون تحمل هزینههای گوناگون ممکن نخواهد بود.

از طرفی، تجربیات عینی نیز نشان داده که با موجآفرینی تبلیغاتی، اعمال شوک های روانی، انجام اقدامات مقطعی، اتخاذ تدابیر شتابزده و مطالعه نشده، کاوش نکردن در علل و عوامل موجده و تقویت کننده وضعیتهای عینی، طرح توصیههای عاری از پشتوانههای برنامهای و تمهیدات راهبردی، هیچ تحولِ درخوری متناسب با سطح انتظار و نیاز کشور به وقوع نخواهد پیوست. توصیه های مؤکد مقام معظم رهبری در این بخش نیز ممکن است مشمول گذر زمان شود.

پیشنهاد من این است که ابتدا کمیتهای راهبردی، مرکب از صاحبنظران حوزه های علوم اجتماعی و انسانی، به تناسب ابعاد متعدد و متنوع موضوع تشکیل شود. این کمیته میتواند طی جلساتی، ابعاد مسئله را از زوایای گوناگون متناسب با نیازها، فرصتها و محدودیتهای محیطی بررسی کند و همه اقدامات بایسته را شناسایی و مرحلهبندی کند، وظایف هر سازمان را متناسب با امکانات و ظرفیت های آن مشخص، و نحوه اجرای آن را تعیین کند. همه سازمانها و نهادهای اجرایی و فرهنگی کشور نیز باید در اجرایی شدن بخشهای مربوط الزام شوند. قاعدتاً سازمانی نیز باید فراسوی سازمان های مجری، روند اجرایی آن را رصد و پایش کند.

ص: ۱۳۲

نحوه ورود رسانه ملی در این عرصه چگونه باید باشد؟ آیا ورود مستقیم رسانه ملی به این عرصه، با هدف دعوت مردم به افزایش فرزند را صلاح می دانید؟ ورود غیرمستقیم به این حوزه چگونه میتواند باشد؟

تردیدی نیست که ابتلای کشور به وضعیت موجود، محصول و معلول اقدامات ایجابی و سلبیِ عدیدهای است که در دو دهه اخیر به صورت آگاهانه و ناآگاهانه اعمال و اجرا شده و بخش قابل توجهی از آن نیز به اصطلاح، کارکرد پنهان و اثر وضعی و تبعات ناخواسته سیاستهایی است که عمدتاً تحت تأثیر وضعیت ساختاری کشور، شرایط سیاسی اجتماعی اقتصادیِ دوران سازندگی، تبلیغات، سیاستهای مقطعیِ دوران گذار، الگوگیری از کشورهای پیشرفته، جدی گرفتن پیشبینیهای امثال مالتوس مبنی بر تصاعد هندسیِ رشد جمعیت در مقایسه با تصاعد حسابی رشد امکانات و... حاصل شده است و راه برونرفت از آن نیز قاعدتاً به سیاست گذاری، برنامهریزی، تدابیر چندمرحلهای، مهندسیهای چندجانبه و دقیق نیاز دارد و هر نوع شتابزدگی و سطحینگری ممکن است به تثبیت وضع موجود کمک کند. رسالت عام صدا و سیما به مثابه رسانه ای پرمخاطب و تاثیرگذار، دانشگاهی عمومی و کارگزار فعال فرهنگی اجتماعی در مقوله پرگستره، پیچیده، حساس، دیربازده و در عین حال، بنیادین و هدایتگر یعنی «فرهنگ سازی» خلاصه میشود. این رسانه میتواند از همه ظرفیتها و قالبهای برنامهایِ خود به تناسب موضوع بهره گرفته، در جهت تحقق این مهم ترجیحاً به صورت غیرمستقیم، افکار عمومی را به اهمیت هشدار رهبری و کارشناسان جمعیتی کشور حساس کند؛ با طرح مستمر مباحث کارشناسی، جنبه مسئلهایِ موضوع و آثار و تبعات آن در آینده کشور را برجسته و مدلل سازد؛ عوامل ساختاری و فرهنگیِ مؤثر در حصول وضعیت موجود را شناسایی و تحلیل کند؛ راههای برونرفت آن را در معرض چارهاندیشی و اندیشهورزی قرار

ص: ۱۳۳

دهـد؛ بـدنه کارشناسـی کشـور را در جهت تولیـد و اسـتقرار فضـای گفتمـانی همسـو بسـیج کنـد؛ موانع موجود در راه تحقق آن را شناسایی و تحلیل کند؛ بینشـها و نگرشـهای مسـئولان و مردم را بازخوانی کند؛ به ضـرورت بازنگری سـیاست ها، برنامهها، نگرشها، قوانین و مقررات موجود توجه دهـد؛ سؤالات و شـبهات توده هـا در این خصوص را در معرض مـداقهها و تأملات کارشـناسان قرار دهـد؛ تجربیـات سـایر کشورهـا را منعکس سـازد؛ کلیشـههای ذهنی و رویههـای عملیِ تثبیت شـده موجود را با تحلیل آسیبشـناسانه واکاود؛ در جهت ترغیب جوانان به ازدواج، تسهیل زمینه های ازدواج، کاهش سن ازدواج، استحکام خانواده و کاهش میزان طلاق، اهمیت و کارکردهـای متنوع فرزنـدداری، تقویت الگوی مادری به مثابه مهمترین وظیفه زنان، کاهش فاصـله موالیـد، راههای درمان نابـاروری، ترویـج زایمـان طبیعی به جـای توسـل به شـیوههای طبی که خود موجب عقیمسـازی می شود، تعـدد زوجـات به صورت مشـروط و مقیـد، سیاسـتهای بهینهسازی نسل، آموزش شـیوههای مـدیریت خانواده پرجمعیت و... فرهنگسازی و اطلاع رسانی کند؛ موضع دین و سـیره عملی بزرگـان دین را تبلیغ کنـد؛ وظـایف سازمانهـا را مکرراً به آن ها گوشـزد کنـد؛ اقـدامات در حال انجام را منعکس سـازد؛ ضـعفها و کاستیهای موجود در مسـیر تحقق این منظور را برجسـته و کارشناسـی کنـد؛ اجرای سیاسـتهای جمعیتی را رصد کند و... .

بـدیهی است که تحقق این مهم، اولاً مشارکت مسـئولانه و متعهدانه همه سازمانهای مربوط و همکاری وثیق آن ها را می طلبد؛ ثانیاً فرایند فرهنگسازی و زدودن ذهنیتها و موانع موجود، کاری طولانیمدت و پرتنش خواهد بود. ازاین رو، توقع دریافت سریع بازخورد مثبت و اخـذ نتایـج فوری، بیجـا خواهـد بود؛ ثالثـاً عملکردهـای متشـتت و متنـاقض رسـانه ملی یا سایر سازمانهای مسئول، به فرایند فرهنگسازی، الگودهی و هدایت افکار عمومی لطمه خواهد زد؛ رابعاً

ص: ۱۳۴

رسانه ملی، باید نقش و رسالت خویش را در ارتباط تنگاتنگ با بدنه کارشناسی کشور (حوزه و دانشگاه) و بهرهگیری عمیق از یافتههای نظری و تجربی به سامان رساند و از کلیشهسازی های ملالآور و رماننده، عملکردهای سلیقهای و تولید محصولات کم مایه و ضعیف بپرهیزد؛ خامساً دولتمردان باید مقارن با اعمال سیاستهای فرهنگی، به اصلاحات و تحولات ساختاریِ متناسب همت گمارند. در غیر این صورت، امید دستیابی به نتایج مورد انتظار، قرین توفیق نخواهد بود.

با توجه به اینکه حوزه و روحانیت در جا انداختن سیاست ضرورت کنترل موالید نقش مهمی داشته است، آیا استفاده رسانه از روحانیان یا به طور کلی پیام های دینی برای دعوت مردم به ازدیاد نسل را درست میدانید؟

ضرورت افزایش جمعیت در کشور، معلل به اغراض و مبتنی بر درک ضرورت های ساختی کارکردی متعددی است که قاعدتاً افکار عمومی باید تدریجاً به مبانی نظری، مفروضات زمینهای و منطق توجیهی آن تفطن و وقوف حاصل کنند. موضوع کنترل و تقلیل جمعیت که در چند دهه اخیر، اکثر کشورهای اسلامی بر اجرایی شدن آن تأکید ورزیدهاند، اگرچه حساسیت مؤمنان و شریعتمداران و مقاومت در تمکین سیاستهای کنترلی، موجب شد تا پای فقه و مواضع هنجاری آن نیز به میان کشیده شود و دیدگاه های گوناگون در موافقت و مخالفت با آن در میان فقها شکل گیرد، اما تحلیل حوادث چند دهه اخیر کشور ما و برخی کشورهای اسلامی نشان می دهد که در این خصوص نیز غالباً از فقه و ظرفیتهای فقهی به نفع سیاستهای توسعهایِ پذیرفته شده دولتها و الگوهای وارداتیِ مدعی قابلیتهای جهانشمول غربی، استفاده ابزاری و توجیهی شده است. مقارن اجرای سیاستهای کنترلی، از هر کوی و برزن توصیهها و تذکارهایی از قبیل «قله العیال احد الیسارین؛ صاحب العیال لایفلح ابدا»، یا روایاتی که یکی از موجبات گرفتاریهای زمانه را در کنار فقر، کثرت عیال ذکر کرده، شواهد

ص: ۱۳۵

دال بر جواز تأخیر ازدواج مؤمنانِ فقیر و فاقد بضاعت تا حصول تمکن لازم، جواز سرپیچی کامل از ازدواج برای کسانی که خوف درغلطیدن به دام گناه ندارند، جواز به تأخیر انداختن مشروطِ تولید فرزند، تأکید بر توصیه‌های اسلام در خصوص کیفیت و بهینه‌سازی نسل به جای رشد کمّی آن، عصری و تاریخی تفسیر کردن توصیه‌های اسلام به افزایش نسل، عسرآور و حرجی بودن زیادت اولاد در عصر و زمان حاضر و...، شنیده میشود و متقابلاً ـ ادله و شواهد دال بر موضع مخالف که احتمالاً از نظر کمّی و کیفی، وضعیت و قوّت سندی و دلایل گویاتری دارند، تحت تأثیر این فضاسازی به محاق میروند و حوزه‌های علمیه نیز در مقابل انبوه توجیهات کارشناسانه، به نوعی مارپیچ سکوت تسلیم میشوند. کسانی هم که از موضع فقهی بر موضوعیت داشتن افزایش مستمر و کنترلناپذیرِ نسل به مثابه سیاستی راهبردی تأکید میکردند، به تحجر و صورتگراییِ عاری از رعایت اقتضائات زمان و مکان متهم شدند.

به زعم من، وجود مستنداتِ همین دو موضع متقابل در منابع دینی، نشانه روشنی است بر اینکه سیاستهای کنترلی و قبض و بسط جمعیت، همواره باید فراتر از زیرساختها و ظرفیتهای طبیعی و بیولوژیک به خردورزی، توجیه پذیری عقلانی، ضرورتهای کارکردی، نیازها و اقتضائات محیطی و به طور کلی، ملاحظات ثانوی مستند باشد. با فرض قبول این مبنا، روحانیت نیز صرفاً در جایگاه یکی از کارگزاران فرهنگی، البته بسیار تأثیرگذار و نقش‌آفرین میتواند در اصلاح نگرشها و بسترسازی فرهنگی مناسب مشارکت کند. این موضع که توصیه‌های ارشادیِ روایات و فقه، ناقض توصیه‌های کارشناسانه دارای پشتوانه‌های منطقی و توجیهات و ترجیحات عقلانی نیست، چیزی است که فقط از روحانیت شنیدنی است. تردیدی نیست که روحانیت نیز در شرایط کنونی، برای ایجاد تغییر در انگاره‌های نظری و رویه‌های عملیِ شکل یافته، زدودن

ص: ۱۳۶

ته نشستهای القایی و اقناع افکار عمومی، نمیتواند به بیان مواضع دین، بدون توسل به توجیهات کارشناسانه بسنده کند. جهت پرهیز از لوث شدن موضوع و متهم شدن فقه به پیروی سیاست ها، و بالاتر از آن، متقاعد کردن کارشناسانِ موافق وضع موجود و مخالف افزایش جمعیت، و احیاناً روحانیون موافق با سیاستهای کنترلی، روحانیت همواره باید در طرح مواضع خود و رد و قبول دیدگاههای مخالف و موافق، به تحلیلهای عقلانی، دلایل کارشناسی، شواهد آماری و توجیهات جمعیتشناختی ارجاع دهد.

با این مقدمات و رعایت ملاحظات پیش گفته، تردیدی نیست که مشارکت روحانیت در کنار سایر کارگزاران فرهنگی، همچون سایر عرصههای تحول فرهنگی اجتماعی، نه فقط لازم، که ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

ص: ۱۳۷

۷. گفت وگو با جناب آقای دکتر محمدتقی کرمی

۷. گفت وگو با جناب آقای دکتر محمدتقی کرمی(۱)

سیاستهای جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته در پیش گرفته است، چگونه تحلیل میکنید؟ این سیاستها چه اشکالها و آسیبهایی داشته است؟

بنده قبل از بحث، به سیاست های جمعیتی در ایران و در قبل از انقلاب اشاره ای داشته باشم. اولین بار در سرشماری ۱۳۴۵ دولت با این واقعیت مواجه شد که جمعیت ایران به بالای ۳۶ میلیون نفر رسیده است. بلافاصله در دولت آن زمان، سیاستهایی مبنی بر کنترل جمعیت وضع شد و اجماعی در سطح کلان حاکمیت وقت به وجود آمده بود که باید به سمت کنترل جمعیت رفت. این سیاستها توسط فرح پهلوی حمایت می شد. برآوردها این بود که اگر جمعیت به همین روال پیش برود، جمعیت ایران به زودی به مرز صد میلیون نفر خواهد رسید؛ بنابراین دولت سیاست های کنترل جمعیت را پیگیری کرد، که این سیاست ها از سال ۴۶ و ۴۷ به اجرا درآمد و اوج آن در دهه ۵۰ بود. بعد از انقلاب، به دلایل متفاوتی از جمله دلایل فرهنگی، سیاست های کنترل جمعیت به حاشیه رفت. استدلال این بود که سیاست کنترل جمعیت، طاغوتی و خلاف فرهنگ ماست و اسلام به جمعیت نیاز دارد. این علت و مهم تر از آن،

۱- دانشآموخته حوزه و دانشگاه، کارشناس حوزه مباحث زن و خانواده و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

ص: ۱۳۸

واقعیت های جمعیت شناختی، باعث افزایش جمعیت شد به گونه ای که رشد جمعیت حتی به بیش از چهار درصد رسید. این رشد جمعیت بعدها در افکار عمومی، به شعارهای جمهوری اسلامی ایران در سالهای نخست پیروزی انقلاب مستند شد. در صورتی که این سیاست ها و شعارها نمی توانست برای افزایش جمعیت در هشت سال اول دهه شصت، عامل خیلی مهمی باشد. بعد از پایان جنگ و مشخصاً حتی در سال های ۶۶ و ۶۷ زمزمه هایی مبنی بر اینکه جمعیت ایران رو به افزایش است و این انفجار جمعیت می تواند خطرناک باشد، مطرح شد و سیاستهای دولت به سمت تعدیل جمعیت رفت. دولت(دولت سازندگی) در آن زمان بودجه هایی برای کنترل جمعیت تصویب کرد؛ خانه های بهداشت در روستاها و شهرهای کوچک خیلی فعال شدند و صدا و سیما و حتی روحانیت در این زمینه فعال شدند. روحانیت وقتی برای تبلیغ در آن زمان اعزام می شدند، موظف میشوند که درباره کنترل جمعیت و عدم تعارض دین با این موضوع، به مردم آموزش دهند. در آن زمان کارشناسان وزارت بهداشت سر کلاس های حوزه می رفتند و راجع به کنترل جمعیت صحبت می کردند. در زمان حضرت امام، بحث های نظری این مباحث شروع شد؛ ولی این سیاست ها در قالب برنامه سوم توسعه و در زمان آقای هاشمی رفسنجانی شروع و اجرا شد. البته نباید دنبال این باشیم که امام با این موضوع موافق بوده اند یا خیر؛ چون این مسائل خیلی کوچک بودند و امام در اواخر عمر خود، بیشتر درگیر مسائل جنگ و مسائل کلان بودند. اجماعی در کل جامعه مطرح بود و اگر کسی هم مانند علامه تهرانی، با این موضوع مخالفت می کرد، حتی در محافل حوزوی کسی اهمیت نمی داد. زمانی آیت الله یزدی در سیما گفتند که اگر فاصله سنی فرزندان سه سال باشد، ما جمعیت را کنترل کرده ایم. بعضی ها گفتند این حرف اشتباه است. از طرف مراجع تقلید آن موقع نیز، مثل آقای گلپایگانی و آقای اراکی مخالفت جدی در این مورد

ص: ۱۳۹

صورت نگرفت و کسانی هم که مخالف بودند، مخالفتشان را به شکل احتمال و نگرانی مطرح می کردند. اگرچه بنده معتقدم که اگر این موضوع به امام عرضه می شد، قطعاً آن را تأیید می کردند.

اوج این سیاست در دهه هفتاد است که تا ابتدای دولت آقای احمدی نژاد ادامه داشت و آقای احمدی نژاد هم که موضوع را مطرح کردند، بعضی ها با تمسخر به مسئله نگاه کردند.

آیا در شرایط حاضر با توجه به مناسبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته در جامعه ما، امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی ناظر به کنترل موالید وجود دارد؟

ما در کوتاهمدت نمی توانیم الگوهای رفتاری مردم در زادوولد را عوض کنیم و نتیجه بگیریم. ما باید سیاست های درازمدت داشته باشیم و یکی از کارهایی که لازم است بکنیم، توجه به تجربه های دیگران است، و در کنار آن و شاید مهمتر از همه، ارتقای سطح معیشت مردم است. ما باید اول سبک و گفتمان حاکم بر اذهان مردم را مبنی بر اینکه زندگی خیلی راحتتر از این حرفهاست عوض کنیم و به مردم بگوییم که ما در این دنیا آمدهایم که عبودیت کنیم. این طور نیست که اگر الان تحریم شویم و مشکل سیاسی نداشته باشیم، از گرسنگی می میریم. آیا ذهنیت مردم اجازه می دهد که به دهه شصت برگردیم.

شرایط موجود جامعه ما، پیچیدگی هایی با وجوه مثبت و منفی دارد. زندگی روستایی می تواند یک سال در محاصره زندگی کند؛ ولی یک زندگی شهری نمی تواند پنج ساعت بدون اینترنت دوام بیاورد. بسیاری در حوزه و دانشگاه، مشکل را سبک زندگی می دانند و فکر می کنند خیلی حرف بزرگی می زنند و با چند سریال و چند توصیه اخلاقی، می شود سبک زندگی را عوض کرد. وقتی سطح اقتصاد و معیشت پیچیده شد، ما نمی توانیم این فضا را به راحتی عوض کنیم.

ص: ۱۴۰

آیا در فضای کارشناسی کشور اتفاق نظر و درک واحدی در زمینه ضرورت اصلاح سیاستهای جمعیتی وجود دارد؟

بایـد گفت: نه؛ اجمـاعی وجود نـدارد و دلیلش را گفتم. ولی در سال ۶۸ اجمـاع بود. هر کس می گویـد من مخالف بودم، دارد از آب گلآلود ماهی می گیرد.

بر فرضِ امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی در کوتاهمدت، چه راهکارهایی در این زمینه پیشنهاد میکنید؟

در کوتاهمـدت فقـط می تـوانیم سـیاست هـای کنـترل جمعیت را قطـع کنیم و موانـع قـانونی کنـترل جمعیت را برداریم. در اصـلاح سیاسـتهای جمعیتی، باید به چند نکته توجه کرد: نکته اول؛ مسئله جمعیت، مسئله حوزه خصوصی است؛ یعنی تنظیم توالد آدم ها به خودشـان برمی گردد و تعـداد فرزنـدان جزو حقـوق خصوصـی زوجیـن است و بایـد به رسـمیت شـناخته شـود. اگر نظـامی افزایش جمعیت را می خواهـد یـا می خواهـد آن را کاهش دهـد، مکانیزم این کار بایـد بهگونهای باشـد که عاملیت افراد را در زنـدگیشان تحت الشـعاع قرار ندهد. من باید به این نتیجه برسم که بچهدار شدن خوب است یا نه. یعنی هدایت موضع خصوصـی باید به سمت عـدم مـداخله در حوزه خصوصـی برگردد و ورود مستقیم توسط دولت صورت نگیرد. این ورود مستقیم، در جاهایی نتایج عکس دارد. در طبقه متوسطِ شهرنشـین، مـداخله دولت ها نتیجه عکس دارد و آن را تحدیـد حقوق در حوزه خصوصـی قلمـداد می کنند. بنـابراین، از آن طرف توجه به این مسـئله در تحلیل آن اتفاقاتی که در گذشـته افتاده است، خیلی مهم است. سوء تفاهمی برای نظام به وجود آمـده و آن این است که در گذشـته، مـا جمعیت را کنترل کردیم؛ پس اگر حالاـ هم کنترل جمعیت را برداریم، می توانیم جمعیت را افزایش دهیـم. درسـت اسـت که همّ و غم دولت هـا حـداقل در دولت هـای سازنـدگی و اصـلاحات به کنـترل جمعیت معطوف شـده بود، امـا علت کـاهش جمعیت، دخـالت دولت نبود. علتش این بود که گفتمـان حاکم بر فضای جامعه و واقعیت های معیشتی

ص: ۱۴۱

جامعه، اقتضای کنترل جمعیت داشت؛ برای مردم تحصیلات، مدیریت آموزش و تربیت فرزندان و آینده آنان مهم شد. یعنی فضای گفتمانی خیلی محکم علیه بچه داری در جامعه رایج شده بود. آن فضای گفتمانی باعث شد که البته سیاست های دولت بدون مقاومت باشد. موفقیت سیاست های دولت در گذشته صرف نظر از درست یا غلط بودن نباید غلط فهمیده شود... . همچنانکه سیاست ها تعیینکننده موفقیت ما در کنترل جمعیت نبودند، تغییر سیاست ها هم تعیین کننده موفقیت ما نیستند. بنابراین، مردم ما از افزایش جمعیت استقبال نخواهند کرد. چون فضا، فضای گفتمانیِ سازگار با افزایش جمعیت نیست. مخصوصاً در شرایط حاضر، حاکمیت توان تغییر گفتمان ندارد. ممکن است بعضی ها اقداماتی برای فرزنددار شدن بکنند، ولی تغییر این گفتمان خیلی مشکل است. در گذشته دولت ها فکر می کردند در همه حوزههای زندگی انسانها میتوانند مداخله کنند، اما امروز این گونه نیست؛ در نتیجه دولت ها نباید وارد حوزه خصوصی افراد شوند.

باید به این نکته توجه کرد که وقتی آقای احمدی نژاد موضوع تجدید نظر در سیاست کنترل جمعیت را مطرح کرد، اولین جایی که با او مخالفت کرد، مجلسِ هم گفتمان با دولت بود. سؤال من این است که در سال ۶۸ چه می شود که ما حتی می توانیم ادعا کنیم امام هم در همین مسیر بوده است و کسانی که می گویند ما همان موقع هم مخالف بودیم، نه اینکه مخالف بودند؛ نگران آینده بودند و آن ها خیلی در اقلیت بودند. حرف من این است که چه می شود سال ۶۸ مراجع سکوت می کنند؟ چه می شود که سال ۸۹ مجلس با طرح پرداخت یک میلیون تومان به نوزادان مخالفت می کند؟ این همان حاکمیتِ گفتمانِ سازگار با کنترل جمعیت است. بله، سیاست های دولت و فرمایشات مقام معظم رهبری ممکن است رشد کمّی در پی داشته باشد؛ ولی آیا عموم جامعه از این فرمایشات تبعیت می کنند؟ غلبه این گفتمان خیلی مهم است و دولت ها باید بتوانند این گفتمان را عوض کنند و اگر این گفتمان را عوض کنند، می توانند به سمت تغییر جهت حرکت کنند.

ص: ۱۴۲

نکته دوم این است که در اصلاح سیاستهای جمعیتی، باید به ویژگیهای قومی و منطقهای توجه کرد و نباید سیاست یکنواخت برای کل ایران در نظر گرفت. اگر دولت ما واقعاً می خواهد جمعیت را افزایش دهد، باید به سمت تغییر گفتمان برود و این تغییر گفتمان باید از راه های غیرمستقیم، درازمدت و پرهزینه صورت گیرد و در عین حال ما باید برای هر منطقه، سیاست منطقهای داشته باشیم.

اما نکته اینجاست که ما همین الان، وقتی شعار افزایش جمعیت می دهیم، باید توجه داشته باشیم که آینده جمعیتمان را پیش بینی کنیم. همان اتفاقی که در دهه شصت افتاد، دوباره دارد اتفاق می افتد؛ یعنی بچه های متولد شصت در دهه نود به سن باروری رسیدند و بچه های متولد سال ۹۰ و ۹۱ در سال های ۱۴۱۰ به باروری می رسند. یعنی خواسته یا ناخواسته، ما در این دهه افزایش جمعیتی خواهیم داشت. یکی از چیزهایی که جمعیتشناسان باید به آن توجه کنند، مسئله سیکل های جمعیتی است. شما می بینید یک سری از دخترها بدون شوهر مانده اند و این ها متولدین دهه شصت هستند. چون این ها باید با متولدین دوره های قبل ازدواج می کردند که در آن دوره ما به اندازه دختران دهه شصت پسر نداشتیم، که این بحرانی را درست کرد. همین اتفاق دوباره دارد تکرار می شود. یعنی شما دورهای کنترل جمعیت داشتید و میزان موالید در سال های انتهایِی دهه هشتاد به شدت کنترل شده است؛ به دلیل افزایش جمعیت دهه نود، دوباره دخترانی که در دهه نود به دنیا می آیند، دچار مضیقه ازدواج می شوند، همان طور که الان پسران متولد دهه هفتاد برای ازدواج مشکل دارند؛ چون دختران همسن و سالشان نیست. به این، مضیقه ازدواج گفته می شود. باید حواسمان باشد دچار شوک جمعیتی نشویم که مخصوصاً در شرایط فرهنگی موجود، مفاسدی به وجود می آورد. یکی از مشکلات ما این است که به آینده دموگرافیک ایران توجه نمی کنیم. پیشبینی این است که در دهه نود چقدر ازدواج صورت می گیرد و بر اساس آن چقدر توالد خواهیم داشت. بالاخره هر خانواده یک یا دو بچه که می خواهد. شما حساب کنید ما در دهه نود، چند میلیون

ص: ۱۴۳

واقعه ازدواج خواهیم داشت. برآورد من این است که حداقل در دهه نود، هشت میلیون واقعه ازدواج خواهیم داشت. ما نباید نوسان جمعیتی درست کنیم. اگر به توزیع بومی جمعیت توجه کنیم، می بینیم در بعضی استان ها بالای چهار است و در بعضی استان ها دارد به نزدیک صفر می رسد. این ها خیلی خطرناک است؛ یعنی شکاف های فرهنگی و جمعیتی ایجاد می کند.

ما باید جلوی شوک جمعیتی را بگیریم. اینکه جامعهای در هر ده سال یک بار، سیاستش را درباره افزایش یا کاهش جمعیت تغییر دهد، خیلی بد است. حالا این دفعه بین سیاست افزایش و کاهش، تقریبا ۲۲ سال فاصله است... . ما باید جمعیتی داشته باشیم که رشد ثابت و منطقی داشته باشد و البته در یکی دو نسل، هزینه های اقتصادی، فرهنگی و... آن را هم بدهیم؛ اما بهتر از این است که چندین نسل هزینه دهیم.

نحوه ورود رسانه ملی در این عرصه چگونه باید باشد؟ آیا ورود مستقیم رسانه ملی به این عرصه با هدف دعوت مردم به افزایش فرزند را صلاح میدانید؟ ورود غیرمستقیم به این حوزه چگونه میتواند باشد؟

ورود مستقیم را به صلاح نمی دانم. در درباره ورود غیرمستقیم، بازیگر اصلی گفتمان ساز، رسانه ملی است. نکتهای را باید در نظر گرفت که صدا و سیما در بیست سال گذشته، بیشترین هزینه را برای کنترل جمعیت، به شکل غیرمستقیم و موفق کرده است. اگر قرار باشد نهادی را در بحث کنترل جمعیت محاکمه کنیم، صدا و سیما یکی از مهم ترین نهادهاست. در اینجا بر بازنمایی خانواده در رسانه تأکید می کنم. بازنمایی یعنی در یک گام تحریف واقعیت، و در گام بعد تبدیل آن واقعیت تحریف شده به واقعیت. مثلاً ضرورت وجود مبل در آپارتمان ها را صدا و سیما وارد زندگی مردم کرد. در سریالهایی که ساخته شد، همه در خانه مبل داشتند. به تدریج این ذهنیت تشکل گرفت که خانواده بدون مبل ممکن نیست. یکی از کارهایی که رسانه در زمینه کنترل جمعیت کرد، حذف جمعیت از

ص: ۱۴۴

خانواده ها بود. اولاً ـ بُعد خانواده را کوچک کرد؛ ثانیاً از داستان خانواده، کودک را حذف کرد. صدا و سیما خانوادهای را در جامعه هنجار و بازنمایی کرد که اساساً کوچک و بدون فرزند بود.

حالا صدا و سیما باید برعکس عمل کند. اتفاقات شیرین را در خانواده های پرجمعیت تصویر کند و در آن نقش فرزندان را، ایجاد نشاط در خانواده معرفی کند. یکی از عوامل بالا بودن افسردگی در مناطق اسکاندیناوی، کاهش فرزندان دانسته شده است. البته صدا و سیما باید زیرپوستی عمل کند و نباید شعار شفاف دهد؛ باید همانطور که خانواده کم فرزند را بازنمایی کرد، به خانواده با فرزند و گسترده بپردازد.

با توجه به اینکه حوزه و روحانیت در جا انداختن سیاست ضرورت کنترل موالید نقش مهمی داشته است، آیا استفاده رسانه از روحانیان یا به طور کلی پیام های دینی برای دعوت مردم به ازدیاد نسل را درست میدانید؟

مدیریت جمعیت، مسئله عادی، جاری و دنیوی ماست. نباید با مسئله جمعیت، دینی برخورد کنیم؛ چه در بحث کنترل و چه در بحث کاهش. مردم ایران ارزش های دینی را ثابت می دانند. تلقی مردم از روحانیت این است که ارزش های مطلق را به ما می دهند. به همین علت، پیوند روحانیت با سیاست زدگی را برنمیتابند. امروز بگوییم افزایش جمعیت، بعد آیه قرآن بخوانیم؛ فردا بگوییم کنترل جمعیت، بعد آیه قرآن را بخوانیم. آسیبی که روحانیت از بحث جمعیت خورده است، کم نیست. بنده با حضور روحانیت در بحث افزایش جمعیت، از آن جهت که روحانیت است، مخالف هستم. بله، به عنوان کارشناس جمعیت، کارشناس فرهنگ، یا کارشناس سیاست، خوب است. حتی روحانیت بگوید ما امروز جمعیتمان دارد در برابر اهل سنت کم می شود؛ باید جمعیت را افزایش بدهیم. این حرف دینی نیست؛ حرف دین دارانه است. یعنی مردم می فهمند که عالم دینی ممکن است در موقعیتی بگوید جمعیت را کاهش دهید و در موقعیتی

ص: ۱۴۵

بگوید جمعیت را افزایش دهید. مردم فتوای سیاسی را می فهمند؛ اما بازی سیاسی با دین را برنمی تابند. مردم می فهمند که میرزای شیرازی تنباکو را برای همان روز تحریم کرده است. اما اگر بگوییم قرآن می گوید بچه را زیاد کنید، مردم می گویند چرا سال ۶۷ این حرف ها را نمی زدید. من شدیداً نگران خرج کردن روحانیت در این عرصه هستم. معتقدم که روحانیت را نباید بازی داد و نباید بازی بخورد. بله، من به عنوان رهبر دینی ممکن است بچهدار شدن را واجب کنم. فتوای سیاسی غیر از این است که بخواهیم با قرآن و روایات این سیاست ها را به پیش ببریم. روحانیت هم باید خیلی هوشیار باشد و دولت هم از استفاده ابزاری از روحانیت بپرهیزد.

ص: ۱۴۶

۸. گفت وگو با جناب آقای دکتر سیدعلیرضا مرندی

۸. گفت وگو با جناب آقای دکتر سیدعلیرضا مرندی(۱)

سیاست های جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در این دو سه دهه در پیش گرفته است، چگونه تحلیل و بررسی می کنید و به نظر شما این سیاست ها چه آسیب ها و مشکلاتی داشته اند؟

علت مطرح شدن این سیاستها این بود که سال های اول پیروزی انقلاب اسلامی بود و جنگ تحمیلی به شدت ادامه داشت و منابع انسانی و مالی ما را به هدر می برد. جمعیت هم رو به افزایش بود. رشد جمعیت به ۲/۳ درصد رسید و محدودیت های اطلاعاتی زیادی وجود داشت و در نتیجه مدرسه ها چندشیفته بود و همه ارزاق مردم به صورت کوپنی بود و آن اجناس هم از کیفیت پایینی برخوردار بود و چاره ای جز مصرف آن نداشتیم. از نظر سلامت هم که بنده آن موقع وزیر بودم، خدمات مطلوب به مردم داده نمی شد و نیازهایی که داشتند مورد اجابت قرار نمی گرفت. این نگرانی هم وجود داشت که این جمعیت بعد از بیست سال دوبرابر شود در حالی که کشورهای اروپایی مثل ایتالیا بودند که مثلاً هر چندین صد سال یکبار، جمعیتشان دوبرابر می شد. لذا نگرانی از این بابت وجود داشت که با توجه به کمبود امکانات و رشد جمعیت، افراد، کم سواد شوند و دیگر مشکلاتی مانند سلامت و اشتغال جامعه، پیش بیاید. نهایتاً با مسئولان

۱- نماینده محترم مجلس شورای اسلامی، وزیر پیشین بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رئیس فرهنگستان علوم پزشکی.

ص: ۱۴۷

نظام این موضوع را مطرح کردیم و بعـد خـدمت حضـرت امام نامه ای نوشـته شد و ایشان تأکید کردند که این مطلب مهمی است و لـذا حتی حوزه هم وارد صـحنه شـد و نظام این را پـذیرفت و به قانون تبـدیل و اجرا شـد. تنظیم خانواده و کنـد شدن رشد جمعیت، وقتی ترویـج شد که مردم متوجه شدند تنظیم خانواده و کند شدن رشد جمعیت، مغایرتی با اسـلام ندارد. حتی وقتی من با مسـئولان نظـام مطرح می کردم، نگران این موضوع بودنـد که این کـار بـا اسـلام مغـایرتی نداشـته باشـد. در نهایت، وقتی امام این موضوع را پذیرفتنـد، به تبع آن مردم هم این موضوع را قبول کردند و رشد جمعیت کندتر شد. خود مقام معظم رهبری هم دو جا اعلام کردند که این سیاست در آن زمان درست بوده است، ولی در رصد و نظارت بر این موضوع غفلت شده است به طوری که جمعیت شناس ها معتقدنـد که در سـی یا چهل سال آینـده، رشـد جمعیت ایران به صـفر می رسد. لذا باید هرچه زودتر برای اصـلاح این کار وارد عمـل شـد، که این یکی از مشـکلات اساسـی کشور ماست. در حال حاضـر، فرمایش مقام معظم رهبری کاملاً درست است؛ هرچند ممکن است این موضوع مورد قبول همگان نباشد؛ چون بعضـی ها ورودی به این کار ندارند و بعضی هم که ورود می کنند، نگران این موضوع هسـتند که ما همین جمعیت حاضـر را نمی توانیم به لحاظ بعضـی خـدمات مانند مسـکن، بهداشت، درمان، اشـتغال و... تأمین کنیم و به صـرف این نیست که گفته شود مملکت ما نفت، معادن و ظرفیت هایی دیگر دارد، پس تا فلان عدد جمعیتی را می تواند اداره کند. آن ها می گویند اگر این ظرفیت را داریم، پس چرا حالا نمی توانید اداره کنید. این ها مواردی است که هم نیاز به تبیین دارد و هم نیـاز دارد به این نشـان داده شود که نظـام، توانـایی انجـام این کار را دارد، که این به عهـده مسـئولان است؛ چه در دولت و چه در مجلس. هر کس الان دوست دارد در این زمینه کمکی کنـد، بایـد سـعی کند احساسـی نظر ندهد، بلکه منطقی فکر کند. مثلاً

ص: ۱۴۸

اگر کارشناس جمعیت شناسی صحبت می کند، فقط جنبه های مثبت آن را نباید بگوید؛ باید جنبه های منفی آن را هم بگوید. به نظر من برخی مواردی که در شورای انقلاب فرهنگی تصویب شد، جنبه احساسی داشت. مثلاً استاندار سابق قزوین گفت این چه چیزی است که شما دارید تصویب می کنید که بیاییم به هر بچه ای که به دنیا می آید، زمین، سکه و پول بدهیم؟ مگر ما در استان قزوین چقدر زمین داریم که بخواهیم به هر بچه ای که به دنیا می آید زمین بدهیم؟ این ها ابعاد کوچکی است که احتمالاً ـ هم غیرمؤثر است؛ به خصوص که مقام معظم رهبری در فرمایشاتشان همیشه بر نخبگان، و جمعیت کیفی تأکید می کردند و حتی در جمع بعضی اعضای شورای انقلاب فرهنگی، به همان اعضا گفته بودند شما که از نخبگان هستید، یک بچه دارید. به نظر میرسد تأکید مقام معظم رهبری بر جمعیت، بیشتر کیفی است؛ همان طور که اینجانب حداقل دو بار از ایشان شنیدهام که ما باید در دنیا در پنجاه سال آینده، حرف اول را بزنیم و این طبیعی است که با جمعیت کیفی عملی خواهد بود. در شورای عالی انقلاب فرهنگی و در مجلس هم باید از این دید به قضیه نگاه شود. جمعیت، هم می تواند فرصت و هم می تواند تهدید باشد. شما جمعیتی را تصور کنید که نه سواد درستی دارند و نه از نظر هوشی بهره بالایی دارند. این ها بعدها ممکن است سربار جامعه باشند. خب این جمعیت در آینده امنیت جامعه را هم به خطر می اندازند. بنابراین وقتی برای آینده برنامه ریزی می کنیم، باید کاری کنیم که این جمعیت حتماً اضافه شود، اما جمعیتی باشد که آینده کشور را به طرف تعالی ببرد و ممکن است نوع تبلیغات و اقدامات برای این هدف متفاوت باشد و باید با کارهای عمیق به این مسئله نگاه کرد. این جمعیت حتماً باید سالم باشد؛ در حالی که بعضی از دوستانی که درباره این مسئله اظهار نظر می کنند، می گویند ما مطلقا نباید به فاصله گذاری بین حاملگی ها اهمیت دهیم در صورتی که این بیتوجهی

ص: ۱۴۹

به فواصل بارداری باعث می شود که جان و سلامت مادر و فرزند، چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ روانی، به خطر بیفتند و این کار اشتباه است. در حال حاضر، حدود هشت میلیون نفر جمعیت از کشور ما در سن ازدواج هستند، ولی هنوز ازدواج نکرده اند، که عمدتا از تحصیلکردگان جامعه هستند. به نظر می رسد ما باید خیلی روی این بُعد تکیه کنیم و کار فرهنگی انجام دهیم. ضمناً باید قوانین کشور را اصلاح کرد. مثلاً ـ بنده دختر خودم را در سن دبیرستان به ازدواج تشویق کردم و وقتی در همان موقع ازدواج کردند، به محض اینکه مسئولان دبیرستان فهمیدند که او ازدواج کرده است، می خواستند از مدرسه اخراجش کنند. در زمان حاملگی، و در زمان شیر دادن به فرزند، مشکلاتی به وجود می آید. ما باید این مشکلات را برطرف کنیم و صدا و سیما هم این آسیب ها را شناسایی کند و نشان دهد که ازدواج آسان میتواند صورت گیرد.

درباره آغاز سیاست تحدید جمعیت در دهه شصت و هفتاد، این پرسش مطرح می شود که آیا در پیش گرفتن این سیاست، ناشی از احساس خطر مسئولان وقت از افزایش جمعیت بود، یا اینکه این سیاست، ناشی از توصیه های بانک جهانی بوده است که پرداخت برخی وام ها را مشروط به کم کردن رشد جمعیت کرده بود؟

اصلاً بانک جهانی به ما وام نمی داد. بنده خودم در زمان تصدی وزارت، با مسئولان بانک جهانی در ژنو دیدار داشتم و برای توسعه شبکه بهداشتی درمانی، راجع به وام صحبت کردم. آن ها گفتند چون امریکا عضو هیئت بورد بانک است و بیشترین سهام را دارد، به ایران وام نمیدهیم. بله؛ این هایی که این حرف را می زنند، در جلساتی هم که با آن ها در مجلس داریم، وقتی ما صحبت از پایین آوردن سن ازدواج می کنیم، می گویند این ها همان حرف های سازمان ملل است.

مقام معظم رهبری وقتی درباره نخبگان و ژن نخبگی صحبت می کنند، در اینجا ما دو وظیفه پیدا می کنیم: یکی اینکه کسانی که می توانند فرزند بهتری

ص: ۱۵۰

تربیت کننـد، حتماً فرزنـد بیشتری پیـدا کنند؛ دوم اینکه مهم است فرزندان گروه آسـیب پذیر اجتماعی را درست پرورش دهیم. یاد بگیریم چگونه فرزنـدپروری کنیم و به آن ها رسیدگی شود که تربیتشان بهتر شود. در دنیا این موضوع را به نام «ارلی چیلد دولوپ منت»(۱) می شناسـند؛ یعنی تکامـل سـال هـای اول زنـدگی کودک، که این برنـامه از زمان انعقاد نطفه شـروع می شود و تا هشـت سـالگی بچه ادامه می یابـد. بنـده در امریکـا که در سال ۱۹۴۵ بـودم، می دیـدیم این کـار را تبلیغ می کننـد و بنـده متوجه نبودم که درباره چه چیزی صحبت می کنند و بعدها متوجه شدم که در مورد فرزندپروری دارند کار می کنند. بعد که عضو کمیسیون عوامل اجتماعی سلامت شدم که در سال ۱۳۸۲ توسط سازمان جهانی بهداشت ایجاد شد متوجه شدم خیلی از کشورهای صنعتی و در حال توسعه، از جمله کشورهای آفریقایی، هندی ها، اندونزیها و غیره از این طرح استفاده می کنند و چقدر ارزشمند است. حالا اگر آن هـا در این طرح چیزهـای دیگر مثـل رقاصـی یاد بچه ها می دهنـد، ما می توانیم اعتقادات مـذهبی و چیزهایی دیگر که مـدنظر دین ماست، به فرزنـدان تعلیم دهیم. بنـده که این طرح را در جلسات مجلس مطرح می کردم، بعضـی از همان دوسـتان جبهه می گرفتند که این هم برنـامه خـارجی است. نظر من این است که آموزش و پرورش با تأکیـد بیشتر بر پرورش، از سه سالگی بچه ها را پرورش دهد و به خانواده ها یاد بدهد که با فرزندانشان چگونه رفتار کنند. چون اسـلام برای همه این دوران ها برنامه دارد. بنده به والله و به کلام الله مجید قسم اصلاً از برنامه بانک جهانی و امثال آن خبر نداشتم و اصلاً چیزی در این زمینهها نشنیده بودم و تشکیلات مزبور حتی در ایران دفتر نداشتند. این ها مسائلی بود که وزیر بهداشت باید به دنبال مشکلات و پس از آن به دنبال حل آن ها می بود. هر چه غربی ها و سایر کشورها می گویند، ما که نباید برویم به عکس آن عمل کنیم؛

۱- ECD) Early child Development).

ص: ۱۵۱

باید ببینیم درست است یا نه. اگر درست بود، ما هم تایید می کنیم؛ ولی اگر غلط بود، ما هم تایید نمی کنیم.

آیا کاهش نرخ رشد جمعیت در دو دهه گذشته، بیشتر متأثر از سیاست های جمعیتی نظام جمهوری اسلامی بود یا بیشتر ناشی از تغییر سبک زندگی در ایران بود؟ این نکته از این جهت مهم است که اگر ما به این باور برسیم که این کاهش نرخ جمعیت، ناشی از تغییر سبک زندگی در ایران است و اقتضای این سبک زندگی، داشتن حداقلِ بچه است، بنابراین، با این اقدامات تشویقی مثل سکه و زمین و این چیزها، سبک زندگی تغییری نمی کند، بلکه باید با اقدامات راهبردی و کلان تر، مردم به سوی تغییر سبک زندگی سوق داده شوند تا از این راه مردم به سوی فرزند بیشتر روی بیاورند.

به طور قطع و یقین، شق دوم است. مردم اوایل انقلاب خیلی شاید انقلابی تر از الان بودند و وقتی که آقای موسوی اردبیلی و آقای منتظری پشت تریبون نماز جمعه به فرزندآوری سفارش می کردند، مردم بیشتر از الان، به این سخنان گوش می کردند. سیاستها بیاثر نبوده است. نمیخواهم بگویم بیاثر بوده است. اما آن موقع انتظار این بود که نظام اوضاع را بهتر می کند و از این فرزندان دستگیری خواهد کرد. شرایط زندگی توسعه و تحصیلات خانم ها و... بیشترین تاثیر را در تغییر سبک زندگی داشته است. بدون تردید، مسائل فرهنگی نقش خیلی زیادی دارد. در کشور ما در سال ۱۳۵۵ کل تحصیلکرده های آموزش عالی ۱۲۲ هزار نفر بودند، ولی الان بیش از ۵ میلیون تحصیلکرده دانشگاهی داریم. الان ۴/۱۸ درصد زنان، تحصیلات دانشگاهی دارند، مردان ۲/۱۸ درصد، و جالب این است که زنان از نظر تحصیلات دانشگاهی، از ما مردان جلوترند. این ها محاسن و معایب دارد. ما می توانیم این معایب را برطرف کنیم. اگر فکر می کنیم با دادن سکه، مشکل حل می شود اشتباه کرده ایم. وقتی هم کسی حرفی بزند، همان دوستان برچسب هایی به آن ها می چسبانند. الان خیلی از جمعیت شناس ها میگویند جرئت حرف زدن ندارند. نگرانی ما از اینجاست که ما این مسئله را می خواهیم

ص: ۱۵۲

اصلاح کنیم، ولی به گونه درازمدت به آن نگاه نمی کنیم. ممکن است همین موضوع سکه و زمین هم به جای مشکل، خود مشکلی شود. ما به جمعیت کیفی نیاز داریم. مثلاً ما در این جلسات پیشنهاد می کنیم که به دانشجویان متأهل خوابگاه متاهلی بدهید تا ازدواج کنند، ولی بعضی از این دوستان قبول نمی کنند و میگویند این هم حرف غربی هاست. ما باید به بچهدارها خوابگاه بدهیم؛ چون موجرها به آنان منزل اجاره نمی دهند.

با توجه به این نکته که سبک زندگی ها تغییر کرده است، باید ما چه سیاستی در پیش بگیریم و چه کارهای عمیقی انجام دهیم که به تغییر سبک زندگی منتهی شود و بعد از آن به سمت افزایش جمعیت برویم؟

الان فرصتی برای ما وجود دارد و آن موهبت عظیم پنجره جمعیت است. در کشورهای توسعه یافته و کشورهای جنوب شرقی آسیا، برای پیشرفت و توسعه کشورهای خودشان از این فرصت، یعنی پنجره جمعیت، خیلی خوب استفاده کردند. کشور ما هم در حال حاضر با این پنجره جمعیت مواجه است، ولی به تدریج داریم این موهبت را از دست می دهیم. در جمعیت هر کشور، گروهی مولد و یک گروهی سربار داریم. مولدها از ۱۵ تا ۶۵ سال است و به جمعیت زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال جمعیت سربار می گویند. اوایل انقلاب جمعیت جوان ما زیاد بود و در چهل سال آینده در کشور ما جمعیت سالمند بیشتر می شود. الان مسن ها در حداقل هستند و با کنترل جمعیت، افراد زیر ۱۵ سال هم کم شده است. در حال حاضر ما پنجره جمعیتیِ خیلی خوب و طلایی داریم؛ یعنی اکثریت عظیمی از جامعه در سن مولد هستند. ما باید به دلایل مختلف به این موضوع بپردازیم. اولاً برای توسعه نهایی کشور باید به آن بپردازیم. دوم اینکه باید به همین جمعیت فعلی رسیدگی شود و نظام به این ها نشان دهد که می تواند به آن ها رسیدگی کند تا جوانان امیدوار شوند و ازدواج کنند و فرزندان بیشتری

ص: ۱۵۳

پیدا کنند. بنابراین باید وارد عمل شویم. اینکه فقط صدا و سیما یا روحانیت صحبت کنند، کاری از پیش نخواهد رفت. باید این را نشان بدهیم که شدنی است و شدنیِ معقول باشد و الگوهایش را هم نشان دهیم. خود بنده وقتی در سن هجده سالگی وارد دانشگاه شدم، دلم می خواست ازدواج کنم و به دلیل وجود مشکلات اقتصادی نمی توانستم ازدواج کنم. الان بزرگ ترین مشکل ما بالا بودن سن ازدواج است. طبیعتاً اگر کسی بخواهد دین دار بماند، باید ازدواج کند. بنده وقتی وزیر بودم، فرزندم ازدواج کرد و وقتی ازدواج کردند، حتی راننده و محافظ و همسایهها نفهمیدند که در خانه ما مراسم عروسی است. مسئولین باید در این کارها اول باشند. خانم فلان و آقای فلان نباید با تشکیلات فلان جور ازدواج کنند. مسئولان ما خودشان باید الگو باشند. مگر نمی خواهند حرف آقا را اجرا کنند؟ خب این طور باید اجرا کنند. صدا و سیما باید نشان دهد زوج هایی هستند که در آپارتمان کوچک زندگی می کنند، ولی خوشبخت هستند. مردم هرچه می بینند، طلاق ها را می بینند. نباید فقط طلاق ها را به مردم گفت و باید خوشبخت ها را به مردم نشان داد. بنده فرزندان و نوه هایم را با حداکثر چهارده سکه به خانه بخت فرستادم. الحمدلله هیچ کدام از آن ها مشکلی در زندگی ندارند و خوشبخت هستند. صدا و سیما باید ازدواج ساده را به مردم نشان دهد، که متاسفانه چیزهای دیگری نشان می دهد.

شما در مصاحبه ای که با پایگاه خبری مهرخانه داشتید، فرموده بودید که «من مخالف سیاست فرزند کمتر، زندگی بهتر بودم». منظورتان از این جمله چه بود؟

این موضوع را آقا در زمان ریاست جمهوری شان به من گفتند که فلانی مواظب باش شعارهای زمان شاه دوباره زنده نشود. شعار «دو فرزند کافی است» دوباره زنده نشود؛ شعارهای شاه دوباره زنده نشود.

ص: ۱۵۴

ولی عملاً این اتفاق افتاد.

این در زمان وزارت بنده اتفاق نیفتاد. ما شعارمان این نبود. اگر شعار ما این بود، در لایحه ای که تنظیم کردیم، بعد از دو فرزند را منع می کردیم. ولی ما فرزند چهارم به بعد را منع کردیم و هنوز هم اعتقاد من بر این است که سه فرزند برای کشور ما لازم است و آن جمعیت را که نیاز کشور است، تأمین می کند. متأسفانه در زمان بعضی از وزرای بعدی، شعار «دو فرزند کافی است» را مطرح کردند. بنابراین این شعار در زمان وزارت بنده اتفاق نیفتاد.

همانطور که میدانید، در تحقیق سیاست کنترل جمعیت، دستگاه های فرهنگی به ویژه صدا و سیما نقش مهمی داشتند. حال این پرسش مطرح است که در حال حاضر چگونه میتوان از این دستگاهها برای تحقق سیاست افزایش جمعیت استفاده کرد؟

رسانه ملی در کارهای فرهنگی تأثیر فوق العاده ای دارد. شاید درصد کمتری از کارهای بهداشتی و مفیدی مانند واکسن فلج اطفال، پیشگیری از بعضی بیماری ها، بالا بردن بهداشت و سلامت را که در زمان وزارت بنده در کشور انجام شد، ما در وزارت بهداشت انجام دادیم. بقیه زحمات را صدا و سیما متحمل شد و تأثیر صدا و سیما فوق العاده زیاد بوده است. صدا و سیما باید بیشتر، خوشبختی خانوادهها را نشان دهد تا اختلافات و نزاعهای آنان را. صدا و سیما باید ازدواج های آسان را نشان دهد، زندگی های ساده، ولی سرشار از عشق و محبت را نشان دهد، با دانشجویان و تحصیل کردهها و نخبگان مصاحبه کند و علت ازدواج دیرتر آنان و فرزند کمتر آنان را جویا شود و راهکار اصلاح آن را نشان دهد. این کاری فرهنگی است و باید حساب شده انجام شود. این را باید صدا و سیما نشان دهد و می شود. واقعاً اینکه ما ازدواج و خوابگاه ها را برای دانشجویان متأهل تسهیل کنیم، فواید

ص: ۱۵۵

بسیاری دارد. جوانان را با این کار، بانشاط، و مفاسد اجتماعی را از جامعه کم می کنیم صدا و سیما باید نشان دهد جوانانی که زود ازدواج می کنند، به تدریج به موفقیت ها می رسند و زندگی خوشبختی دارند.

آیا در بین کارشناسان، در بحث سیاست افزایش جمعیت، مخالفین جدی وجود دارد؟ اگر وجود دارد، ادّله شان چیست؟

بله، مخالفینی هم دارد. آن ها معتقدند ما باید توانایی نگهداری همین جمعیت فعلی را به جامعه نشان دهیم و خودِ این را مشوّق می دانند. بعضی جمعیت شناس ها می گویند باید جمعیت را افزایش داد، ولی اعتقاد به بحران بودن این موضوع ندارند. چون وقتی اسم بحران آمد، دستپاچگی در کارها هم به دنبال آن می آید. جمعیت که فقط تعداد آن نیست. آن ها می گویند کیفیت جمعیت هم مهم است. آن ها می گویند الان که می خواهید سیاست افزایش جمعیت را اجرا کنید، برای سالمندان هم فکر کنید. بالاخره یک روز سالمندان زیاد می شوند و بعد باید کاری کرد که این سالمندان همه شان نروند در پارک بنشینند. از همین سالمندان باید به عنوان نیروی مولد استفاده کرد. سیاست هایی باید طراحی کرد که سالمندان این رسالت را در خود باور کنند و مسئولان هم امکاناتش را فراهم کنند تا این نیروی سالمند، از سرباری به جمعیت مولد تبدیل شود. ولی اساس کار این است که ما نشان بدهیم چندمرده حلاج هستیم و برای همین جمعیت فعلی چه کاری انجام می دهیم. بله شاید بعضی از کارشناسان کلا با افزایش جمعیت مخالف باشند و دلایل خود را دارند. عده‌ای هم میگویند که این موضوع، بحران نیست و نباید تصمیمات عجولانه اتخاذ کرد. بعضی کارشناسان هم می گویند با این شرایط اجتماعی موجود، افزایش جمعیت غیرممکن است. ولی به اعتقاد بنده در کشور ما هیچ کاری غیرممکن نیست و می شود کارهای نشدنیِ بزرگ را انجام

ص: ۱۵۶

داد، به شرطی که دولت و مسئولان امر همکاری کنند و توانایی خود را در حمایت از آن کار نشان دهند. لذا هر کار غیرممکنی را می شود انجام داد. درست است که دشوار است مخصوصاً در بحث فرهنگ ولی شدنی است. باید با برنامه و طراحی درست و بدون شتابزدگی کار را پیش برد. ولی من نگرانم که با این سیاست های سطحی، افرادی را به فرزنددار شدن ترغیب کنیم که بعداً فرزندشان سالم نباشد و سربار جامعه شود. با این کار، کشور ما برای کشورهای دیگر الگو نمی شود. ما باید در کارهایمان خودم را معرفی کنیم و توانایی مان را نشان دهیم تا برای دیگر کشورها مثل مصر، عراق، سوریه و غیره الگو باشیم.

در بحث سیاست تعدیل جمعیت، روحانیت و حوزه ها نقش مهمی داشتند. با توجه به این پیشینه، آیا در حال حاضر که ما می خواهیم به سمت سیاست افزایش جمعیت برویم، استفاده از حوزه ها و روحانیت و به طور کلی استفاده از آموزه های دینی در این زمینه درست است یا خیر؟ اگر درست است، با چه منظری می شود به این موضوع پرداخت که اثر تخریبی بر اعتقادات مردم نداشته باشد؟

من در حوزه سلامت، برای روحانیت اهمیت زیادی قائل هستم و نقش آن ها را فوق العاده می دانم. اما روحانیت نباید ساده اندیشی کند و بعضی حرف های عوامی را که بعضی ها می گویند، بگوید. بعضی اوقات روحانیت در بحث سلامت مثال هایی می زند و می خواهد عوام را توجیه کند. ولی روشنفکرها بدبین می شوند. باید به این دقت شود. چون این موضوع به سلامت برمی گردد، چیزی نگویند که باعث بدبینی به روحانیت شود و روشنفکرها را علیه روحانیت بسیج کند. آن وقت طبقه عوام هم دیگر حرف روحانیت را نمی پذیرد. اول باید خود روحانیت توجیه باشد؛ چون بیشتر با گروه

ص: ۱۵۷

تحصیل کرده طرف است و بایـد از نظر مباحث، خیلی مسلط باشد. بنابراین روحانیت باید پذیرفته باشد که هدف، افزایش جمعیتِ کیفی است.

در حـال حاضـر تنهـا اقـدامی که در جهت اجرای سیاست افزایش جمعیت انجام گرفته، تـدوین و ابلاغ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است، ولی به نظر میرسد به دلیل اهمیت موضوع، مجلس شورای اسـلامی هم باید وارد عمل شود و این موضوع را به قانون تبدیل کند. آیا مجلس در این زمینه کاری کرده است؟

مجلس در حـال تهیه لا‌یحه ای جـامع است و برای تهیه این لایحه، حـداقل هفته ای دو سه جلسه با نماینـدگان ارگان ها برگزار می کنیم. ان شاء الله تا قبل از نوروز، این طرح آماده خواهد شد.

ص: ۱۵۸

۹. گفت وگو با جناب آقای مهندس عباس معلمی

۹. گفت و گو با جناب آقای مهندس عباس معلمی(۱)

سیاستهای جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته در پیش گرفته است، چگونه تحلیل میکنید؟ این سیاستها چه اشکالها و آسیب هایی داشته است؟

نقطهای که میتوان بحث را از آن آغاز کرد، موضوع سیر رشد جمعیت و آغاز این معضل در کشور است. البته بحث کنترل جمعیت در جهان نیز دارای سیر خاصی است؛ به ویژه پس از اینکه روند افزایش جمعیت، موجب ظهور برخی آثار و معضلات نامطلوب در بعضی کشورها شد. به دنبال بروز این معضلات، بعضی متفکرین تلاش خود را در جهت محدودیت جمعیت و یافتن راههایی برای پیشگیری از افزایش جمعیت مصروف کردند. اولین کسی که این کار را انجام داد، مالتوس، کشیش جمعیتشناس، است که در این زمینه تحقیقاتی داشته و پیش بینی هایی کرده است. صرف نظر از سیر این بحث در جهان، در ایران نیز اولین بار قبل از انقلاب، که جمعیت کشور حدود بیست میلیون نفر بود، طرح کنترل جمعیت به تبعیت از سایر کشورهای در حال توسعه یا پیشرفته، در ایران هم اجرا شد که البته با عکسالعمل شدید روحانیت و مردم مواجه گردید. تلاش فراوانی که در آن سالها برای جلوگیری از رشد جمعیت صورت گرفت، موفقیتآمیز نبود؛ اما در همان زمان پایههایی را قرار دادند که در سال های بعد،

۱- کارشناس فرهنگ، رسانه و ارتباطات و قائم مقام پیشین مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

ص: ۱۵۹

این هدف را عملی کرد؛ برای مثال شعارهایی مطرح شد که داشتن سه فرزند برای هر خانواده را کافی می دانست؛ شعارهایی مانند «یکی کم است؛ دوتا غم است؛ سه تا که شد، خاطرجمع است». به این طریق به مردم تلقین میکردند که سه فرزند بیشتر نداشته باشند. در آن زمان تبلیغات فراوانی در رادیو، تلویزیون، فیلمهای سینمایی و مطبوعات به شکلهای گوناگون انجام شد تا خانواده پرجمعیت تحقیر شود و خوشبختی، رفاه و آسایش، نتیجه جمعیت کمِ خانوادهها وانمود گردد. این روند ادامه داشت و تنها در بُعد تبلیغات محدود نبود؛ برای مثال وسائل پیشگیری از فرزنددار شدن به صورت رایگان یا با تخفیفهای ویژه در جامعه منتشر می شد و به طرق مختلف مردم برای داشتن فرزند کمتر تشویق می شدند. حتی بحثهای علمی با این مضمون مطرح شد که اگر سن حاملگی خانمها از سن خاصی کمتر، و از سن خاصی بیشتر باشد خطرناک است. آن ها سن خاصی را بین حدود ۲۰ تا ۳۵ سالگی در نظر گرفتند که بیش از ۱۰ یا ۱۵ سال نیست. حتی فاصله بین دو فرزند را معین کردند و مدعی شدند اگر فاصله بین دو فرزند کم باشد، مشکلاتی برای فرزندان و خانواده به وجود میآورد. خلاصه اینکه طراحی بر اساس ترویج سه فرزند برای خانواده انجام شد. حتی در روستاها و در بعضی مراکز درمانی، هنگام زایمان خانم بدون اجازه او و شوهرش، یا با بیان تحلیل و ارائه اطلاعات نادرست مانند خطر حاملگی مجدد، او را تشویق میکردند که رحم خود را بردارد، یا دهانه آن را ببندد. خلاصه اینکه با وسایل مختلف و به هر طریقی، از افزایش جمعیت جلوگیری میشد.

این روند ادامه داشت تا اینکه با پیروزی انقلاب و به تبع آن، بروز دگرگونی همهجانبه در ارزشهای جامعه، چه والدین و چه جوانان، در زمینه ازدواج بسیار سهلگیر شدند و به یک معنا، در آن زمان «ازدواج آسان» شکل گرفت؛ بنابراین سن ازدواج به شدت پایین آمد و به همین دلیل زادوولد افزایش یافت و به

ص: ۱۶۰

عبارتی، جهش جمعیتی پیدا شد؛ یعنی جمعیت به شکل ناگهانی و نه به مرور اضافه شد. همین امر باعث بروز مشکلاتی در برنامهریزیهای اجتماعی شد؛ برای مثال همین جمعیت فرزندان وقتی به سن ورود به دبستان میرسیدند، کشور با کمبود معلم مقطع دبستان و فضای دبستان روبهرو شد تا جایی که حتی بعضی مدرسهها سه شیفته شدند. به همین ترتیب مشکل این جمعیت به دبیرستان و از آنجا به کنکور و به دانشگاه کشیده شد و امروز که این جمعیت به سن ازدواج و اشتغال رسیده، مشکلات در این مسائل ظاهر شده است. این به همان جهش سریع جمعیتی مربوط است.

اما در حال حاضر، کشور با مشکل دیگری تحت عنوان «رکود جمعیتی» روبهرو شده که نتیجه فعالیتهایی است که طی حدود بیست سال اخیر برای کاهش رشد جمعیت از عدد حدود ۲/۳ یا ۳/۳ انجام شد. این تلاش بیش از توقع برنامهریزانِ آن اثر گذاشت و کشور با رکود جمعیت مواجه شده است.

یکی از علتهای این رکود جمعیتی، افزایش سن ازدواج است. طبق آخرین آمار، سن متوسط ازدواج در دختران ۲۳ و سن ازدواج پسران ۲۷ تا ۲۸ سال است. افزایش سن ازدواج، به طور طبیعی موجب کاهش زادوولد شده است. افزون بر این، افراد هم بعد از ازدواج سعی میکنند تعداد فرزندان کمتری داشته باشند. این اتفاق، کشور را با خطرات جدیدی روبهرو کرده است. رکود جمعیتی آثار نامطلوب خاص خود را دارد که به تدریج آثار سوء اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن بارز خواهد شد. یکی از آثار اقتصادی آن پیر شدن جمعیت کشور است. با پیر شدن جمعیت، تعداد افرادی که با کار و فعالیت آن ها جامعه سامان میيابد، محدود شده و در نتیجه تعداد مصرف کنندگان جامعه به نسبت افزایش میيابد. در این صورت جامعه از لحاظ فرهنگی و ارتباطات فرهنگی به شدت تضعیف میشود به شکلی که

ص: ۱۶۱

اگر این روند ادامه پیدا کند، در آینده بعضـی از منسوبین را فقط میتوان در قصهها و تاریخ یافت و داشتن خاله و عمو و دایی و عمه بسیار نادر خواهد شد. تعداد اندک فرزندان، علقه انسانی را بین افراد کم میکند. رابطهٔ پدر و فرزندی، تنها رابطه لازم جامعه نیست. رابطه برادری و خواهری، کارکردهـایی در جـامعه دارد که اگر از بین برود، جـامعه به سـمت فردگرایی و خودمحوری پیش خواهد رفت. در خانوادهای که فرزندان باید در ضـمن پرورش، با ارتباطات اجتماعی هم آشنا شوند، به دلیل تعداد کم فرزندان که به یک یا دو نفر محـدود میشود، ارتباطات اجتماعی تضـعیف خواهد شد، رابطه پدر و مادر با هم متفاوت خواهد بود، همچنین تقسـیم کار، ارتباطات و عاطفه در خانواده تضعیف خواهد شد و بدین شکل، مشکلات فرهنگی در جامعه به وجود میآید.

امروزه در غرب، افراد به سمت زندگی انفرادی سوق پیدا میکنند؛ حتی بعضی به آن مجبور میشوند؛ چراکه وقتی فردی فقط یک یا دو خواهر یا برادر داشـته باشـد، از بین رفتن یکی از آن ها موجب تنها شـدن بازمانـدگان او خواهـد شـد. در این صورت زندگی و ارتباط داشتن با شخص دیگر، غیرممکن یا بسیار مشکل خواهد شد.

جمعیت انـدک از بُعد سیاسـی نیز قدرت مانور را در مقابل دشـمنان کاهش خواهد داد. جمعیت، یکی از عوامل قدرت برای کشور است. کشوری با جمعیت پیر و انـدک، مورد طمع قـدرتها و مسـتکبرین خواهد بود. با توجه به مطالب یادشده، میتوان گفت افزایش جهشــیِ جمعیت و کـاهش جهشـیِ جمعیـت، هر دو مـوجب بروز مشـکلات بسـیاری خواهـد شـد. برای مثـال، مسئولین بعضـی از کشورهـای اروپـایی ماننـد سوئیس، حـتی مجبور شدنـد اجـازهٔ ورود افراد سـایر کشورهـا را به کشور خود صـادر کننـد و آن هـا را شهرونـد محسوب کننـد؛ به آن ها اجازهٔ ازدواج با افراد کشور خود را بدهند تا از عوارض و لوازم منفیِ پیر شدن و کاهش جمعیت جلوگیری کنند.

ص: ۱۶۲

آیا در شرایط حاضر با توجه به مناسبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته در جامعه ما، امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی ناظر به کنترل موالید وجود دارد؟

بله؛ اما راهکار فوری و پراثر ندارد. به بعضی راهکارهای کماثر و مؤثر، در آخر مصاحبه اشاره میکنم. چون بهتر است راهکار، بعد از تشریح مسئله بیان شود.

آیا در فضای کارشناسی کشور، اتفاق نظر و درک واحدی در زمینه ضرورت اصلاح سیاستهای جمعیتی وجود دارد؟

مسئله جمعیت که تاکنون بارها موضوع بحث روز جامعه بوده است، در روزهای اخیر نیز بار دیگر موضوع بحث و دقت صاحبنظران قرار گرفت. طرح کنترل جمعیت، همواره موافق و مخالف داشته است. استدلالهای موافقین و مخالفین این طرح، به صورت عمده به سه دسته تقسیم میشوند: بعضی استدلال ها شرعی، یا به عبارتی مبتنی بر نقل؛ بعضی استدلالها علمی؛ و بعضی نیز استدلال های احساسی هستند. در شکل سوم استدلال ها، به شرایط و ویژگی های علمی یا دینی بحث توجه نمیشود. بیتردید بحث احساسی، پایهای و محکم نخواهد بود و باید به یکی از دو جنبه دینی یا علمی، یا به عبارت بهتر، هر دو جنبه دینی و علمی معطوف باشد. بحث کامل، علاوه بر سازگاری با آموزههای دینی، باید با مباحث عقلی و به اصطلاح عقلانیت دینی هم سازگاری داشته باشد. در بحث علمی باید توجه کرد که استدلالها متناسب با کدام علم است. آیا آن ها علومی هستند که از دین نشئت گرفته یا با آن ارتباط و هماهنگی دارند؟ آیا علومی بی ارتباط با دین اسلام یا حتی سایر ادیان هستند که مبتنی بر فرضیهها، نظریهها، آزمایشها و تجربهها شکل گرفتهاند؟ اینگونه علوم صددرصد قابل اتکا نیست و تنها میتوان آن ها را به عنوان احتمال مورد توجه قرار داد و به طریقی از صحت راهکارها و تحلیلها اطمینان یافت. این ممکن است به عنوان شاهد مثال تلقی شود، اما هرگز نمی توان براساس آن در جهت تغییر وضعیت جامعه، طراحی، برنامهریزی و تجزیه و تحلیل کرد. در بحث نقلی هم باید به دو نکته

ص: ۱۶۳

توجه کرد: اول اینکه بـا اتکـا به یک یا چنـد روایت و آیه، این کار تمام نمیشود و نمیتوان نسـبتی به شارع داد؛ بلکه ابتـدا بایـد همه منابع را در کنار یکدیگر بررسی کرد و سپس با تفقهی دقیق مبتنی بر اصول شناخته شده دینی مشخص کرد که آیا چنین برداشت و استنباطی صحیح است یا خیر؟ نظر فرد غیرکارشناس که فقط مبتنی بر یک حدیث و آیه ناظر به موضوع شکل می گیرد، کار دقیقی نیست و به نتیجه صحیحی منتهی نمیشود.

دوم اینکه بین موضوع فردی و موضوع حکومتی، بایـد تفـاوت قائـل شـد. ممکن است در بسـیاری موارد، مسـئله ای به لحـاظ فردی شکلی پیدا کند و از لحاظ اجتماعی شکلی دیگر؛ به عبارت دیگر، از موضع عمل، عمل کسی که طراحی نظام میکند، با افراد دیگر تفاوت دارد. ممکن است علما اعمال فردیِ کنترل نسل و محـدود کردن زادوولد را مجاز بدانند و آن را عمل حرام یا مکروه قلمداد نکننـد؛ اما آیا سیاسـتگذاری حکومت اسـلامی نیز کنترل جمعیت است، یا جمعیت بیشـمار، یا توقف جمعیت در حـدی خاص؟ این بحث هم یکی از مسائـل حکومتی است که دقت مضـاعفی میطلبـد. بنابراین با تکیه بر اینکه در بخش فردی مجوزهایی داده شـده یا ممنوعیتی اعمال شده است، نمیتوان در بحث حکومت هم همان مجوزها و ممنوعیت ها را اعمال کرد. باید با دقت، موضع حکومت را در چنین مسائلی مشخص کرد. البته این تشخیص باید به متخصصین آن سپرده شود.

به هر حال روند رشد جمعیت، کارشـناسان جامعه، اعم از سیاسـتگذاران و دانشـمندان اجتماعی را به این نتیجه رسانده که وضـعیت کنونیِ جمعیت بسیار خطرناک است و به سرعت باید مانع کاهش یا پیر شدن جمعیت شد.

البته این نظر، اکنون نیز مخالفانی دارد، که معتقدنـد جمعیت باید به لحاظ کیفی مناسب باشد نه از لحاظ تعداد. آن ها جمعیت زیاد را به تنهایی عامل قدرت نمی دانند؛

ص: ۱۶۴

بلکه به عقیده آن ها جمعیت کیفی، عامل قدرت است. البته این به نسبت درست است، اما از طرف دیگر رشد کیفی لزوماً به معنای کاهش جمعیت نیست و رشد جمعیت ضرورتاً مانع رشد کیفی نخواهد شد، اگر سازمان دهی اجتماعی یا سازمان دهی خانوادگی درست باشد. این عده معتقدند امکانات کشور برای رشد جمعیت مناسب نیست و تصور میکنند با افزایش جمعیت، امکانات کاهش می یابد و نسل های بعد با مشکلات فراوانی روبه رو می شوند. این اظهارنظرها تا حدودی احساسی و فاقد دقت علمی است؛ چراکه بزرگترین امکان و عامل قدرت هر کشور، نیروی انسانی است. نیروی انسانیِ توانمند، امکانات بالقوه را بالفعل میکند. اگر جامعه ای مانند دویست سال پیش رفتار کند که برای تأمین انرژی، هیزم یا زغال بسوزاند، رشد جمعیت آن نیز باید به توقف کشیده شود و ممکن است همه جنگلهای خود را طی یک سال به هیزم و زغال تبدیل کند. یافتن منابع جدید انرژی مانند سوختهای هیدروکربنی، نفت و مشتقات آن، انرژی خورشید، انرژی باد، انرژی گرمای درون زمین و حتی انرژی هستهای و راههای استفاده از آن ها توسط نیروی انسانی صورت میگیرد. یا برای مثال، کشاورزی به شیوه قدیم، میزان برداشت محصول از یک قطعه زمین را بسیار محدود میکند، در حالی که یافتن راههای جدیدِ استفاده بهینه از آب و زمین، حتی تغییرات ژنتیکی باعث افزایش محصولات کشاورزی میشود. این نوآوریها به وسیله انسان ایجاد میشود. این ادعا که هر فرد اضافه، مساوی با یک عامل مصرفِ اضافه است، ادعای دقیقی نیست. هر یک نفر اضافه، فقط یک دهان اضافه نیست، بلکه دو دست اضافه و یک فکر اضافه هم هست؛ به عبارتی در رد این ادعای احساسی، باید آن پاسخ احساسی را مطرح کرد؛ در حالی که به صورت منطقی، عامل جمعیت و به عبارتی نیروی انسانی موجب افزایش قدرت است؛ البته مشروط به اینکه به شکل صحیح تربیت و سازماندهی شود. بنابراین اشکالاتی که در این زمینه وجود دارد، بیش از هر چیز به ساختارها و

ص: ۱۶۵

تنظیمات اجتماعی بستگی دارد. امروزه شاید ادعا شود بهرهمندترین کشورها، کشورهای اروپایی یا امریکا هستند. اما آیا افرادی که در امریکا زندگی میکنند و جزو یک درصد ثروتمند جامعه هستند، به امکانات زندگی خود قانع هستند؟ غرب ساختاری به وجود آورده است که برای مثال امکانات فراوان کشوری مانند امریکا در اختیار یک درصد از جمعیت آن قرار دارد و علاوه بر این سعی میکند از امکانات سایر کشورها نیز به نفع خود استفاده کند؛ به عبارت دیگر، حتی فقر خود را صادر و از مواد اولیه، نیروی کار ارزان و بازار مصرف سایر کشورها بهرهبرداری میکند. حرص و طمعی که در طبقه ای خاص ایجاد میشود، به هیچ وجه قابل اشباع نیست. بنابراین عامل بروز فقر در جامعه، امکانات کم نیست، بلکه به نسبتی مربوط به ساختار و سازمان اجتماعی آن جامعه است. اگر الگوی توزیع و تخصیص امکانات اجتماعی و قوانین تخصیص، تولید، توزیع و مصرف، قوانین درستی باشد که در فرهنگ اسلامی درباره همه این موارد، مطالب بسیاری وجود دارد فقر، بیکاری، ظلم و استثمار به شکلی که امروز در جهان وجود دارد بروز نخواهد کرد. اگر کسی بخواهد از این نظر دفاع کند، بهتر است از بحثهای احساسی فاصله گیرد و به بحث دقیق علمی بپردازد. اگر الگوهای زندگی تغییر کند، وجود چه امکانی برای چه جمعیتی لازم است؟ انسان حریصی که همه دنیا را در اختیار دارد، به فرموده امام رحمه الله ، اگر بداند در سایر کرات چیزی هست میگوید: من آن را هم میخواهم. البته این فرمایش امام مربوط به اصلِ خداجویی انسان است که امروزه شکل مادی غلطی پیدا کرده است. انسان دنبال مطلق است و از آنجا که مطلق در دنیا و امور مادی محدود نشده است، بنابراین انسان میخواهد همه چیز را در تملک خود داشته باشد. این اندیشه و ساختار اجتماعی و نظام تولید و توزیع متمرکز، لوازم خاصی دارد. بدین ترتیب طبقهبندی مصرفی و به عبارتی طبقهبندی اقتصادی در جامعه به وجود می آید که طبقات پایین را نسبت به طبقه بالاتر، و آخرین طبقه را نیز نسبت به اوهام و آمال

ص: ۱۶۶

تحریک میکند که البته هیچ یک از آن ها هم اشباع نخواهد شد. این از لوازم خاص این الگو است. با تغییر این الگو، همه چیز تغییر خواهد کرد. حال اینکه الگوی اسلامی چیست و کدام یک از احکام اقتصادی و اجتماعی اسلام باید تولید، توزیع، مصرف و معاملات پولی به کار گرفته شود، از مباحث دقیق اقتصادی است.

پس از این تحلیل، نوبت برنامهریزی متناسب با شرایط موجود است. در این برنامهریزی باید دقت کرد بار دیگر جامعه دچار جهش جمعیتی نشود. البته بسیار بعید است چنین جهشی اتفاق افتد، ولی به هر حال برنامهریزان و سیاستگذاران جامعه باید به عواقب سوء جهش جمعیت توجه داشته باشند.

بر فرضِ امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی در کوتاهمدت، چه راهکارهایی در این زمینه پیشنهاد میکنید؟

جمعیت باید با شیب مناسب، کاهش یا افزایش پیدا کند. در حال حاضر کشور ما با رکود جمعیتی یا حتی عقبگرد جمعیتی رو به رو شده است. با بررسی ساده میتوان دید که سیاستها و فعالیتهایی برای رسیدگی به این وضعی طی بیست سال گذشته انجام شده است. در این چند سال، فعالیتهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی انجام شده به نسبتی مؤثر بودهاند؛ اما باید دید مؤثرترین اقدام برای تغییر روند موجود چیست. از لحاظ اقتصادی، تمهیداتی اندیشیده شد؛ مانند اینکه به بیش از سه فرزند کوپن داده نشد و خدمات بیمه تنها به چهار فرزند تعلق گرفت. در تبلیغات صدا و سیما و تبلیغات محیطی، تعداد زیاد فرزند زشت شمرده شد. وسائل و راههای پیشگیری، بعضاً رایگان یا با قیمت بسیار نازل در اختیار عموم قرار گرفت. این کارها انجام شد و هریک از آن ها هم به نسبتی مؤثر بود. با وجود این، نتیجه آخرین آمارسنجی به عمل آمده از زنان خانهدار نشان میدهد که در اکثر استانها بیش از ۶۰ درصد زنان، مشوقهای اقتصادی را فاقد اثر چشمگیر در

ص: ۱۶۷

رشـد جمعیت دانسـتهاند، به نحوی که اگر امروز این عوامل تغییر کنـد، موفقیتآمیز نخواهد بود. در دولت دهم برای افزایش جمعیت فعالیتهایی صورت گرفت. برای مثال دولت اعلام کرد برای هر فرزندی که به دنیا میآید، مبلغی در بانک سرمایه گذاری میکند، تا با افزایش این سپرده توسط خانوادهها، این فرزندان هنگام رسیدن به سن ازدواج و اشـتغال، مبلغی سـرمایه در اختیار داشته باشند. البته این طرح بـا موافقت مجلس مواجه نشـد. همچنین یارانهها که طی آن به هر نفر از افراد خانواده، وجهی تعلق می گیرد، برای خانواده پرجمعیت امتیاز محسوب می شود، اما همه این برنامهها به شدت کماثر بوده است.

مهمترین راهکاری که میتوان برای اصـلاح سیاسـتهای جمعیتی ارائه داد، اصـلاح سیاستهایی است که در عمل موجب کاهش موالید میشود، که در اینجا به برخی از آن ها اشاره میکنم:

نخست پنـدار ناسازگـاریِ تحصـیل بـا ازدواج: یکی از مهمترین عوامـل کـاهش جمعیت، حضور اجتماعی بجا و نابجای زنان است. یکی از این زمینهها تحصـیلات است. قبل از انقلاب، سطح تحصیلات زنان به شدت پایین بود. بسیاری از آن ها حتی به سطح دیپلم هم نمیرسـیدند و در سالهای اول دبیرسـتان ازدواج یا ترک تحصـیل میکردند. حتی برخی، والدین اجازه نمیدادند فرزندشان بیش از مقطع دبسـتان یا بیش از خواندن و نوشـتن، ادامه تحصـیل دهد. تحصـیلات دانشگاهی زنان، قبل از انقلاب بسیار نادر بود. اما بعد از انقلاب، سـطح تحصـیلات زنـان به شـدت رشـد پیـدا کرده است، به نحـوی که طی این چنـد سـال تعـداد پـذیرفته شـدگان زن در دانشـگاهها بیشتر از مردهاست. تحصـیلات، به تنهایی منفی نیست، اما خواه ناخواه، لوازم و آثاری دارد. یکی از لوازم آن این اسـت که بعضـیها تصور میکننـد تحصـیلات و ازدواج، مانع یکـدیگر هسـتند. به همین علت وقتی برای دختر دبیرسـتانی که آمادگی کامل برای ازدواج دارد خواستگار میآید، والدینش میگویند

ص: ۱۶۸

او بایـد به دانشـگاه برود؛ یا وقتی دانشـجوست میگویند باید تحصـیلاتش تمام شود. حتی خود دخترها سـعی میکنند به این بهانه که ازدواج مـانع تحصـیل است، ازدواج خـود را به تـأخیر بیندازنـد در حـالی که این لازمه نابجـاست و هیـچ نسبت جبریـای بین درس خواندن و ازدواج کردن وجود ندارد. افراد زیادی هستند که ازدواج نکردند، اما ادامه تحصـیل هم ندادهاند. عده زیادی هم هستند که در سن دبیرسـتان ازدواج کردنـد و سـطوح عالی تحصـیلات را تا حد دکترا یا حوزوی گذراندهاند؛ حتی صاحب فرزند شدند و در کنار همسـرداری و فرزندداری ادامه تحصـیل دادند. با این حال در جامعه تلقی میشود که اگر کسـی بخواهد درس بخواند، نباید ازدواج کند؛ یا اگر ازدواج هم کرد، نباید فرزند داشته باشد.

دوم اشـتغال زنان برای کسب اسـتقلال مالی: یکی دیگر از این زمینهها اشـتغال است. تا پیش از انقلاب، تعداد زنان شاغل، نسبت به مردان بسـیار کم و منحصر در مشاغل خاص بود؛ در حالی که پس از انقلاب، تعداد زنان شاغل افزایش یافته است. در گذشته بیشتر خانمهای شاغل معلم میشدنـد و به اسـتخدام آموزش پرورش درمیآمدند. امروزه تقریباً هیچ شـغلی وجود ندارد که مخصوص آقایان باشد و خانمها در همه مشاغل حضور دارند. بنابراین مسـئله اشـتغال زنان نیز از لحاظ فرهنگی آثاری داشته و به عنوان یکی از موانع ازدواج و زادوولـد مطرح می شود، به این معنا که زن شاغل باید مدتی کار کند تا بتواند جهیزیه خود را فراهم کند و اسـتقلال مالی داشـته باشد. از نظر برخی، اشـتغال زنان فقط برای تأمین کمک هزینه زندگی نیست، بلکه به منظور استقلال مالی زن است. استقلال مالی زنان موجب اختلال در استحکام خانواده میشود و به سرعت اختلافات را به طلاق میکشاند و از آنجا که پس از طلاق، ازدواج مجـدد به سـرعت صورت نمی گیرد، همین امر نیز به کـاهش جمعیت منجر می شود. البته بعضـی زنان به سایر فعالیتهای اجتماعی و عام المنفعه، غیر از تحصیل و اشتغال، مشغول هستند. با

ص: ۱۶۹

وجود این، هر نوع حضور اجتماعی زنان مانع خانهداری، همسرداری و فرزندداری آن ها تلقی میشود که البته این تلقی صحیح نیست؛ یعنی بین اشتغال یا حضور اجتماعی یا همسرداری و فرزندداری، تضاد و تناقض قطعی نیست.

سوم فضای تحریک جنسی در محیط اجتماعی: مشکل دیگری که به تدریج در جامعه گسترش یافته، به تهاجم فرهنگی مربوط است که از طریق ماهواره، فیلم های یا کتب غیرمجاز، محیط جامعه به تحریک و اشباع جنسی آلوده می گردد؛ به عبارت دیگر تحریک و اشباع جنسی به جای محیط خانواده، به محیط اجتماعی کشیده شد. با افزایش سن ازدواج و تداخل زن و مرد در محیط اجتماع، تحریک جنسی و اشباع شدید شده است. وقتی محیط جامعه، محیط اشباع باشد، افراد در سن مناسب ازدواج نمی کنند، نمیتوانند خواستههای جنسی خود را به راحتی کنترل یا سرکوب کنند. بنابراین افراد مجرد در محیط تحصیل و اشتغال یا حتی در محیط عمومی جامعه، سعی در جلب نظر یا برقراری ارتباط مجاز یا غیرمجاز با جنس مخالف دارند که این ارتباط، آمیخته با بهرهبرداریهای جنسی است. این ارتباط میتواند سطوح مختلفی مانند نگاه کردن، گفتوگو و... داشته باشد. به این ترتیب افراد وقتی میخواهند در محیط اجتماعی جذاب باشند، به خودآرایی و زیباسازی خود میپردازند که به نوبه خود مشکل را مضاعف میکند. این خودآرایی حتی به افرادی که دارای همسر هستند، اعم از زن و مرد نیز کشیده شده است. با گرایش به زیبایی و خوش اندامی در جامعه، حاملگی زشت جلوه میکند. حضور خانم حامله در جامعه و محیط تحصیل یا اشتغال، با گرایش اجتماعی به خودآرایی و خوش اندامی مغایر است. خودآرایی و بروز جذابیت جنسی، تقریباً امری پسندیده در جامعه جلوه کرده است. الگوهای خاصی مانند عروسک «باربی» در جامعه مطرح شده است. هدف الگوهای رفتاری و آرایشی، اعم از آرایش سر و صورت، آرایش لباس و کفش و کیف این است که فرد، زیباتر از آنچه هست بنماید یا زیباییهایش را به منظر عموم بکشاند. بنابراین محیط اجتماعی کاملاً محیط جنسی میشود و افراد در محیط اجتماعی، بهرههای جنسی

ص: ۱۷۰

میبرند. این پدیده آثار منفی بسیاری بر ثبات خانواده دارد و همچنین باعث افزایش سن ازدواج میشود. با توجه به وجود انگیزههای دینی در جامعه، کسی تمایل ندارد فردی را که با اشخاص دیگر ارتباط غیرمجاز داشته است، به عنوان شریک زندگی انتخاب کند. بنابراین افراد در انتخاب شریک زندگی دچار تردید و ترس و وسواس میشوند. این مورد نیز موجب افزایش سن ازدواج میشود. وقتی محیط جامعه، محیطی جنسی باشد افراد برای اشباع جنسی، نیازمند محیط خانواده نخواهند بود. این مشکل به اندازهای شدید شد که بعضی شخصیتها با آنکه از آن ها توقع نمیرفت، تلاش کردند مراکزی در کشور به وجود آورند که در آن مراکز، افرادی که همسر ندارند (عمدتاً پسران و مردان جوان) به نحو ظاهراً شرعی مشکل جنسی خود را حل کنند. این مشکل خاص جامعه، حتی بعضی برنامهریزان و مدیران جامعه را به سوی چنین اقداماتی سوق داد. وقتی سطح تحصیلات و شغل زنان بالا میرود، به تبع همسرِ همکفو و مطلوب آن ها کمتر یافت میشود. برای مثال دختری که کارشناس شده است، حاضر نیست با پسری که دیپلم دارد ازدواج کند و برعکس، پسری که دیپلم دارد حاضر نیست با خانمی که لیسانس دارد ازدواج کند. به میزانی که سطح ازدواج خانمها بالا میرود، سطح توقعات آن ها نسبت به طرف مقابلشان نیز بالا می رود و متناسب با آن، همسری در شأن خود پیدا نمیکنند؛ در حالی که برعکسِ این ممکن است؛ یعنی مردی که تحصیلات دکترا دارد، با خانمی که تحصیلات دیپلم هم ندارد ازدواج میکند، یا شخصی روحانی با سطح بالایی از تحصیلات حوزوی با کسی که سطح پایینی از سواد دارد ازدواج می کند. همین مسئله درباره شغل هم وجود دارد. وقتی خانمی در اداره یا تشکیلاتی دارای منصب است، حاضر نیست با مردی که به لحاظ منصب اجتماعی در سطح پایینتری از او قرار دارد زندگی کند. این نوع ازدواجها معمولاً در کشور ما شکل نمی گیرد. اگر چنین ازدواجی شکل گیرد، همین اختلاف، عامل مهمی در عدم تفاهم خواهد شد و باعث اختلافات بیشتری می گردد.

ص: ۱۷۱

همه مسائل فوق، باعث افزایش سن ازدواج و کاهش زادوولد شده است. بدین ترتیب پدران و مادران، یا تمایلی به داشتن فرزند ندارند، یا به داشتن یک یا دو فرزند اکتفا میکنند.

این وضعیت، بسیار خطرناک است. کشوری که در تقابل دائم تمدنی با مستکبرین جهان و تمدن غربی است، باید جمعیتی جوان، پرتوان و نوآور داشته باشد. رکود جمعیتی باعث کاهش رشد جمعیت، و به پیری جمعیت منجر می شود. جمعیت پیر فاقد نوآوری، تحولخواهی و شجاعت است و به سازش با شرایط تمایل دارد.

با توجه به نکات یادشده، میتوان به بررسی راهکارهای افزایش جمعیت در وضعیت کنونی پرداخت. در این زمینه راهکارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی وجود دارد که باید به آن ها توجه کرد. این راهکارها باید ناظر به ریشههای رکود جمعیتی باشد. به عبارت دیگر راهکارهای مقابله با مشکل، باید متناسب با علت بروزِ مشکل باشد. راهکارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد اما مسلم این است که راهکار اصلی باید متناسب با علت بروز مشکل باشد. راهکارهای موجود را میتوان به چند دسته تقسیم کرد:

نخست راهکارهای کماثر برای افزایش جمعیت: به عنوان راهکار اقتصادی، می توان یارانههای جلوگیری از بارداری و وسائل پیشگیری را حذف کرد. ظاهراً در چند روز اخیر، وزارت بهداشت و درمان، چنین تصمیمی داشته و بودجه مربوط به این امر را حذف کرده است. بدین ترتیب اگر کسی بخواهد خود را مقطوع النسل کند، باید هزینههای آن را بپردازد؛ چراکه دولت هیچ یارانهای در این زمینه پرداخت نخواهد کرد. این اقدامات اثر جزئی دارد. همچنین ارائه تسهیلات مالی به کسی که قصد فرزنددار شدن دارد، مؤثر اما کماثر است. در مثالی دیگر، اگر با طبقهبندی یارانهها به بیش از چهار فرزند هم کوپن داده شود، بیمه شوند یا

ص: ۱۷۲

حتی به فرزندان بیشتر، یارانه بیشتری داده شود کماثر است؛ اگر هم مؤثر باشد ممکن است جمعیت را به صورت نامتعادل افزایش دهد؛ به این معنا که زادوولد در مناطقی که مردم فقر اقتصادی شدید دارند افزایش یابد. البته شاید این طرح بهتر باشد که یارانه پرداخت شود، اما تا زمان معینی در اختیار خانواده قرار نگیرد. مانند پیشنهاد دولت نهم که برای هر کودکی که به دنیا میآید، یک سپرده بانکی افتتاح شود و به مرور، دولت و خانواده مبلغ سپرده را افزایش دهند. شاید آثار منفی این شیوه کمتر باشد، ولی به هرحال ممکن است جمعیت را نامتوازن کند. اگر بر این اساس در مناطق محروم جمعیت افزایش یابد، هیچ تضمینی وجود ندارد که این جمعیت به صورت کیفی پرورش یابد و تربیت شود. خانوادههایی که برای بهتر شدن نسبی وضع اقتصادی، حاضر به بچهدار شدن میشوند، معلوم نیست بتوانند فرزندان خود را خوب تربیت کنند. بنابراین این اقدام نیز خیلی مؤثر نخواهد بود.

به نظر میرسد ابتدا باید تبلیغات فراوان رسانهای، اعم از رسانه ملی و غیر ملی، درباره کاهش جمعیت قطع شود. بعضی از این تبلیغات، مستقیم و بعضی از آن ها غیرمستقیم است. در تبلیغات مستقیم، خانوادههای پرجمعیت را به سخره میگیرند و خانوادههای کمجمعیت را بهرهمند و در رفاه نشان میدهند؛ در تبلیغات غیرمستقیم، یک زندگی متداول بدون فرزند یا با فرزند کم، تبلیغ می شود. امروزه در فیلمهای ایرانی و حتی در سریالهای خارجی به ندرت فرزندی وجود دارد؛ اگر هم بیش از یک یا دو فرزند در فیلمی باشد، حتماً جنبه طنز دارد. به هرحال این تبلیغات جامعه را به سمت کاهش جمعیت سوق میدهد. میتوان تولید اینگونه فیلمها و سریالها را محدود کرد، یا برخلاف آن ها فیلم ساخت. بهترین عامل تبلیغ سبک زندگی خاص و ترویج آن، تولیدات نمایشی و بستر تحقق آن صدا و سیماست. رسانهها میتوانند به راحتی آداب متفاوتی را در

ص: ۱۷۳

زندگی تبلیغ کنند و یک سبک را زشت و دیگری را زیبا نشان دهند. بااین حال تمام این اقدامات، کماثر است.

دوم ارائه الگوی حضور اجتماعی زنان، متناسب با ازدواج و زادوولد: مهم ترین عامل، حضور اجتماعی زنان است. حضور اجتماعی زنان نباید مانع ازدواج و زادوولد تلقی شود. باید الگوهایی به جامعه عرضه شود که نشان دهد زنان با وجود تحصیل و اشتغال میتوانند ازدواج موفق داشته باشند و فرزندان موفقی نیز تربیت کنند. در این الگوسازی باید نشان داد که اشتغال زنان مانع همسرداری و فرزندداری نیست. میتوان زنان موفقی را که علاوه بر حضور اجتماعی مناسب، در وظیفه همسرداری و فرزندداری خود هم موفق بودهاند، الگو معرفی کرد. در تبلیغات باید نقش مهم محیط خانواده را در تربیت فرزندان و تأثیر آن در سیاست، اقتصاد و فرهنگ جامعه تبیین کرد. خانواده، اولین کانون تربیت انسان است. جامعهای که فرزندانش در کانون خانواده تربیت نشود و بنیان خانواده در آن به جای محبت و ایثار، بر پایه جنگ و ستیز و تخریب، یا بی تفاوتی شکل گیرد، دچار مشکلات خانوادگی است. وجود چنین مشکلی در جوامع غربی به راحتی قابل مشاهده است. بنابراین نباید تصور کرد که حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی، تنها عامل ارتقای شخصیت اجتماعی آنان است و برعکس، خانهداری و ایجاد محیط امن و ایثار و محبت در خانه برای تربیت مناسب فرزند، ضدارزش و بیهوده است و تأثیری در اجتماع ندارد. شخصیتهای بزرگ هر کشور، تحت تربیت مادرانی متعهد و در محیط سالم خانوادگی پرورش یافتهاند. باید مشخص کرد که حضور اجتماعی زنان در کجا و به چه صورت مناسب، و کجا و به چه صورت غیرمناسب است. این نکته درباره آقایان هم مطرح است، اما از آنجا که عامل اصلی افزایش جمعیت زنان هستند، حضور اجتماعی مناسب زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا سن بارداری زنان محدود است.

ص: ۱۷۴

سوم مناسبسازی رشتههای تحصیلی با خصوصیات جنسی: یکی از اقدامات مؤثر، مناسبسازی رشتههای تحصیلی با ضرورتهای اجتماعی و خصوصیات جنسی است. یکی از مشکلات این است که بعضی رشتهها مانند رشته های علوم انسانی، که انتقال دانش و مهارت در آن به سادگی انجام میشود، در هر دانشگاهی وجود دارد و هر دانشگاه غیرانتفاعی‌ای نیز در محیط بسیار محدود این رشتهها را ارائه میدهد. مدیریت این دانشگاه ها از مدیریت مهدکودک هم سادهتر است. بنابراین در عمل، ورودی بعضی رشتهها، افزایش مییابد که متناسب با شرایط کشور نیست. اگر مردی در رشتهای که با شرایط کشور سازگار نیست تحصیل کند، در یافت شغل با مشکل مواجه میشود و در نتیجه نمیتواند ازدواج کند. زنان هم پس از تحصیلات دانشگاهی با توجه به اینکه مناسبات اجتماعیشان تغییر میکند، به سادگی نمیتوانند ازدواج کنند؛ درحالی که اگر جمعیت منطقه ای بیش از حد باشد، برای پیدا کردن شغل، رقابت ایجاد میشود. از طرفی، تعدادی از این مشاغل محدود هم توسط خانمها تصاحب میشود که ممکن است ازدواج کرده باشند و همسرشان هم شاغل باشد؛ در این صورت یک موقعیت شغلی را اشغال کرده و مانع ورود مرد جوانی میشود که میتواند به وسیله این شغل، کسب درآمد و ازدواج کند. بدین ترتیب رقابت بر سر تصاحب شغل افزایش می یابد و مشکلاتی به وجود میآورد. بنابراین باید مشخص شود که کشور در هر رشته و در هر مقطعی، اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا و... به چند نفر فارغالتحصیل زن و مرد در سالهای آینده نیاز دارد تا متناسب با نیاز کشور دانشجو پذیرفته شود. به صرف وجود ظرفیت دانشگاه ها نباید دانشجو پذیرفته شود.

نکته دوم این است که رشته تحصیلی باید با جنسیت دانشجو هماهنگ باشد. امروزه این عدم تناسب در جامعه وجود دارد. بعضی از آقایان و خانمها در رشته هایی تحصیل میکنند که تناسبی با جنسیت آن ها ندارد. باید با تحقیقات

ص: ۱۷۵

جامعه شناختی و روانشناختی مبتنی بر معارف اسلامی مشخص شود که به تناسب خصوصیات جسمی، فکری، روحی و نقشهایی که زن و مرد در خانواده و اجتماع بایـد ایفا کننـد، در چه رشـتههایی بایـد تحصـیل کننـد؛ کدام رشـتهها مختص مردان و کدام رشـتهها مختص زنان، و کدام رشـتهها مشترک باشد؟ باید روشن شود در هر رشـته به چه نسـبتی به تحصیل خانمها و به چه نسبتی به حضور مردان نیاز وجود دارد. بدین ترتیب افراد، متناسب با ضـرورتهای خانوادگی، تمدنی و اجتماعی رشد پیدا کنند و پس از تحصـیل در دانشـگاه، دانش و مهـارت آن هـا مـورد اسـتفاده جـامعه قرار گیرد. این برنـامهریزی بایـد مـانع ایجـاد توقعـات نابجـا در افراد شـود. تحصیلات دانشگاهی نباید باعث شود افراد، کار کردن در برخی مشاغل را دون شأن خود بدانند. این نکته درباره ازدواج نیز مطرح است.

چهارم پیگیری و دفاع از عدالت جنسـیتی: وضعیت کنونی جامعه، عدالت جنسیتی را برهم زده است. نمونه بارز این عدم عدالت این است که پسـرها بعد از دیپلم، یک یا دو سال فرصت دارند که وارد دانشـگاه شوند. اگر در این دو سال نتوانند وارد دانشـگاه شوند، باید به سـربازی بروند. سـربازی حدود دو سال طول میکشد. پسـرها در همین یک یا دو سال، یا از ادامه تحصیل منصرف، یا حداقل طی این مـدت از محیـط تحصـیلی دور میشونـد. به همین دلیل در رقابت کنکور با خانمها، تعـداد پذیرفتهشـدگان مرد کمتر میشود. حتی تعـداد شـرکتکنندگان مرد کمتر میشود. اگر رقابت آزاد باشـد و عـدالت جنسـیتی رعایت شود خوب است، اما بایـد متناسب با شرایط کشور، برای خانمها هم طی کردن دورههایی را تعریف کرد. خانمها هم میتوانند به شـکل محدودتری آموزش نظامی ببینند. البته میتوان برای خانمهـا آموزشـهای متفـاوتی طی این دو سال تعریف کرد: دفاع غیرنظامی، امـداد پزشـکی، کمکهای اولیه و... که میتواند در زندگی خانوادگی هم کاربرد داشته باشد. این آموزشها میتواند متناسب با شرایط جنگ تعریف شود که

ص: ۱۷۶

تعـداد زیـادی از مردان مجبور میشونـد به جبههـا برونـد و در نتیجه اداره کشور، بیشتر به دست خانمهـا خواهـد بود. همـانگونه که پسـرها برای مقابله با حمله ناخواسـته آموزش نظامی میبیننـد و بایـد به جبههها هجوم ببرنـد، خانمها هم باید متناسب با خود آموزش ببیننـد و در وضـعیت بحرانی به کشور کمک کننـد. البته جایگاه زنان و نقشـی که باید در زمان جنگ بازی کنند متفاوت است. در صورت اجرای چنین طرحی، وجهی از تعادل جنسـیتی برقرار می شود و در نتیجه در پذیرش رشـتههای دانشگاهی نیز تعادل جنسیتی به وجود میآید. باید برای خانم هایی که میخواهند اسـتخدام رسـمی شوند، یا حدی از فعالیتهای اجتماعی را بپذیرند، طی کردن این دوره اجباری باشد.

پنجم مناسـبسازی شـغل با مشـخصات زنان یا مردان: تناسب شـغل و وضعیت جنسی هم باید تعریف شود. باید بتوان در برنامهریزیها همچنین در کارهای فرهنگی، تناسب شغل را تعریف کرد. شایسته زن مسلمان ایرانی نیست که در مشاغل پَستی کار کند که بعضی مردان حاضـر به انجام آن نیسـتند؛ مشاغلی که دسـتمزد بسـیار پایینی دارد یا تنشـهای روحی و روانی زیادی دارد. شایسـته نیست که خانمی تلفنچی، منشی یا فروشنده باشد و همیشه با مردان و زنان در ارتباط باشد و مدام تنشهای اجتماعی را تحمل کند، فقط به این دلیل که این مشاغل دسـتمزد بسـیار پایینی دارند و مردان حاضـر نیسـتند در این مشاغل کار کنند. در بعضـی شـرکتهای خصوصـی، فروشـگاهها و حتی سوپرمارکتهـا و مغازهها، از خانمهایی اسـتفاده میشود که دسـتمزدشان با هزینه رفت وآمـد و پوشاکشان، تفاوت چنـدانی نـدارد. آن هـا فقـط برای اینکه شاغـل باشـند به اینگونه مشاغـل تن میدهنـد؛ چراکه شخصـیت اجتمـاعی را در شاغل بودن میدانند و خانهداری، فرزندداری و همسـرداری را مغایر با شئون اجتماعی تصور میکنند. بدین ترتیب، با حضور زنان در این مشاغل، دستمزد آن شغلها پایین می آید و این فرصتهای

ص: ۱۷۷

شغلی از مردان گرفته میشود. بنابراین مناسبسازی شغل و کیفیت شغل، از مباحث مهم دراین باره است. میتوان بسیاری از شغلهایی را که امکان دورکاری در آن ها وجود دارد، به عهده خانمها گذاشت. بدین ترتیب یک خانم همزمان که در خانه حضور دارد و به حضور اجتماعی نیاز زیادی ندارد، میتواند امور شغلی خود را انجام دهد. امروزه بسیاری از کارهای رایانهای را میتوان در محیط خانه انجام داد. مشاغلی مانند خیاطی خانمها، بهداشت و درمان خانمها و امثال آنها، اموری هستند که باید به عهده زنان باشد. در اینگونه مشاغل، زنان مجبور نیستند مانند کارمندان بانک از ابتدای صبح تا بعد از ظهر در محل کار حضور داشته باشند. زن در این وضعیت نمیتواند به وظایف خود در قبال فرزندان و همسرش بپردازد. زن در چنین محیطی از قبیل صندوقدار بانک، مدام با افراد مختلف برخورد دارد و نگران است که در دریافت و پرداختها دچار اشتباه نشود و در پایان روز کاری با کسری پول مواجه نشود. بنابراین مشاغل باید از نظر نوع کار، ساعات حضور، محیط کار و... مناسبسازی شوند. حضور خانمها در محیطهای محفوظ لوازمی دارد که با محیطهای مختلط متفاوت است. محیطهای کاری زنان تا آنجا که ممکن است باید مخصوص خانمها باشد. برای مثال زنان باید در محیط بیمارستان مخصوص زنان، محیط آموزشی مخصوص زنان، محیط پرورشی مخصوص زنان و حتی محیط خرید و فروش مخصوص زنان به فعالیت بپردازند. این امر در اصلاح وضعیت نقش مهمی خواهد داشت.

ششم عبور از ازدواجهای دشوار به ازدواجهای آسان: از دیگر بحثهای مهم، ازدواج آسان است. موانع ازدواج بیش از هر چیز ناشی از نوع مسائل روحی، روانی و بینشی است. تصور میشود محدودیت مسکن و شغل، مانع اصلی ازدواج است؛ اما همه این ها به تعریف شغل و مسکن بستگی دارد؛ یعنی آیا زندگی زوج جوان همراه با پدر و مادر و استفاده از امکانات منزل والدین، در آغاز زندگی ممکن نیست؟ در

ص: ۱۷۸

بعضـی خانوادهها انجام میشود، نتیجه خوبی داشـته است. در این شـیوه مقدار هزینههای زندگی زوج جوان کاهش پیدا میکند و آن ها میتواننـد با درآمـد کمتری زنـدگی مشترک را شـروع کنند. ازدواجهایی که با مشـکلات اقتصادی اما همدلی و همفکری شـروع میشوند، در آینده به زندگی بهتری میرسـند، و در این صورت زندگی شـیرینتری خواهند داشت. لازم نیست از اول، توقع طرفین این باشد که پسـر منزل و ماشـین و شغل پردرآمد، و دختر جهیزیه کامل داشته باشد. میتوان ازدواج را با عقد شروع کرد و همخانه شدن به تأخیر بیفتد؛ در بعضـی شهرستانها مانند قم، مرسوم است که بین عقد و همخانه شدن، دو یا سه سال فاصله وجود دارد. در این سه سـال جهیزیه فراهم میشود و پسـر هم تحصـیلات یا شـغل خود را کامل میکنـد. بنابراین در ازدواج بایـد به سـمت سـهلگیری رفت و ازدواج را به امری آسان تبدیل کرد. ازدواج آسان، هم باید بین افرادی که ازدواج اولشان است محقق شود، و هم بین افرادی که در ازدواج اول خود شکست خوردهاند یا همسر نامطلوب داشتهاند یا همسر خود را بر اثر حادثه از دست داده اند. امکان ازدواج آسان بایـد برای این افراد هم فراهم شود. براسـاس آموزههـای دینی، کسـی که ازدواج میکنـد، نیمی از دینش را حفـظ کرده است. زن و مرد، ستر و حجـاب یکدیگرنـد. خداونـد از خزانه غیب خود به زن و مردی که ازدواج می کننـد میبخشـد. خداونـد میفرمایـد: شـما دختران و پسـران فقیر را به ازدواج یکـدیگر درآورید؛ ما خود از خزانه غیب به آن ها میبخشـیم. نفرمودهاند: اول پولدار شوید؛ بعد ازدواج کنیـد. این هـا مـواردی است که اگر مورد توجه قرار گیرنـد، مؤثر واقع میشونـد. این موارد از محورهـای مهم افزایش حیـا و غیرت اجتمـاعی هسـتند. خلاـصه اینکه آنچه به حیـا و غیرت اجتماعی لطمه میزنـد، بایـد از زنـدگی و محیط اجتماعی حـذف شود. متأسـفانه بعضاً در رسانهها به مسئله حیا و غیرت، طعنه می زننـد و باعث تضـعیف آن میشونـد. اگر این معضـلات حل شود، محیط اجتماع دیگر محیط بهرهمندی و تحریک جنسی نخواهد بود و اشباع جنسی، فقط در محیط خانواده خواهد بود.

ص: ۱۷۹

نحوه ورود رسانه ملی در این عرصه چگونه باید باشد؟ آیا ورود مستقیم رسانه ملی به این عرصه با هدف دعوت مردم به افزایش فرزند را صلاح می دانید؟ ورود غیرمستقیم به این حوزه چگونه میتواند باشد؟

رسانه، باید هم به صورت مستقیم، و هم غیرمستقیم وارد شود و از بعضی رویکردهای گذشته نیز دست بردارد. مطالب را قبلاً توضیح دادهام. به صورت مختصر میتوان گفت:

۱. در حال حاضر، در کمتر فیلم و سریالی بچههای کوچولو نشان داده می شوند. این روند باید اصلاح شود.

۲. در برنامههای نمایشی، نباید خانوادههای پرجمعیت به سخره گرفته شوند.

۳. در حال حاضر بچهها فقط از باب ضرورت در فیلمها حضور دارند. باید در زندگیِ معمولی به نمایش درآمده، چند فرزند در متن و حاشیه قصه وجود داشته باشد.

۴. در بیشترِ فیلمها و سریالها، افراد تا سن بالا ازدواج نکردهاند. در برنامه های نمایشی نباید فرد ازدواج نکرده مگر به ضرورت نشان داده شود.

۵. در فیلمها و سریالهای رسانه ملی، بچهها فقط یک عمو یا دایی دارند. باید این بازنمایی خانواده اصلاح شود و حتی اگر این بستگان نشان داده نشوند، عنوان شود که چندین عمو، دایی، عمه یا خاله دارند.

۶. صدا و سیما به نحو پنهان، به مردم الگو و سبک زندگی ارائه میدهد. باید ازدواج آسان، فرزندان مناسب، شغل مناسب، تحصیل و تربیت و... اسلامی در خانواده رایج جلوه کند.

۷. باید نشان داد که محل بروز جذابیتهای جنسی خانواده است، نه خیابان و جامعه.

۸. باید شغلهای مناسب خانمها در رسانه الگوسازی شود.

۹. باید درباره اشتغال زنان، مواردی مانند دورکاری، کار نیمهوقت و مشاغل آموزشیِ تربیتی و پزشکی ترویج شود.

ص: ۱۸۰

۱۰. باید درباره تناسب آموزش عالی و تنوع رشتهها با اهداف و سیاستهای کلان نظام و نیازهای جامعه کار شود.

۱۱. باید درباره عدالت جنسیتی و موضوعی مانند سربازی و اینکه پسرها فرصت کمتری برای ادامه تحصیل دارند، کار شود.

۱۲. باید نشان داده شود که تحصیلات، مانع ازدواج نیست.

۱۳. باید از خانمهای موفقی که در عین همسرداری، به تحصیل خود هم ادامه دادهاند الگوسازی شود؛ کسانی مانند «بانو مجتهده اصفهانی».

۱۴. باید با این فرهنگ که هدف اشتغال زنان، استقلال اقتصادی یا کسب شخصیت و پرستیژ است مقابله شود.

۱۵. باید همسرداری و فرزندداری، به عنوان امری بافضیلت تبلیغ و ترویج شود و برای این موضوع به ویژه از راه الگوسازی به زندگی مادرانی که فرزندانی شایسته تحویل جامعه دادهاند؛ مانند مادران سیدرضی، سیدمرتضی، مقدس اردبیلی و... استفاده شود .

۱۶. باید به این موضوع که مادر، هنگام زایمان همه گناهانش پاک میشود اشاره شود.

۱۷. باید به نقش فرزندان در سعادت اخری پدران و مادران و اینکه آن ها از مصادیق باقیات الصالحات هستند اشاره شود.

۱۸. برای پاسخ به کسانی که فرزندداری را مغایر با رفاه و آسایش خود می دانند، به این موضوع پرداخته شود که هدف زندگی، تنها رفاه و سعادت مادی و لذتجویی نیست، بلکه هدف نهایی انسان سعادت اخروی است. لذا اگر انسان فرزند خوبی تربیت کند، میتواند سعادت اخروی خود را تضمین کند و همچنین اینکه فرزندان هم به نوبه خود برای انسان سعادت و آسایش میآورند.

ص: ۱۸۱

۱۹. باید از ارائه الگوهای غلط از طریق فیلم خارجی (مانند خانوادههای تک والدی) جلوگیری کرد.

۲۰. بحث مهمی که صدا و سیما می تواند کار کند، بحث ازدواج آسان است که به نظر می رسد مورد قبولترین مطلب باشد و همگان، از جمله مسئولان و برنامه سازان می پذیرند و شدنیتر هم هست. باید برای برطرف کردن موانعی که بر سر راه ازدواج جوانان گذاشته شده است طرحهایی ارائه کرد؛ اینکه دولت چه کارهایی می تواند انجام دهد و خانواده ها چه کار می توانند انجام دهند. طرحهایی مانند اینکه دختر و پسر با هم ازدواج کنند و مدتی، مثلاً تا پایان تحصیل و تا پایان خدمت سربازی یا موارد دیگر، در خانه پدر و مادر خود باشند و با هم ارتباط داشته باشند؛ یا اینکه با هم هم خانه شوند، ولی نه به این صورت که از همان روز اول همه نوع امکاناتی داشته باشند؛ یا اینکه در اول ازدواج در خانه والدینِ یکی از طرفین زندگی کنند. اگر یک طبقه اضافه دارند، مدتی بمانند تا بتوانند بعد از مدتی استقلال پیدا کنند. باید گفته شود مادرزن و مادرشوهر، حامی و خیرخواه فرزندان هستند. آن ها هم دخالت بیجا نکنند و عشقشان نوه هایشان باشد. رسانهها مراقب باشند که افراد و نسلها را به هم مشکوک نکنند و مهر و محبت بین افراد را بالا ببرند؛ در بحث درآمد که معروف است پسر حتماً درآمد مکفی داشته باشد؛ اگر پدر امکانات مالی دارد، قبول کند که بخشی از هزینه های فرزندش را بدهد و پدر را متوجه کنند که با این کار و هزینهای که انجام می دهد، فرزند خود را از بسیاری از خطرات و گناهان مصون نگه داشته است. به قولی با این ازدواج، دختر و پسر بیمه شدهاند. این سختگیری ها را باید دور زد. مسائل کماهمیت هم مانند مهریه و برگزاری مراسم و غیره را باید دور زد و باید به عبارتی تقلیل داد. این مباحث ازدواج آسان را صدا و سیما می تواند ترویج کند.

ص: ۱۸۲

۲۱. یکی دیگر از مباحث، نگهداری فرزندان عروس و داماد است. آن ها برای تحصیل و اشتغال نیاز به نگهداری فرزندانشان دارند و این را مانعی برای فرزنددار شدن می دانند. این را باید والدین عروس و داماد بر عهده بگیرند و باید والدین، نوه های خود را از موهبت های خدا بدانند. انسان نوه خود را اگر از فرزند بیشتر دوست نداشته باشد، حتماً کمتر دوست نخواهد داشت. غالباً هم اینگونه است. البته ممکن است همه این امکان را نداشته باشند، یا کهولت سن آنان این اجازه را به آنان ندهد یا مثلًا در همان شهر زندگی نکنند، ولی راهحلی است و در حال حاضر مهدهای کودک هم برقرار است. غیر از این موارد، خانم میتواند شغلی اختیار کند که نیاز کمتری به خروج از منزل داشته باشد.

به هرحال این الگوسازیهایی که به صورت منفی در این چهل پنجاه سال ایجاد شده است باید باطل شود. مثلًا عنوان شود خانهای که صدای فرزند در آن درنیاید، سوت و کور است و مورد عنایت فرشتگان نیست و از این دست روایت ها از منابع دینی استخراج کنند و به مردم ارائه دهند تا تشویق شوند که فرزند و نسل داشته باشند تا اثر خود را به مرور بر مردم بگذارد.

به نظر من این مسئله راهکار فوری و فوتی ندارد. حتی دشوارتر از آن زمان است که می خواستند جمعیت را کم کنند.

با توجه به اینکه حوزه و روحانیت در جا انداختن سیاست ضرورت کنترل موالید نقش مهمی داشته است، آیا استفاده رسانه از روحانیان یا به طورکلی پیامهای دینی برای دعوت مردم به ازدیاد نسل را درست میدانید؟

این مؤثر است؛ ولی بنده نمی دانم چرا دلم به این کار رضایت نمی دهد... . طوری نباشد که روحانی یا مرجعی به طور مستقیم، در رسانه روایاتی برای فرزنددار شدن بگوید. این اثر معکوس و نابجا خواهد داشت. به نظر من الان فضا برای پیام مستقیم فراهم نیست و آثار نامطلوب متعددی دارد.

ص: ۱۸۳

۱۰. گفت وگو با جناب آقای دکتر سیدضیاء هاشمی

۱۰. گفت وگو با جناب آقای دکتر سیدضیاء هاشمی(۱)

سیاستهای جمعیتی را که نظام جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته در پیش گرفته است، چگونه تحلیل میکنید؟ این سیاستها چه اشکالها و آسیبهایی داشته است؟

نظر من این است که اولاً سیاست های جمعیتی، باید متناسب با واقعیت ها، اقتضائات و نیازهای جامعه باشد؛ بنابراین سیاست های جمعیتی حتماً باید از پویایی و انعطافپذیری لازم برخوردار باشد. یعنی ما نمی توانیم سیاست جمعیتی واحدی را در شرایط مختلف تجویز کنیم. پس آنچه در دهه شصت اتفاق افتاد و به کنترل جمعیت منجر شد به نظر من تشخیص درستی بود و باید اتفاق می افتاد و متناسب با اقتضای زمان بود؛ به خاطر اینکه در آن زمان میزان رشد طبیعی جمعیت نزدیک به ۲/۳ بود. آن وضعیت می توانست برای جامعه عوارضی ایجاد کند، کما اینکه ایجاد کرد؛ عوارضی مانند مشکلات تحصیلی نوجوانان و بعضاً جوانان، مشکلات مالی و اقتصادی در جامعه و میان خانواده ها، عدم تناسب ساختار و ترکیب جمعیت، ناتوانی جامعه و خانواده ها در تأمین نیازهای فرزندان از قبیل تأمین نیازهای تربیتی، بروز مشکلات و آسیب های اجتماعی و فرهنگی و... شاید شاخصترینِ آن ها بیکاری است. ما اکنون با سه میلیون بیکار مواجه هستیم که بیشترِ آن ها متولدین اوایل دهه شصت هستند. آن ها یک مجموعه

۱- دانشآموخته حوزه و دانشگاه، و عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی و رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

ص: ۱۸۴

بزرگ جمعیتی بودند که اکنون به سن کار رسیده اند. آن گروه، زمانی که در سن مدرسه بودند، در آموزش و پرورش مشکل و محدودیت داشتیم؛ وقتی به سن کنکور و دانشگاه رسیدند، در فرایند پذیرش دانشجو در دانشگاه ها محدودیت و مشکل داشتیم؛ اکنون هم که در شرایط بازار کار هستند و به کار، مسکن و ازدواج نیاز دارند، در این زمینه ها مشکلات اجتماعی داریم. بنابراین در آن مقطع آن سیاست، درست بود. ولی اینکه آیا آن سیاست باید برای همیشه ثابت می ماند، جای تأمل دارد؛ به خاطر اینکه آن موقع، منطقاً باید میزان و سرعت رشد جمعیت کاهش پیدا می کرد تا جمعیت متناسب با اقتضائات و شرایط جامعه باشد. ولی بعد شرایط جامعه تغییر کرد، اما آن سیاست ها با شرایط جدید انطباق داده نشد. ما باید ببینیم در شرایط جدید چه سیاستی می توانیم داشته باشیم.

دو نکته در اینجا مطرح است: اول اینکه همان موقع قرار بود رشد جمعیت از ۲/۳ درصد در سال ۹۰ به ۳/۲ درصد برسد، ولی خیلی کمتر از این ها شد و به حدود ۵/۱ درصد رسید و اکنون حدود ۳/۱ درصد است. بنابراین آن سیاست می توانست منطقی پیش برود، ولی در مقام عمل حتی از آن حدی هم که پیش بینی شده بود کمتر شد. نکته قابل تأمل این است که اتخاذ سیاست های جمعیتی، تنها عنصر تعیینکننده تغییرات جمعیت نیست؛ به خاطر اینکه تحولاتی که در جامعه رخ می دهد و رفتارهای اعضای جامعه، تابع صرف سیاست های جمعیتی نیست. بنابراین ممکن است سیاست جمعیتی، مسیری را خوب پیشبینی کند، اما در عمل اتفاقی که بیفتد، جلوتر از آن یا قبل تر از آن باشد. بنابراین ما اگر هم می خواستیم آن سیاست ها را تعقیب کنیم، باید به رشد ۳/۲ می رسیدیم، ولی الان به رشد ۳/۱ رسیدیم. حال باید چه کرد؟

طبیعتاً باید مسیرمان را دوباره تنظیم کنیم، به این معنا که با اقتضائات امروز تصمیم بگیریم. ما باید ببینیم از حیث شاخص های مختلف اجتماعی، اقتصادی و

ص: ۱۸۵

نیازمندی های گوناگون جمعیتی به ویژه مسائلی مثل اشتغال، مسکن، ازدواج، تغذیه، وضعیت اجتماعی، وضعیت اقتصادی و... جمعیت مطلوبمان چقدر است و بعد به سمت آن وضعیت مطلوب حرکت کنیم. بنابراین حرف من در یک کلمه این است که چون سیاست های جمعیت باید متناسب با اقتضائات و شرایط جامعه باشد، پس این سیاست ها باید لزوماً پویا، انعطافپذیر و جامع باشد و لذا همواره بازنگری و توجه به سیاست های جمعیتی، ضرورت است؛ خصوصاً که ما با تغییرات زیاد جمعیت مواجه هستیم. جمعیت کشور ما در طول ۳۰ سال گذشته از حدود ۳۵ میلیون به حدود ۷۵ میلیون رسیده؛ ولی نرخ رشد جمعیت شتاب زیادی در مسیر کاهش داشته است. پس اینکه چه سیاستی باید در پیش گرفته شود، طبیعتاً باید با ملاحظات جامع مدنظر قرار گیرد.

آیا در شرایط حاضر با توجه به مناسبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته در جامعه ما، امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی ناظر به کنترل موالید وجود دارد؟

باید بحث کنترل موالید را واقعبینانه دید و توجه کرد که اکنون وضعیت چگونه است. هنوز اینطور نیست که جمعیت در حال کاهش باشد؛ هنوز جمعیت در حال افزایش است. یعنی اگر شاخص ها را در نظر بگیریم، هر سال حدود یک میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه می شود. یعنی در سال ۹۱ تقریباً جمعیت ما، نسبت به سال ۹۰، بیشتر از یک میلیون نفر تفاوت دارد و در سال ۹۰ نسبت به ۸۹ نیز همین تفاوت را می بینیم. طبق آمارهای رسمی بین سال های ۸۵ و ۹۰، سالانه ۳/۱درصد رشد جمعیت را تجربه کردیم و لذا جمعیت ما در سال ۱۳۹۰، بیش از ۷۴ میلیون بوده است، درحالی که در سال ۸۵، حدود ۶۹ میلیون بوده است و اگر این رشد را بخواهیم مبنا قرار دهیم تا سال ۹۵ ، جمعیتی بیش از ۷۸ میلیون نفر خواهیم داشت. نکته این است که با این روند، به تدریج که این میزان رشد

ص: ۱۸۶

کمتر شود، ممکن است بعد از سی سال به مقطعی برسیم که با رشد منفی مواجه شویم. البته این رو به کاهش بودن را بعضی کارشناسان معتقدند که در بیست سال آینده اتفاق خواهد افتاد؛ ولی به نظر من پیشبینی واقعبینانه تر این است که در همین روند فعلی هم ما تا حدود چهل سال آینده، با کاهش جمعیت مواجه نیستیم. من اعتقاد دارم باید واقعبینانه به قضیه نگاه کنیم و اینگونه تبلیغ نکنیم که جمعیت ما رو به کاهش است. ممکن است در بعضی استانها، شهرها یا روستاها این اتفاق افتاده باشد، ولی در کل کشور وضعیت اینگونه نیست و جمعیت کشور در حال افزایش است و در بدبینانهترین تحلیل ها حداقل تا حدود بیست یا سی سال دیگر، با کاهش جمعیت مواجه نیستیم. ازاین رو باید با واقع بینی، دقت نظر و پرهیز از تبلیغاتی شدن مباحث، به این حوزه پرداخته شود.

اگر بخواهیم سیاست های جمعیتی را اصلاح کنیم، فکر می کنم تنظیم مجدد سیاست ها میسر است؛ ولی باید دو نکته را در نظر داشت: یکی اینکه باید اهداف را منطقی دید؛ و دوم روش ها باید منطقی باشد. من فکر می کنم در فضایی که در جامعه ایجاد شده است، بعضی ها به روش غیرمنطقی با قضیه برخورد می کنند؛ به این معنا که خیلی فضا را پرهیجان، تبلیغاتی و رسانه ای می کنند و ادعاهای اثبات نشده مطرح میکنند. البته اگرچه ما تا سی سال آینده، با کاهش جمعیت روبه رو نیستیم، باید درباره سیاست های جمعیتی به موقع اقدام و برنامهریزی شود تا در آینده دچار مشکل نشویم. نکته دیگر این است که ما باید میزان جمعیت را در افق های گوناگون بسنجیم. ممکن است کشور ما ظرفیت صدها میلیون نفر را داشته باشد، ولی در افق زمانی مناسب که بتواند این قابلیت های موجود را به فعلیت برساند. پس باید بررسی شود که میزان جمعیت مطلوب و مناسب در شرایط فعلی در سال ۹۱ چقدر است و در افق چشم انداز ۲۰ یا ۵۰ یا ۱۰۰ سال آینده چطور؟ بنابراین اینگونه نیست

ص: ۱۸۷

که بگوییم تا صد یا دویست سال آینده فقط جمعیتی واحد می تواند برای ما مطلوب باشد. نه؛ اینگونه نیست. ما در شرایط مختلف می توانیم جمعیت مطلوب را به شکل های مختلف تنظیم کنیم.

آیا در فضای کارشناسی کشور اتفاق نظر و درک واحدی در زمینه ضرورت اصلاح سیاستهای جمعیتی وجود دارد؟

طبیعتاً عرصه کارشناسی، عرصه دیدگاه های تخصصی است و دیدگاه ها می تواند در آن تنوع داشته و اختلاف نظر وجود داشته باشد. در این حوزه هم اختلاف نظر زیاد است و به اعتقاد من، با اینکه موضوع خیلی مهم است، بعضی دیدگاه ها و برخوردها به شکلی سطحی و غیردقیق مطرح و باعث می شود که ما از وحدت نظر، گفت وگو و بحث منطقی دور شویم. دیدگاه های مختلف وجود دارد و هریک استدلال خود را دارند؛ هم درباره جمعیت مطلوب، هم اینکه این جمعیت مطلوب در سال های مختلف چقدر می تواند باشد، و هم درباره روش رسیدن به آن افق. قطعا برای رسیدن به سیاست های منطقی، باید روش های منطقی داشته باشیم. بعضی بر این باورند که با شعاری کردن موضوع، این کار اتفاق خواهد افتاد، یا تکرار آن را در رسانه باعث تحقق آن می دانند، درحالی که معمولاً پیش از آنکه در حوزه رسانه بخواهیم به این موضوع توجه کنیم، باید به بسترها و عوامل اثرگذار در قضیه توجه کنیم و بتوانیم در مسیری پیش برویم تا دیدگاه های مختلف بتواند عرضه و تبادل نظر شود، و در تبادل نظر بهترین رویکردها مطرح شود. بنابراین، باید به این کار با دید علمی و منطقی، و نه از سر دیدگاه شخصی یا احساسی توجه شود.

ص: ۱۸۸

بر فرضِ امکان اصلاح سیاستهای جمعیتی در کوتاهمدت، چه راهکارهایی در این زمینه پیشنهاد میکنید؟

اولاً ـ بازنگری سیاست های قبلی می توانـد در دستور کـار قرار گیرد. سیاست هـایی که در دهه شـصت تـدوین شـده، متناسب با مقتضیات آن زمان بوده است. الان نبایـد علی الرأس آن ها را رد کرد. باید بررسـی شود که اگر بخشـی از آن ها با اقتضائات زمان تناسب دارد حفظ شود، ولی اگر تناسب نـداشت بایـد تغییر کنـد و متناسب با شـرایط امروز و البته در نگرش جامع و علمی، مجـدداً تنظیم شود. نکته دوم این است که مـا بایـد تلاش کنیم به سـمت همفکری و اجماع علمی در میان نخبگان علمی برویم، و در مرحله بعد، به اجماع میان نخبگان سیاسـی و اجرایی، و همچنین نخبگان دینی برسیم. این سه عنصر در تنظیم دقیق سیاست ها و نیز عملیاتی شدن آن ها نقش تعیینکننده دارند. مجدداً تأکید می کنم باید امکان تبادل نظر در فضای آرام و منطقی فراهم شود تا بتوان سیاسـت هـای جمعیتی جدیـد را تـدوین کرد و به اجرا گـذاشت. نکتهـای که بایـد به آن توجه شود این است که یـک موقع بحث ما درباره استراتژی هاست که در سطحی مطرح می شود، و یک موقع بحث درباره روش هاست. سیاست ها امری است بین استراتژی و روش، که مستلزم بررسـی است و خودِ سیاست هم مبتنی بر اهـداف نهـایی است. بنابراین اگر استراتژی کلان جمعیت در کشور به سـمت افزایش جمعیت باشد، تا حد زیادی سیاست های جمعیتی را مشخص می کند؛ ولی اگر برعکس باشد، طبیعتاً مسیر دیگری در پیش می گیرد. امـا بایـد قبـل از اینکه به مرحله اجرا برسـیم و اقـداماتی را آغـاز کنیم، ابتـدا فضا را باز کنیم تا درباره این موضوع بحث و گفتوگو و افق هـای زمـانی موضوع ترسـیم شود. یعنی اگر مـا افقی کمّی را در نظر بگیریم، بایـد ببینیم این کمیّت در چه افق زمانی مورد نظر ماست، تا بر اساس آن بتوان سیاست ها و تصمیمات درست اتخاذ کرد و روش های کارامد ارائه داد.

ص: ۱۸۹

نحوه ورود رسانه ملی به این عرصه چگونه باید باشد؟ آیا ورود مستقیم رسانه ملی به این عرصه با هدف دعوت مردم به افزایش فرزند را صلاح میدانید؟ ورود غیرمستقیم به این حوزه چگونه میتواند باشد؟

من فکر می کنم ورود مستقیم رسانه ملی به این موضوع، به هیچ وجه صلاح نیست؛ به جهت اینکه باید مخاطبان را شناخت. مخاطب امروز خودش دارای قدرت تحلیل است. رسانه اگر می خواهد به این عرصه ورود کند، باید دادههایی در اختیار مخاطب بگذارد تا او این تحلیل را بازنگری کند و متناسب با شرایط اجتماعی و شرایط خود، بهترین تصمیم را بگیرد. اما به ورود غیرمستقیم معتقدم؛ به این جهت که رسانه باید بتواند بسترها، علت ها و زیربناهای تغییر و تحولات جمعیتی را به بحث بگذارد و عرصه ای برای بحث های علمی و نظری ایجاد کند؛ به گونهای که به تدریج فضای ذهنی جامعه به اهمیت موضوع حساس شود و در مسیری منطقی، جامعه و شهروندان ما با ذهن بازتر با موضوع مواجه شوند. بنابراین ما نمی توانیم برای مخاطب عمومی توصیه ای خاص داشته باشیم. اساساً در شرایطی که مشکلاتی در ازدواج، همسریابی، افزایش سن ازدواج، مسکن و بیکاری داریم، صرفاً پرداختن به این موضوع با این شرایط نمی تواند مشی موفقی باشد؛ چون هم رسانه آسیب می بیند، و هم برای جامعه می تواند ناسازگاریهایی به وجود آورد. با توجه به اینکه عده زیادی از مردم، رسانه ملی را سخنگوی نظام می دانند، و از طرفی این افق را مطلوب می دانند، و از سویی این برداشت را دارند که ابزار و مقدمات این کار فراهم نیست، تبلیغ مستقیم در خصوص رشد فرزندآوری باعث می شود مردم دچار یک سری تعارضات شوند. بنابراین در حال حاضر روش پرداختن نباید مستقیم باشد و اگر قرار است مستقیم باشد، باید مقدماتی طی شود. پرداختن به بحث جمعیت و جمعیت را مورد توجه قرار دادن، البته به شکل غیرمستقیم، امری است که می تواند موثر واقع شود.

ص: ۱۹۰

آیا پرداختن به ضرورت افزایش جمعیت از منظر دفاع از کیان جامعه اسلامی یا مقابله با تهدیدهای امنیتی بالقوه و بالفعل پیش روی نظام اسلامی را به صلاح می دانید؟

درباره افزایش جمعیت برای دفاع از کیان جامعه شیعی و مقابله با تهدیدهای امنیتی، باید گفت در صورتی جمعیت می تواند با تهدید مقابله کند که باکیفیت باشد؛ بنابراین جمعیت بیکاری که امکان ازدواج و تأمین مسکن و شغل و غیره ندارد، خود می تواند تهدید باشد. ولی اگر جمعیت باکیفیت باشد، آنگاه قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی است.

با توجه به اینکه حوزه و روحانیت در جا انداختن سیاست ضرورت کنترل موالید نقش مهمی داشته است، آیا استفاده رسانه از روحانیان یا به طورکلی پیامهای دینی برای دعوت مردم به ازدیاد نسل را درست میدانید؟

روحانیت، در حرکت و هدایت تحولات دینی، اجتماعی و مردمی جامعه نقش دارد. در دهه شصت روحانیت درباره سیاست کنترل جمعیت نقش داشته است و الان هم این قابلیت را دارد. اما نقش روحانیت باید در جایگاه و حد خود و با استدلال درست باشد. اینکه چون ما به جمعیت زیاد نیاز داریم، پس روحانیت هم با زبان دینی به افزایش جمعیت توصیه کند، خیلی سادهانگاری است. چنین فرایندی مستلزم مقدمات و لوازم خاص خود است. اساساً آن دسته از پیام های دینی که به رشد جمعیت دعوت می کند، به جمعیت متدین، تربیت شده و فرهیخته ناظر است. اینکه همیشه آیات و روایات ناظر به این است که نبایست از ترس نبود امکانات مادی، از فرزند داشتن و ازدواج پرهیز کنید، اصل متقنی است. ولی اینکه بگوییم دین گفته است صرف نظر از شرایط اجتماعی و اقتصادی، افزایش جمعیت داشته باشید، درست نیست. پیام روحانیت باید پیام دین باشد و پیام دین آن است که افزایش جمعیت باکیفیت باشد.

ص: ۱۹۱

تبلیغ پیام دین بایـد به گونه ای باشد که مردم دچار تعارض نشوند. در دهه شـصت روحانیت بر حفظ جمعیت سالم و شایسـته تأکید داشت و حالا هم باید همین پیام را داشـته باشد. اگر الان جامعه عوض شده است و می تواند رسـیدگی خوبی به موالید داشته باشد، روحانیت می توانـد حامل این پیام باشـد که جمعیت می توانـد افزایش داشـته باشـد. بنابراین روحانیت در این حوزه می تواند ایفای نقش کند، مشروط بر اینکه بتواند با نگاهی جامع و دقیق به موضوع بپردازد.

ص: ۱۹۲

ص: ۱۹۳

کتاب نامه

اشاره

کتاب نامه

زیر فصل ها

الف) کتاب

ب) مقاله

ج) نرم افزار و پایگاه اطلاع رسانی

الف) کتاب

الف) کتاب

۱. امانی، سیدمهدی، جمعیتشناسی عمومی ایران، تهران، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.

۲. تقوی، نعمت الله، مبانی جمعیتشناسی، تهران، جامعه پژوه و دانیال، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

۳. حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، رساله نکاحیه: کاهش جمعیت ضربهای سهمگین بر پیکر مسلمین، تهران، حکمت، چاپ اول، ۱۴۱۵ه .ق.

۴. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تحلیل کلان وضعیت فرهنگی کشور، بخش چهارم: وضعیت جمعیت ایران (گذشته، حال، آینده) ۱/۱۳۹۱.

۵. دموس، نانسی لی، دروغ هایی که زنان باور می کنند و حقایقی که آن ها را آزاد می سازد، ترجمه و تلخیص پریسا پورعلمداری، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۶. رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.

ص: ۱۹۴

۷. زنجانی، حبیبالله و دیگران، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران، نشر و تبلیغ بشری، چاپ ششم، ۱۳۸۲.

۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم، زن؛ نظام سلطه و رسانهها، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۹، __________. رسانه ملی؛ زن و خانواده، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۱۰. طلعتی، محمدهادی، رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین: آرا و مبانی فقهی و حقوقی، قم، بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.

۱۲. کولمن، جان، کمیته ۳۰۰ کانون توطئههای جهانی، ترجمه: یحیی شمس، تهران، فیروزه، چاپ هشتم، ۱۳۸۰.

۱۳. مرکز آمار ایران، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری بینالملل، چاپ اول، ۱۳۹۱.

۱۴. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، قم، مؤسسه ال البیت علیهم السلام ، چاپ اول.

۱۵. نیکخلق، علیاکبر، مبانی جمعیتشناسی، تهران، بهینه، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ب) مقاله

ب) مقاله

۱. اسنایدر، مایکل، «از هفت میلیارد به پانصد میلیون نفر: دستور کار نخبگان جهانی برای کنترل جمعیت»، سیاحت غرب، سال نهم، شماره ۱۰۳، اسفند ۱۳۹۰.

ص: ۱۹۵

۲. امیرخسروی، ارژنگ، «پیرامون رشد جمعیت»، فصلنامه جمیعت، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۱.

۳. برگر، روبین، «تصویر اندام و زیبایی در رسانه»، سیاحت غرب، سال نهم، شماره ۹۹، آبان ۱۳۹۰.

۴. دارابی، سعدالله و محمد ترکاشوند و غلامرضا لطیفی، «پیامدهای اقتصادی اجتماعی سالخوردگی جمعیت در ایران (۱۳۳۰ ۱۴۳۰)»، کتاب ماه اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۵۸، دی ۱۳۹۱.

۵. شفیعی سروستانی، اسماعیل، «مجامع مخفی»، موعود، سال شانزدهم، شماره ۱۳۶، خرداد ۱۳۹۱؛ شماره ۱۳۷ و ۱۳۸، تیر و مرداد ۱۳۹۱ و شماره ۱۴۱، آبان ۱۳۹۱.

۶. «ضرورت بازنگری در سیاست های جمعیتی کشور»، میزگرد تخصصی با حضور دکتر سیدرضا معینی و طه نوراللهی، کتاب ماه علوم اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۵۸، دی ۱۳۹۱.

۷. فرهادی، یدالله، «سیاستگذاری جمعیت و وضعیت کمیسیون سیاستهای جمعیتی، فصلنامه جمعیت، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۲.

۸. کیث، جیم، «بمب جمعیت»، ترجمه: فاطمه شفیعی سروستانی، موعود، سال چهاردهم، شماره ۱۰۴، مهر ۱۳۸۸.

۹. گلزاری، محمود، «اشاراتی نقدگونه بر برنامههای افزایش جمعیت: واقعیت... نگرانی... سروصدا و دیگر هیچ!»، سپیده دانایی، سال ششم، شماره ۸۵، شهریور ۱۳۹۱.

۱۰. گوانزالز، سرواندو، «میلیاردرها در خدمت نسلکشی»، سیاحت غرب، سال هشتم، شماره ۹۴، خرداد ۱۳۹۰.

۱۱. لاوین ، هوارد و استفان اچ. واگنر، «نگاهی به تأثیرات روانی و اجتماعی نمایش زنان در تبلیغات تلویزیونی»، سیاحت غرب، سال ششم، شماره ۶۷، بهمن ۱۳۸۷.

ص: ۱۹۶

۱۲. علیئی، محمدولی، «تأثیر آموزهها و فتاوای شیعی در رشد و کنترل جمعیت»، فصلنامه تخصصی شیعهشناسی، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۴.

ج) نرم افزار و پایگاه اطلاع رسانی

ج) نرم افزار و پایگاه اطلاع رسانی

۱. «افزایش خطر تجرد قطعی در زنان» در: پایگاه اطلاعرسانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا):

http://isna.ir/fa/news/۹۱۰۷۰۳۰۱۶۹۱.

۲. «برژنیسکی: امریکا با اندیشه تغییر رژیم ایران خود را فریب دهد»، در: پایگاه اطلاعرسانی خبرگزاری فارس:

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۸۱۲۱۵۰۲۲۶ .

۳. «خطر افزایش تجرد قطعی در جامعه» در: پایگاه اطلاعرسانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا):

.http://isna.ir/fa/news/۹۱۰۸۲۰۱۲۳۱۶

۴. سخنرانی مقام معظم رهبری در اجتماع مردم بجنورد، ۱۹/۷/۱۳۹۱ در: پایگاه اطلاعرسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیتالله العظمی خامنه ای:

http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۱۲۶.

۵. سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۳/۵/۱۳۹۱ در: پایگاه اطلاعرسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیتالله العظمی خامنهای:

http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۰۵۳۴.

۶. سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مدیران صدا و سیما، ۱۱/۹/۱۳۸۳؛ در: پایگاه اطلاعرسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنهای:http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۶۲

۷. سمیعی نسب، مصطفی و مرتضی ترابی، شاخصها و سیاست جمعیتی در ایران، در: پایگاه اطلاعرسانی مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری:

. www.css.ir/wp-content/uploads/۶.doc-cached

ص: ۱۹۷

۸. لوح جـامع قوانین و مقررات جمهوری اسـلامی ایران، معـاونت تـدوین، تنقیـح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاسـت جمهوری، نسخه ۱/۴/۳، ۱۳۹۱.

۹. گفتوگو بـا دکتر علیرضا مرنـدی، «من مخالف سـیاست فرزنـد کمتر، زنـدگی بهتر بودم»، در پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان (مهرخانه):http://mehrkhane.com/fa/print/۳۵۳۴

۱۰. مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در: پایگاه اطلاعرسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی:

http://www.iranculture.org/fa/simoleview.aspx?provId=۱۸۸۲۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای


WWW